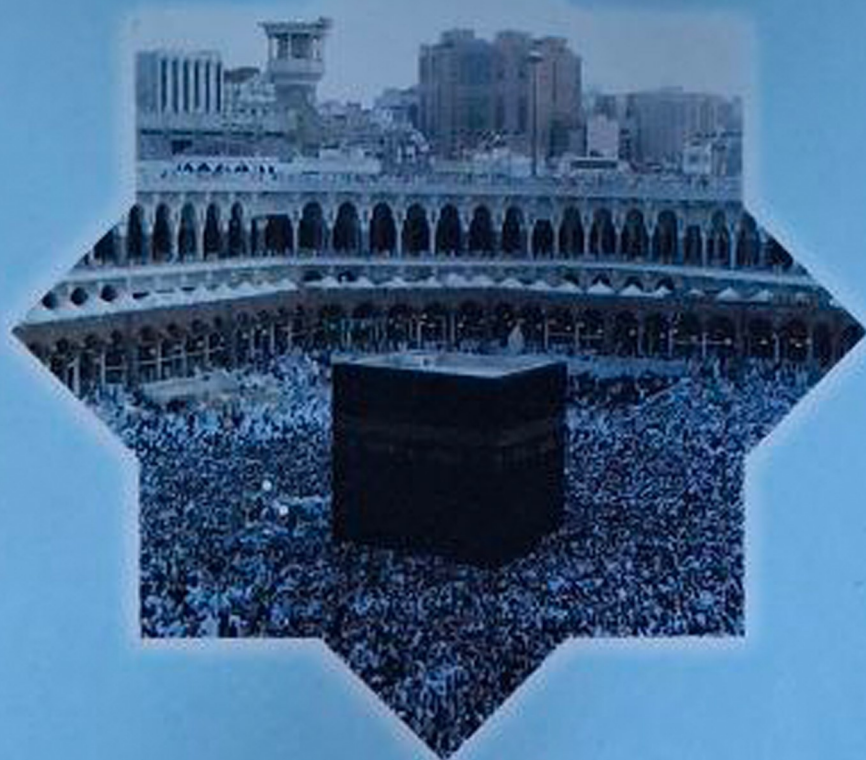


مناسک حج



مطابق فتاوی

حضرت آیہ العظمیٰ
آقای حاج سید علی حسینی ہستانی
(دام ظلہ)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شابک: ۹ - ۱۵۵ - ۳۱۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978-964-319-155-9

مناسک حج

اسم کتاب:

ناشر: دفتر حضرت آیت الله العظمی سیستانی - دام ظلہ -

بیستم - ۱۴۴۰ھ

نوبت چاپ:

تیزهوش

لیتوگرافی:

وفا

چاپخانه:

۲۰۰۰ نسخه

تیراژ:

قم مقدس - خیابان معلم - مقابل بیمارستان فاطمی

دفتر حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دام ظلہ)

تلفن: ۳۷۷۴۱۴۱۵-۹ فاکس: ۳۷۷۴۱۴۲۰

مناسک حج

مطابق فتاویٰ

حضرت آیتہ اللہ العظمیٰ
آقای حاج سید علی حسینی ہستانی
ادام اللہ ظلہ

بسمه تعالی

این رساله (مناسک حج) طبق تأیید بعضی از موثقین، مطابق نظر
حضرت آیت الله العظمی سیدتانی - مدظله - است.

(۱۴۴۰ هجری)



فهرست مطالب

فصل اول: شرایط وجوب حج.....	۲۱
شرایط وجوب حج.....	۲۵
شرط اول: بلوغ.....	۲۵
شرط دوم: عقل.....	۲۷
شرط سوم: استطاعت.....	۲۸
استطاعت زمانی.....	۲۸
استطاعت بدنی.....	۲۹
استطاعت طریقی.....	۳۰
استطاعت مالی.....	۳۲
استطاعت مالی با فروش اموال اضافی.....	۳۳
استطاعت حج با دریافت طلب.....	۳۴
استطاعت و بدهی.....	۳۵
استطاعت با ارث.....	۳۷
استطاعت با وجوه شرعی.....	۳۷

۶..... مناسک حج

مخارج حج با اموال دیگران ۳۸

استطاعت و ازدواج ۳۹

استطاعت و نیابت ۴۰

استطاعت با قرض ۴۱

استطاعت بذلی ۴۱

کفایت حج بذلی از حجة الاسلام ۴۴

رجوع به کفایت در حج بذلی ۴۴

پول قربانی در حج بذلی ۴۵

کفارات در حج بذلی ۴۵

رجوع از بذل ۴۶

خروج از استطاعت ۴۶

مسائل متفرقه استطاعت ۴۷

وصیت به حج ۴۹

حج زن و اذن شوهر ۵۴

نیابت ۵۵

شرایط نایب ۵۷

وظیفه نایب ۵۹

شرایط منوب عنه ۶۰

نیت نیابت ۶۱

فهرست مطالب ۷

نیابت معذور (ناتوان) ۶۱

فوت نایب ۶۴

کفاره محرمات نایب ۶۶

کمبود اجرت برای هزینه حج ۶۶

زمان پرداخت اجرت ۶۷

نیابت از چند نفر ۶۷

حج به نیابت از دیگری و عمره برای خود ۶۸

نیابت از کسی که در مکه است ۶۸

نیابت از امام زمان علیه السلام ۶۸

فصل دوم: اقسام حج و عمره ۶۹

اقسام حج و عمره ۷۱

عمره تمتع ۷۲

اعمال عمره تمتع ۷۳

اعمال حج تمتع ۷۳

شرایط حج تمتع ۷۵

حج افراد ۷۶

حج قرآن ۷۸

احکام اعمال عمره تمتع ۷۸

۸..... مناسک حج

۷۸.....	احرام.....
۸۱.....	محاذات میقات.....
۸۲.....	احرام پیش از میقات.....
۸۳.....	عبور از میقات بدون احرام.....
۸۶.....	احرام از جده.....
۸۷.....	کیفیت احرام.....
۸۸.....	احکام واجبات احرام.....
۸۸.....	نیت.....
۸۹.....	تَلْبِیْه.....
۹۰.....	قطع تلبیه.....
۹۱.....	پوشیدن جامه احرام.....
۹۲.....	ترتیب واجبات احرام.....
۹۲.....	پوشیدن بیش از دو لباس احرام.....
۹۲.....	شرایط لباس احرام.....
۹۳.....	بیرون آوردن لباس احرام.....
۹۴.....	مستحبات قبل از احرام.....
۹۶.....	مستحبات هنگام احرام.....
۹۹.....	مکروهات احرام.....

فهرست مطالب ۹

فصل سوم: محرمات احرام..... ۱۰۱

مُحَرَّمات احرام..... ۱۰۳

محرمات مشترک ۱۰۳

محرمات مخصوص مردان ۱۰۴

محرمات مخصوص بانوان ۱۰۵

احکام محرمات احرام..... ۱۰۵

۱. استفاده از بوی خوش ۱۰۵

کفاره استفاده از بوی خوش ۱۰۷

۲. نگاه در آینه برای خودآرایی..... ۱۰۸

کفاره نگاه در آینه..... ۱۰۸

۳. سرمه کشیدن..... ۱۰۹

کفاره سرمه کشیدن..... ۱۰۹

۴. آراستن (زینت نمودن) ۱۱۰

کفاره خودآرایی (آرایش) ۱۱۱

۵. روغن مالیدن به بدن..... ۱۱۱

کفاره روغن مالیدن به بدن ۱۱۲

۶. ناخن گرفتن ۱۱۲

کفاره ناخن گرفتن ۱۱۳

۷. کندن موی بدن ۱۱۳

۱۰..... مناسک حج

کفاره کندن مو از بدن ۱۱۴

۸. بیرون آوردن خون از بدن..... ۱۱۵

کشیدن دندان ۱۱۷

۹. دروغ و دشنام و فخر فروشی ۱۱۷

کفاره دروغ و دشنام و فخر فروشی ۱۱۷

۱۰. مجادله ۱۱۸

کفاره جدال ۱۱۹

۱۱. جماع (نزدیکی) ۱۱۹

کفاره جماع ۱۲۰

۱۲. بوسیدن همسر ۱۲۱

کفاره بوسیدن همسر ۱۲۱

۱۳. لمس بدن همسر ۱۲۲

کفاره تماس بدنی ۱۲۲

۱۴. نگاه و بازی با شهوت ۱۲۲

کفاره نگاه و بازی با شهوت ۱۲۳

۱۵. استمناء ۱۲۴

۱۶. عقد ازدواج ۱۲۴

کفاره عقد ازدواج ۱۲۵

۱۷. کشتن جانوران بدن ۱۲۵

فهرست مطالب ۱۱

کفاره کشتن جانوران بدن ۱۲۶

۱۸. شکار حیوان صحرایی ۱۲۶

کفاره شکار ۱۲۸

۱۹. حمل سلاح ۱۲۸

کفاره حمل سلاح ۱۲۹

محرمات مخصوص مردان ۱۲۹

۱. سایه بر سر قرار دادن ۱۲۹

سایه بان در شب ۱۳۰

سایه بان در مکان ثابت ۱۳۱

کفاره سایه قرار دادن ۱۳۲

۲. پوشاندن سر ۱۳۲

کفاره پوشاندن سر ۱۳۴

۳. پوشیدن چکمه و جوراب ۱۳۵

کفاره پوشیدن چکمه و جوراب ۱۳۶

۴. پوشیدن لباس دوخته شده ۱۳۶

همیان دوخته ۱۳۷

روانداز خواب ۱۳۷

کفش یا دمپایی دوخته شده ۱۳۸

گره زدن لباس احرام ۱۳۸

۱۲ مناسک حج

کفاره پوشیدن لباس دوخته شده ۱۳۸

محرمات مخصوص بانوان ۱۳۹

پوشاندن صورت برای بانوان ۱۳۹

استفاده از ماسک ۱۴۱

استفاده از عینک ۱۴۱

محرمات حرم مکه ۱۴۲

کفاره کندن و بریدن درخت و گیاه حرم ۱۴۳

مجازات مجرم در حرم ۱۴۴

اشیاء پیدا شده در حرم ۱۴۴

محرمات حرم مدینه ۱۴۵

احکام کفارات محرمات احرام و حرم ۱۴۶

محل کشتن حیوان کفاره ۱۴۶

مصرف کفارات ۱۴۷

مستحبات ورود به حرم ۱۴۸

مستحبات ورود به مکه ۱۴۹

مستحبات ورود به مسجدالحرام ۱۵۰

فصل چهارم: اعمال عمره تمتع ۱۵۵

۱. طواف ۱۵۷

فهرست مطالب ۱۳

شرایط طواف ۱۵۷

۱. نیت ۱۵۷

۲. طهارت ۱۵۸

پیش آمدن حدث در بین طواف ۱۵۹

طواف بدون طهارت ۱۶۰

شک در طهارت ۱۶۰

وظیفه حائض (زنان معذور) ۱۶۱

حیض شدن پس از احرام ۱۶۳

وظیفه مَسْلُوس و مَبْطُون ۱۶۶

وظیفه مستحاضه ۱۶۷

طهارت بدن و لباس ۱۶۹

۳. خِتَان ۱۷۱

۴. پوشش ۱۷۱

واجبات طواف ۱۷۲

احکام واجبات طواف ۱۷۳

۱. شروع از حجرالأسود و ختم به آن ۱۷۳

۲. قرار دادن کعبه به طرف چپ ۱۷۴

۳. به دور حجر اسماعیل گردیدن ۱۷۶

۴. بر روی شاذروان حرکت نکردن ۱۷۶

۱۴..... مناسک حج

۵. هفت بار کعبه را دور زدن..... ۱۷۷
۶. موالات..... ۱۷۷
۷. به اختیار خود طواف کردن..... ۱۷۷
- محدوده طواف..... ۱۷۹
- قطع طواف..... ۱۸۰
- نیابت در طواف..... ۱۸۳
- افزودن بر طواف..... ۱۸۳
- شک در تعداد دورهای طواف..... ۱۸۴
- وظیفه کثیر الشک..... ۱۸۶
- گمان در تعداد دورهای طواف..... ۱۸۶
- اعتماد به دیگران در شمارش دورهای طواف..... ۱۸۶
- ترک طواف..... ۱۸۶
- باطل شدن طواف..... ۱۸۷
- طواف مستحب..... ۱۸۹
- مستحبات طواف..... ۱۸۹
۲. نماز طواف..... ۱۹۳
- کیفیت نماز طواف..... ۱۹۳
- فاصله بین طواف و نماز طواف..... ۱۹۴
- مکان نماز طواف..... ۱۹۵

فهرست مطالب ۱۵

نماز خواندن زنان و مردان در کنار یکدیگر ۱۹۶

ترک نماز طواف ۱۹۶

نماز خواندن با بدن و لباس نجس ۱۹۷

وظیفه کسی که قرائتش صحیح نیست ۱۹۸

مستحبات نماز طواف ۲۰۰

۳. سعی بین صفا و مروه ۲۰۱

زمان سعی ۲۰۱

فاصله بین نماز طواف و سعی ۲۰۲

کیفیت سعی ۲۰۲

سعی در مسعای جدید ۲۰۴

موالات در سعی ۲۰۴

نیابت در سعی ۲۰۵

قطع سعی ۲۰۶

اعاده سعی ۲۰۶

ترک سعی ۲۰۷

باطل شدن سعی ۲۰۸

افزودن بر سعی ۲۰۸

کاستن از سعی ۲۰۹

شکیات سعی ۲۱۰

۱۶ مناسک حج

۲۱۲ گمان در سعی

۲۱۲ کثیر الشک در سعی

۲۱۲ مستحبات سعی

۴. تقصیر ۲۱۶

۲۱۷ مکان تقصیر

۲۱۷ ترک تقصیر

تقصیر برای دیگران ۲۱۸

تقصیر قبل از سعی ۲۱۸

خروج از احرام عمره تمتع ۲۱۹

از تقصیر عمره تمتع تا احرام حج ۲۱۹

عدول از تمتع به افراد ۲۲۱

فصل پنجم: اعمال حج تمتع ۲۲۳

۱. احرام از مکه ۲۲۵

زمان احرام حج ۲۲۵

مکان احرام حج ۲۲۶

ترک احرام حج ۲۲۶

مستحبات احرام تا وقوف در عرفات ۲۲۷

۲. وقوف در عرفات ۲۲۹

فهرست مطالب ۱۷

زمان وقوف ۲۲۹

وقوف اضطراری عرفات ۲۳۰

مستحبات وقوف در عرفات ۲۳۱

کوچ از عرفات ۲۳۲

۳. وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه) ۲۳۳

کسانی که می‌توانند قبل از طلوع آفتاب از مزدلفه بیرون

روند ۲۳۴

ترک وقوف مشعر الحرام ۲۳۵

ترک وقوف در عرفات و مشعر الحرام ۲۳۶

۴. رمی جمره عقبه ۲۳۸

شرایط ریگها ۲۴۰

شکایات رمی ۲۴۰

نیابت در رمی ۲۴۱

رمی جمره جدید ۲۴۲

رمی در طبقات فوقانی ۲۴۲

رمی شبانه ۲۴۲

ترک رمی جمره عقبه ۲۴۳

۵. قربانی ۲۴۴

وظیفه کسی که قدرت بر قربانی ندارد ۲۴۵

۱۸ مناسک حج

- مکان قربانی ۲۴۶
- شرایط قربانی ۲۴۷
- شکایات قربانی ۲۴۹
- نیابت در کشتن حیوان ۲۴۹
- ذبح در شب ۲۵۰
- مصرف قربانی ۲۵۱
۶. حلق یا تقصیر ۲۵۲
- زمان حلق یا تقصیر ۲۵۲
- وظیفه بانوان ۲۵۳
- وظیفه مردان ۲۵۳
- مکان حلق و تقصیر ۲۵۴
- ترک حلق یا تقصیر ۲۵۵
- خروج از احرام حج ۲۵۵
- ۷ و ۸ و ۹. طواف، نماز، سعی ۲۵۶
- زمان طواف و نماز و سعی ۲۵۷
- وظیفه معذور ۲۵۹
- ۱۰ و ۱۱. طواف نساء و نماز آن ۲۵۹
- کیفیت طواف نساء ۲۶۱
- زمان طواف نساء ۲۶۱

فهرست مطالب ۱۹

وظیفه نایب..... ۲۶۱

وظیفه معذور..... ۲۶۲

اعاده طواف نساء..... ۲۶۳

مراحل خروج از احرام حج..... ۲۶۴

۱۲. بیتوته در منا..... ۲۶۴

کسانی که بیتوته بر آنها واجب نیست..... ۲۶۶

ترک بیتوته..... ۲۶۷

۱۳. رمی جمرات سه گانه..... ۲۶۸

کیفیت رمی..... ۲۶۸

زمان رمی جمرات..... ۲۶۹

وظیفه معذور (نیابت در رمی)..... ۲۶۹

شکایات رمی..... ۲۷۱

ترک رمی جمرات..... ۲۷۱

کوچ از منا..... ۲۷۳

فصل ششم: احکام مصدود و محصور و عمره مفرده و

مسائل متفرقه..... ۲۷۵

احکام مصدود..... ۲۷۷

احکام محصور..... ۲۷۸

۲۰	 مناسک حج
۲۷۹	 بهبودی محصور
۲۸۰	 حج مستحب
۲۸۱	 عمره مفرده
۲۸۵	 تفاوت عمره مفرده و عمره تمتع
۲۸۶	 مسائل متفرقه
۲۸۶	 خمس پول ثبت نامی
۲۸۷	 ثبوت اول ماه
۲۸۹	 ﴿ دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه ﴾
۳۱۷	 ﴿ دعای امام سجاد علیه السلام در روز عرفه ﴾

فصل اول

شرایط و جوہ حج

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ
إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ
الْعَالَمِينَ﴾

خداوند متعال، حج خانه خود را بر کسانی که
مستطیع و متمکن از رفتن به سوی آن هستند
واجب فرموده، و هر کس از این واجب رو
گردانده و منکر آن شود (به خود ضرر زده است)
و خداوند از جهانیان بی نیاز است.

(سوره آل عمران، آیه ۹۷)

مسئله ۱: حج یکی از ارکان دین است و بر هر مکلفی که دارای
استطاعت است واجب می شود.

مسئله ۲: بر هر مکلفی - در اصل شریعت اسلام - در تمام
عمر یک بار حج واجب است و به آن حجة الاسلام می گویند.

مسئله ۳: به جز حجة الاسلام که در عمر فقط یک بار واجب
است ممکن است به سبب دیگری مانند نذر یا اجیر شدن برای
بار دوم و بیشتر حج واجب شود.

مسئله ۴: کسی که شرایط وجوب حج را داشته باشد چنانچه مطمئن باشد سالهای بعد می تواند حج به جا آورد تأخیر آن جایز است، ولی چون غالباً چنین اطمینانی به دست نمی آید باید در اولین سال ممکن آن را انجام دهد و اگر در انجام آن کوتاهی کند واجب است در سال بعد به حج برود، و چنانچه در سال دوم نیز به حج نرود باید در سالهای بعد حج واجب خود را به جا آورد.

مسئله ۵: اگر حج بر کسی واجب شد باید مقدمات آن و وسایل لازم را طوری تهیه کند که بتواند در همان سال به حج برسد، و اگر چندین کاروان بود و اطمینان داشت که با هر کدام سفر کند به اعمال حج خواهد رسید می تواند با هر کدام که بخواهد سفر کند، هر چند بهتر است با کاروانی برود که اطمینان بیشتری برای رسیدن به اعمال حج را دارد.

مسئله ۶: کسی که حج بر او واجب شده است چنانچه کوتاهی کند و به حج آن سال نرسد حج بر او مستقر می شود و باید در سال بعد هر طور شده حج را به جا آورد هر چند تمام شرایط را نداشته باشد یا در سختی قرار بگیرد.

شرایط وجوب حج ۲۵

مسئله ۷: اگر شخصی مستطیع و حج بر او واجب شد و به علت اطمینان به اینکه به حج می‌رسد سفر را به تأخیر انداخت و دیر حرکت کرد یا اینکه به سبب پیش آمدن اتفاقی بدون آنکه خودش مقصر باشد نتوانست به حج آن سال برسد، معذور است و حج بر او مستقر نخواهد شد.

شرایط وجوب حج

مسئله ۸: شرایط وجوب حج عبارتند از:

۱. بلوغ

۲. عقل

۳. استطاعت

شرط اول: بلوغ

مسئله ۹: حج بر افراد غیر بالغ واجب نیست هر چند نزدیک بلوغ باشند، ولی اگر کودک غیر بالغ حج به جا آورد حج او صحیح است ولی حجة الاسلام محسوب نمی‌شود، بنابراین چنانچه پس از بلوغ مستطیع شد بار دیگر باید به حج برود.

۲۶.....مناسک حج

مسأله ۱۰: بر کودک ممیز مستحب است حج به جا آورد ولی باید با اجازه پدر یا جد پدری خود باشد و اگر بدون اجازه او به حج برود صحیح نیست.

مسأله ۱۱: حج بالغ، بدون اجازه پدر و مادر صحیح است، اما اگر حج مستحب باشد و باعث اذیت هر دو یا یکی از آنان بشود - مثلاً به علت خطرهای راه بر او بترسند - جایز نیست به حج برود.

مسأله ۱۲: مستحب است ولیّ (سرپرست) کودک غیر ممیز او را حج دهد، بدین ترتیب:

۱. لباس احرام بر او بپوشاند.
۲. لبیکها را بگوید تا کودک هم بگوید.
۳. اگر کودک نمی تواند لبیکها را به طور صحیح بگوید خودش بجای او بگوید.
۴. او را از انجام دادن کارهایی که بر مُحرم حرام است بازدارد.
۵. او را دور خانه خدا طواف دهد.
۶. او را بین صفا و مروه سعی دهد.
۷. به نیابت از او نماز طواف را بخواند.

۸. قدری از مویا ناخن او را بچیند (تقصیر).
 ۹. در عرفات و مشعرالحرام وقوفش دهد.
 ۱۰. او را وادار به رمی کند و اگر نمی تواند خودش بجای او جمرات را رمی کند.
 ۱۱. سر او را بتراشد.
- و باقی اعمال را به همین ترتیب انجام دهد.

شرط دوم: عقل

مسئله ۱۳: حج بر انسان دیوانه واجب نیست، ولی اگر گاهی اوقات دیوانه می شود و در وقت سلامت سایر شرایط وجوب حج را داشته باشد به طوری که در این فرصت بتواند مقدمات حج را آماده کند و اعمال حج را به جا آورد، در این صورت حج بر او واجب می شود.

مسئله ۱۴: کسی که گاهی اوقات دیوانه می شود و دیوانگی او همیشه مصادف با ایام حج است، در صورتی که شرایط وجوب حج را داشته باشد واجب است در زمان سلامت نایب بگیرد تا از طرف او در آن ایام حج انجام دهد.

شرط سوم: استطاعت

مسئله ۱۵: استطاعت یا توانایی انجام حج با داشتن امور زیر

محقق می شود:

۱. داشتن وقت کافی (استطاعت زمانی).
۲. توانایی بدنی و سلامتی برای انجام دادن اعمال حج (استطاعت بدنی).
۳. باز بودن راه و امنیت آن (استطاعت طریقی).
۴. داشتن هزینه سفر (استطاعت مالی).
۵. توانایی بر تأمین هزینه زندگی خود و عائله (رجوع به کفایت).

استطاعت زمانی

مسئله ۱۶: از جمله شرایط وجوب حج داشتن وقت کافی برای

رفتن به سرزمین وحی و به جا آوردن اعمال واجب در آنجاست،

بنابراین اگر به دست آمدن مال یا فراهم شدن سایر شرایط وقتی

محقق شود که فرصت رفتن به آن اماکن مقدس و بجای آوردن

مناسک حج کافی نباشد یا وقت به قدری کم است که رفتن به

حج با مشقت زیادی همراه باشد و به طور معمول نمی‌توان آن را تحمل کرد در آن سال حج بر او واجب نیست، ولی اگر بداند که سال آینده می‌تواند به حج برود باید استطاعت مالی را نگه دارد تا سال بعد بتواند حج به جا آورد.

استطاعت بدنی

مسئله ۱۷: کسی که شرایط حج را دارد ولی به علت بیماری یا پیری نتواند به آن اماکن مقدس سفر کند یا می‌تواند برود ولی به علتی - مثلاً گرمای شدید - نتواند به مقدار انجام مناسک حج در آنجا بماند یا مشقت و زحمت زیادی داشته باشد که به طور معمول قابل تحمل نباشد واجب نیست به حج برود، و چنانچه امید ندارد که در سالهای آینده نیز خودش بتواند به حج برود واجب است نایب بگیرد.

مسئله ۱۸: کسی که فعلاً توانایی بدنی برای حج را ندارد ولی امید دارد که سال آینده عذرش برطرف شود واجب نیست همان سال نایب بگیرد، و چنانچه سال آینده استطاعت بدنی حاصل شد و سایر شرایط را داشت به حج می‌رود.

۳۰..... مناسک حج

مسئله ۱۹: کسی که تمام شرایط استطاعت را دارد ولی به جهت بیماری نمی تواند به حج برود چنانچه فعلاً مستطیع محسوب نمی شود معالجه بیماری برای آنکه بتواند به حج برود واجب نیست، ولی اگر معالجه کرد و توانایی بدنی پیدا کرد باید به حج برود.

استطاعت طریقی

مسئله ۲۰: یکی از شرایط وجوب حج باز بودن راه و امنیت آن است، بدین معنا که بین راه مانعی از رسیدن به میقات نباشد و همچنین خطری بر جان یا مال یا ناموس وجود نداشته باشد و در غیر این صورت حج واجب نیست.

مسئله ۲۱: اگر برای رفتن به حج و رسیدن به میقات مانع و خطری وجود ندارد ولی بعد از محرم شدن مانعی مثل بیماری یا دشمن پیش آمد، احکام خاصی دارد که در بحث مصدود و محصور خواهد آمد.^(۱)

مسئله ۲۲: اگر برای رفتن به حج دو راه وجود دارد که یکی

۱. احکام مصدود و محصور در فصل ششم خواهد آمد.

شرایط وجوب حج ۳۱

نزدیک و با خطر و دیگری دور و بی خطر باشد واجب است از راه دورتر برود.

مسئله ۲۳: اگر برای رفتن به حج باید ثبت نام کند و تا چند سال منتظر بماند تا نوبت حج او بشود و راه دیگری برای رفتن به حج برای او وجود نداشته باشد چنانچه احتمال پیش آمدن مانعی از رفتن به حج در آن سال نباشد بنا بر احتیاط واجب باید ثبت نام کند.

مسئله ۲۴: اگر در شهر خود مالی دارد که با رفتن به حج آن مال تلف می شود، چنانچه تلف شدن آن مال ضرر قابل توجه به او برساند و اجحاف به حالش داشته باشد حج بر او واجب نیست.

مسئله ۲۵: اگر در راه حج دشمنی باشد که دفع آن جز با پرداختن مال زیاد ممکن نیست و پرداختن آن مقدار از مال ضرر قابل توجه به او برساند و اجحاف به حالش داشته باشد حج واجب نیست.

استطاعت مالی

مسئله ۲۶: استطاعت مالی به معنای توشه راه و وسیله سفر است (زاد و راحله) و باید به حدی که لایق به حال اوست باشد ولی لازم نیست عین آن را داشته باشد بلکه کافی است پول آن را داشته باشد.

مسئله ۲۷: میزان و معیار در توشه راه و وسیله سفر وجود فعلی آنهاست، بنابراین اگر فعلاً آنها را ندارد ولی می‌تواند با کار و کاسبی به دست آورد حج واجب نیست.

مسئله ۲۸: استطاعتی که در وجوب حج معتبر است از مکانی است که مکلف فعلاً در آن قرار دارد نه از وطن اصلی خود، بنابراین اگر برای تجارت یا غیر آن به شهر دیگری رفت و از آنجا استطاعت رفتن به حج را پیدا کرد حج بر او واجب می‌شود هر چند اگر در شهر خودش بود مستطیع نمی‌شد.

مسئله ۲۹: اگر مکلف پول ندارد ولی ملکی مانند زمین یا باغ یا مغازه دارد که می‌تواند با فروش آن به حج برود واجب است بفروشد و به حج برود حتی اگر مجبور شود به قیمت بسیار کم بفروشد.

شرایط وجوب حج ۳۳

بله، اگر فروش آن به کمتر از قیمت واقعی باعث ضرر قابل توجه شود حج واجب نیست.

مسئله ۳۰: اگر در سال استطاعت هزینه حج به علتی گران شود و سال بعد ارزانتر خواهد بود تأخیر حج برای ارزان شدن هزینه‌ها مثل کرایه هواپیما و مسافرخانه جایز نیست، مگر اینکه مطمئن باشد سالهای بعد می‌تواند به حج برود و یا گرانی به قدری باشد که قدرت پرداخت آن هزینه‌ها را نداشته باشد یا باعث ضرر قابل توجه شود.

مسئله ۳۱: در صورتی داشتن هزینه بازگشت به وطن شرط استطاعت است که حاجی بخواهد به وطن خود برگردد، اما اگر بخواهد همان جا بماند استطاعت فقط با داشتن هزینه رفت محقق می‌شود.

استطاعت مالی با فروش اموال اضافی

مسئله ۳۲: اگر انسان مالی داشته باشد که قبلاً به آن نیاز داشته و واجب نبوده آن را بفروشد تا به حج برود ولی اکنون به آن نیازی ندارد، واجب است بفروشد و به حج برود، مثلاً خانمی

۳۴..... مناسک حج

که زیورهای طلا داشته که سابقاً مورد نیازش بوده است ولی فعلاً به علت پیری مورد نیازش نیست اگر بتواند با فروش آنها به حج برود حج بر او واجب می‌شود.

مسئله ۳۳: اگر انسان منزل ملک‌ی داشته باشد ولی فعلاً در منزل وقفی یا اداری زندگی می‌کند و در حرج و سختی زیاد نیست و در معرض از دست دادن آن نباشد، چنانچه منزل ملک‌ی به مقدار هزینه حج باشد یا با مال دیگری که دارد هزینه حج تأمین می‌شود حج بر او واجب است هرچند لازم باشد منزل ملک‌ی را بفروشد، و این حکم در مثل کتاب و ابزار کار و وسایل دیگر نیز جاری است.

استطاعت حج با دریافت طلب

مسئله ۳۴: اگر انسان از کسی طلبی دارد که برای تأمین هزینه حج یا تکمیل آن کافی باشد، در فرضهای زیر حج بر او واجب است:

۱. وقت طلبش رسیده و بدهکار حاضر به پرداخت آن باشد.

شرایط وجوب حج ۳۵

۲. وقت طلبش رسیده و بدهکار بد حساب است و حاضر به پرداخت آن نیست ولی اجبار او بر پرداختن بدهی - هر چند با مراجعه به دادگاه - ممکن باشد.

۳. وقت طلبش رسیده و بدهکار منکر طلب است، اما اثبات و دریافت آن ممکن باشد، یا اثبات آن ممکن نیست ولی دریافت آن از راه تقاضا ممکن باشد.

۴. وقت طلبش نرسیده ولی بدهکار با رغبت خود قبل از وقت، طلب را می‌پردازد.

اما اگر دریافت طلب نیاز به مطالبه داشته باشد و تأخیر تا موعد آن نیز به صلاح بدهکار باشد - که غالباً همین طور است - مطالبه از بدهکار و حج واجب نیست.

مسئله ۳۵: اگر فروختن مقدار طلب به کمتر از آن ممکن باشد و موجب ضرر قابل توجهی نشود و همان مقدار کمتر برای تأمین یا تکمیل هزینه حج کافی باشد رفتن به حج واجب است.

استطاعت و بدهی

مسئله ۳۶: کسی که مخارج حج را دارد اما بدهکار است، در

سه صورت حج بر او واجب نیست:

۱. بدهی او بیشتر از مالی باشد که برای حج دارد.
۲. بدهی او به مقدار مالی باشد که برای حج دارد.
۳. بدهی او کمتر باشد ولی اگر مقدار قرض برداشته شود، باقیمانده آن برای مخارج حج کافی نیست.

مسئله ۳۷: در مسأله قبل فرقی نیست بین اینکه وقت پرداخت بدهی رسیده باشد یا نه، مگر اینکه وقت پرداخت بدهی آن قدر دور باشد که به آن توجهی نمی شود مثلاً پنجاه سال دیگر باید بدهی را بپردازد، و فرقی نیست که اول قرض گرفته باشد و بعداً آن مال را به دست آورده باشد یا بر عکس.

مسئله ۳۸: اگر مالی به دست آورد که به اندازه هزینه حج باشد و بعد از آن بدهکار شود و در مقروض شدن، خودش مقصر باشد حج بر او واجب است.

مسئله ۳۹: افرادی مانند تاجران که معمولاً طلب و بدهی دارند، اگر طلبشان بیش از بدهیشان باشد و آن اضافه برای هزینه حج کفایت کند، چنانچه سایر شرایط را نیز داشته باشند مستطیع هستند.

شرایط وجوب حج ۳۷

مسئله ۴۰: اگر انسان خمس یا زکات بدهکار باشد و اموالی دارد که اگر خمس یا زکات را از آنها بدهد باقیمانده آن برای هزینه حج کافی نیست واجب است خمس یا زکات را بپردازد و حج بر او واجب نخواهد بود و فرقی نیست که همان مال متعلق خمس یا زکات باشد یا از قبل بدهکار بوده است.

مسئله ۴۱: کسی که حج بر او واجب شده و خمس یا زکات یا حقوق واجب دیگر بدهکار است، لازم است آنها را بپردازد و تأخیر در پرداخت آنها به خاطر سفر حج جایز نیست.

استطاعت با ارث

مسئله ۴۲: کسی که شغل یا حرفه‌ای دارد که از درآمد آن زندگی‌اش اداره می‌شود، اگر به ارث یا به طریق دیگر مالی به دست آورد که برای هزینه حج و مخارج عائله‌اش در مدت سفر کافی باشد حج بر او واجب است.

استطاعت با وجوه شرعی

مسئله ۴۳: کسی که از وجوه شرعی مانند خمس و زکات و امثال اینها زندگی خود را اداره می‌کند و به طور متعارف بدون

مشقت به مقدار هزینه زندگی اش وجوه شرعی به او می‌رسد، اگر به مقدار مخارج حج مالی به او برسد حج بر او واجب است.

مخارج حج با اموال دیگران

مسئله ۴۴: لازم نیست مستطیع حتماً با اموال خودش به حج برود، پس اگر بدون صرف مال حج به جا آورد یا با اموال دیگران - هرچند غصب کرده باشد - به حج برود کفایت می‌کند، اما ساتری که هنگام طواف و نماز طواف بر تن می‌کند اگر غصبی باشد بنا بر احتیاط واجب کفایت نمی‌کند، و اگر پول قربانی اش غصبی باشد حجبش صحیح نیست، مگر آنکه قربانی را به قیمتی به ذمه خود بخرد و قیمت آن را از پول غصبی پرداخت کند که در این صورت حجبش صحیح است.

مسئله ۴۵: مالک بودن زاد و راحله شرط نیست، پس اگر نزد انسان مالی باشد که به او اجازه هرگونه تصرف در آن را داده باشند در صورتی که کفاف مخارج حج را بدهد و سایر شرایط را داشته باشد رفتن به حج بر او واجب می‌شود، و چنانچه اطمینان

شرایط وجوب حج ۳۹

نداشته باشد که مالک بر اجازه خود باقی بماند و با این وجود حج بجای آورد پس اگر مالک از اجازه خود برنگشت حج او معجزی و حج واجب محسوب می شود.

مسئله ۴۶: شخصی که تمام هزینه های حج را دارد ولی پس از بازگشت از حج برای ولیمه حج و سایر هزینه های جانبی یا مخارج زندگی مقروض می شود، چنانچه مخارج ولیمه و سایر هزینه ها به طوری است که نمی تواند از آن پرهیز کند مستطیع نیست.

استطاعت و ازدواج

مسئله ۴۷: جوان مستطیعی که نیاز به ازدواج دارد و چنانچه به حج برود ازدواج او به تأخیر می افتد رفتن به حج بر او واجب است، مگر آنکه صبر کردن تا پس از حج برای او به قدری زحمت و سختی داشته باشد که به طور معمول نمی توان آن را تحمل کرد که در این صورت ازدواج مقدم است.

مسئله ۴۸: اگر شخص مستطیع فرزندش نیاز به ازدواج داشت ولی چنانچه هزینه ازدواج او را بپردازد نمی تواند به حج برود، در

۴۰..... مناسک حج

این صورت حج بر او واجب است و ازدواج فرزند مانع حج او نخواهد بود، مگر آنکه ازدواج نکردن فرزند موجب زحمت و سختی زیاد برای او باشد.

استطاعت و نیابت

مسأله ۴۹: اگر کسی برای حج نیابی اجیر شود و با پول آن مستطیع شود، مسأله دو صورت خواهد داشت:

۱. حج نیابی مقید به همان سال باشد؛ که در این صورت حج نیابی مقدم است و باید همان سال حج نیابی را به جا آورد و چنانچه استطاعتش تا سال آینده باقی بماند حج بر او واجب می شود، و اگر باقی نماند حج بر خودش واجب نیست.

۲. حج نیابی مقید به همان سال نباشد؛ در این صورت چنانچه مطمئن نباشد که در سالهای آینده می تواند حج به جا آورد باید امسال حج نیابی را مقدم داشته و در فرض تمکن از انجام حج در سالهای آینده حج واجب خود را بعداً به جا آورد.

ولی چنانچه مطمئن باشد که در سالهای آینده می تواند حج

را به جا آورد، می‌تواند هرکدام از حج نیایی یا حج خود را مقدم داشته و دیگری را در سالهای آینده به جا آورد.

استطاعت با قرض

مسئله ۵۰: اگر کسی مالی را قرض کند که به مقدار هزینه حج باشد حج بر او واجب نخواهد شد هرچند بعداً قدرت پرداختن قرض را داشته باشد، مگر آنکه مدت بازپرداخت قرض به قدری دور باشد که عقلاء به آن توجه نکنند مثلاً پنجاه سال آینده که در این صورت حج بر او واجب است.

مسئله ۵۱: اگر شخصی به مقدار هزینه حج، اموالی زیاده‌تر از مایحتاج زندگی خود دارد ولی آنها را مصرف نکند و برای مصارف حج قرض کند، حج او مجزی از حج واجب است و واجب نیست مجدداً به حج برود.

استطاعت بذلی^(۱)

مسئله ۵۲: اگر کسی مخارج حج انسان را به عهده بگیرد و

۱. استطاعت بذلی: توانایی مالی حج که با بخشش دیگری حاصل شده باشد.

ملتزم شود که تمام هزینه سفر حج و مخارج زندگی عائله وی را بپردازد چنانچه اطمینان داشته باشد که به تعهد خود باقی می ماند، حج بر او واجب می شود، و فرق نمی کند که دهنده مخارج یک نفر باشد یا چند نفر.

مسئله ۵۳: اگر شخصی مالی را به انسان بدهد که در حج صرف نماید و آن مال برای هزینه حج و زندگی عائله وی - در مدت سفر حج - کافی باشد حج بر او واجب می شود.

مسئله ۵۴: اگر مقداری از هزینه حج را داشته باشد و باقیمانده اش را کسی به او بدهد حج بر او واجب است، اما اگر فقط هزینه رفتن را به او بذل کند و هزینه برگشتن را نداشته باشد حج بر او واجب نیست.

مسئله ۵۵: اگر شخصی هزینه رفتن و برگشتن را به او بذل کند ولی مخارج عیالش را تا برگشتن به او ندهد حج بر او واجب نیست مگر اینکه خودش مخارج عیالش را داشته باشد یا اینکه اگر به حج هم نرود قدرت تأمین مخارج زندگی آنان را نداشته باشد یا اینکه عائله او در حرج و مشقت قرار نگیرند یا اینکه واجب النفقه او نباشند که در تمام این موارد حج بر او واجب

می شود.

مسئله ۵۶: اگر میت وصیت کند که شخصی با اموالش حج به جا آورد در صورتی که آن مال به مقدار هزینه حج و خرج زندگی عائله وی باشد حج بر آن شخص واجب می شود.

مسئله ۵۷: اگر شخصی مالی به انسان ببخشد که با آن به حج برود واجب است قبول کند، و اگر بخشنده اختیار را به خودش بدهد و بگوید: (می خواهی با این مال به حج برو و می خواهی نرو) یا مالی را ببخشد و نامی از حج نبرد، قبول آن مال واجب نیست.

مسئله ۵۸: هرگاه مالی به گروهی (عده ای) بدهند تا یکی از آنها به حج برود، پس اگر یکی از آنها پیش دستی کرد و مال را برداشت حج بر او واجب و تکلیف از دیگران ساقط می شود، ولی اگر هیچ کدام مال را برنداشت - با اینکه هر یک از آنها می توانست بردارد - حج بر هیچ یک مستقر نمی شود.

مسئله ۵۹: کسانی که در قبال کاری که انجام می دهند هزینه سفر حج آنها پرداخته می شود - مثل برخی از خدمه کاروانها - حجتشان حج بذلی محسوب نمی شود.

کفایت حج بذلی از حجة الاسلام

مسأله ۶۰: حج بذلی کفایت از حجة الاسلام می کند، پس اگر با همین بذل و بخشش حج به جا آورد و بعداً خودش مستطیع شود واجب نیست مجدداً به حج برود.

رجوع به کفایت در حج بذلی

مسأله ۶۱: رجوع به کفایت^(۱) در استطاعت بذلی شرط نیست، مگر اینکه درآمد وی تنها در ایام حج باشد و با درآمد همان ایام بقیه سال را زندگی می کند به طوری که اگر به حج برود قدرت تأمین هزینه زندگی در بقیه سال را نخواهد داشت در این صورت

۱. رجوع به کفایت، یعنی این که اگر حج برود پس از بازگشت بتواند - بالفعل یا بالقوه - هزینه زندگی خود و عائله اش را تأمین نماید به نحوی که احتیاج به کمک گرفتن از دیگران نباشد و در حرج و مشقت هم قرار نگیرد. و به بیان دیگر: باید حال مکلف طوری باشد که ترس از فقر و تنگدستی خود و عائله اش به علت رفتن به حج نداشته باشد.

بنابراین کسی که وقت درآمدش در ایام حج باشد به طوری که اگر به حج برود درآمد نداشته باشد و نتواند هزینه زندگیش را در بقیه روزهای سال یا بعضی از آنها تأمین نماید حج بر او واجب نیست.

حج بر او واجب نیست.

بله، اگر مخارج زندگی اش در بقیه ایام سال را نیز بدهند یا بخشی از آن را دارد و بقیه را به او بدهند حج بر او واجب می شود.

پول قربانی در حج بذلی

مسأله ۶۲: قیمت قربانی بر عهده بخشنده است، پس اگر مخارج حج را پردازد ولی قیمت قربانی را به او ندهد و خودش توانایی تهیه قربانی را نداشت وجوب حج بر او محل اشکال است، یعنی احتیاط واجب این است که حج به جا آورد ولی اگر بعداً مستطیع شد باز حج را اعاده نماید، اما اگر خودش توانایی تهیه قربانی را داشته باشد حج واجب می شود.

کفارات در حج بذلی

مسأله ۶۳: اگر در حج بذلی کفاره ای واجب شود بر عهده حاجی است نه بر بخشنده.

رجوع از بذل

مسأله ۶۴: بخشنده می تواند از بخشش خود رجوع کند، یعنی آنچه به او داده را پس بگیرد یا آنچه را وعده داد به او ندهد، خواه قبل از آنکه گیرنده مُحرم شود یا پس از آن، و اما اگر رجوع بعد از احرام باشد چنانچه حرج و مشقتی برای او نشود واجب است حج را تا آخر به جا آورد گرچه مستطیع نباشد، و بخشنده ضامن هزینه هایی است که او برای اتمام حج و برگشتن خرج کرده است.

خروج از استطاعت

مسأله ۶۵: اگر انسان از نظر مالی مستطیع شود و قدرت رفتن به حج را داشته باشد حج بر او واجب است، بنابراین اگر در اموال خود تصرفی کند که از استطاعت خارج شود و نتواند تدارک کند و برایش معلوم باشد که در ایام حج می تواند به حج برود حج بر ذمه او مستقر می شود، ولی اگر این قدرت مشخص نباشد یعنی نمی داند که در ایام حج می تواند به حج برود یا نه، حج بر ذمه او مستقر نیست.

شرایط وجوب حج ۴۷

مسئله ۶۶: در فرض مسأله قبل هرچند به خاطر از بین بردن استطاعت خود گناه کار است ولی تصرف او صحیح است، مثلاً اگر اموال خود را به قیمت کمتر فروخته یا به کسی بدون عوض بخشیده باشد معامله و بخشش او صحیح است.

مسئله ۶۷: کسی که برای حج ثبت نام کرده ولی پیش از آنکه نوبت حج او برسد به آن پول برای مخارج لازم زندگی نیاز پیدا کند و غیر از آن مالی نداشته باشد می تواند پول را پس بگیرد و چنانچه از قبل، وجوب حج بر ذمه او مستقر نشده باشد حج بر او واجب نیست.

مسائل متفرقه استطاعت

مسئله ۶۸: اگر کسی مستطیع نباشد و حج مستحب برای خود انجام دهد یا به جای شخص دیگری حج تبرعی (برای ثواب و بدون دریافت اجرت) یا حج نیابتی به جا آورد، این حج کفایت از حجة الاسلام نمی کند، پس در صورتی که بعداً مستطیع شود باید به حج برود.

مسئله ۶۹: اگر کسی به تصور اینکه مستطیع نیست حج

مستحب به جا آورد و بعداً معلوم شود مستطیع بوده، حج او از حجة الاسلام کفایت می کند و حج دیگری بر او واجب نیست.

مسأله ۷۰: شخص مستطیع اگر در رفتن به حج کوتاهی کند و استطاعتش از بین برود حج بر او مستقر می شود و واجب است حج را به هر ترتیبی که شده به جا آورد حتی اگر با سختی باشد.

مسأله ۷۱: کسی که حج بر او مستقر شده، چنانچه قبل از حج بمیرد واجب است از اموال وی حج را قضا نمایند، و اگر کسی بعد از مرگ وی بدون اجرت حج نیابتی برایش به جا آورد صحیح و کافی است.

مسأله ۷۲: خدومه کاروانهای حج و راهنمایان دینی آنها که با هزینه رئیس کاروان یا سازمان حج و زیارت به حج می روند چنانچه سایر شرایط را داشته باشند مستطیع هستند و باید حجة الاسلام به جا آوردند.

مسأله ۷۳: کسی که از نظر مالی مستطیع نیست ولی برای خدمت به حجاج اجیر شده است چنانچه سایر شرایط را داشته باشد مستطیع است و باید حجة الاسلام به جا آورد.

وصیت به حج

مسئله ۷۴: کسی که حج بر او واجب شده و به جا نیاورده و مرگش نزدیک باشد، اگر مالی به اندازه هزینه‌های حج داشته باشد لازم است ترتیبی دهد تا مطمئن شود حج او را انجام می‌دهند اگرچه با وصیت کردن در حضور شهود باشد، و اگر مالی ندارد و احتمال می‌دهد که شخصی مجانی برایش حج انجام دهد باز هم واجب است وصیت کند.

مسئله ۷۵: اگر شخصی که حجة الاسلام بر او مستقر شده بمیرد، واجب است از اصل اموالش حج او را به جا آورند هر چند میت وصیت نکرده باشد.

مسئله ۷۶: اگر حجة الاسلام بر میت مستقر بوده و وصیت کرده حج او را به جا آورند، این مسئله دو صورت دارد:

۱. وصیت مطلق باشد یعنی مقید به ثلث اموال نکرده باشد مثلاً وصیت کند حج را انجام دهید یا از اموال من حج برابم انجام دهید؛ در این صورت باید از اصل مال هزینه حج او را تأمین کنند.

۲. وصیت مطلق نباشد یعنی وصیت کند از ثلث اموالش

۵۰.....مناسک حج

حج او را انجام دهند؛ در این صورت هزینه حج را از ثلث اموالش خارج می کنند و بر سایر چیزهایی که وصیت کرده مقدم است و چنانچه برای مخارج حج کافی نباشد بقیه آن را باید از اصل دارایی اش تکمیل کنند.

مسئله ۷۷: کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر عهده او باشد تا زمانی که حج او ادا نشده است جایز نیست ورثه در اموال میت به طوری تصرف کنند که نتوانند قضای حج او را بجای آورند، و در این مسئله فرقی نیست که اموال میت مساوی با هزینه حج باشد یا بیشتر از آن، بله در صورتی که اموال میت بیشتر از هزینه حج باشد در مقدار بیشتر از هزینه حج می توانند تصرف کنند.

مسئله ۷۸: اگر میت علاوه بر حجة الاسلام خمس و زکات نیز بر عهده او باشد و دارایی او کفاف همه آنها را ندهد، مسئله دو صورت دارد:

۱. اگر اموالی که خمس و زکات به آن تعلق گرفته عیناً موجود باشد؛ باید اول خمس و زکات را بپردازند.
۲. اگر اموالی که خمس و زکات به آنها تعلق گرفته موجود نباشد؛ باید اول حج را به جا آورند.

شرایط وجوب حج ۵۱

مسئله ۷۹: اگر میت علاوه بر حجة الاسلام بدهی نیز داشته باشد اول باید بدهی او را بپردازند.

مسئله ۸۰: اگر حجة الاسلام بر عهده میت باشد ولی اموالش کمتر از هزینه حج است بر ورثه واجب نیست کمبود آن را از مال خود تکمیل کنند و حج او را به جا آورند، بلکه اموال میت به ورثه او می رسد.

مسئله ۸۱: واجب نیست برای میت از وطن او برای بجای آوردن حج نایب بگیرند، بلکه نایب گرفتن از میقات هم کافی است هرچند از نزدیک ترین میقاتها باشد، ولی احتیاط مستحب این است که از وطن او نایب گرفته شود اما اجرت بیش از میقات را نباید از سهم وارث صغیر بردارند.

مسئله ۸۲: اگر اموال میت برای بجای آوردن حجة الاسلام وی کافی باشد بنا بر احتیاط واجب باید فوراً در اولین سال برای بجای آوردن حج وی اقدام کنند.

مسئله ۸۳: کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر عهده او باشد، چنانچه شخصی بدون گرفتن اجرت برای او حج به جا آورد کفایت می کند و در این صورت واجب نیست از اموال او برایش

۵۲..... مناسک حج

نایب بگیرند حتی اگر وصیت کرده باشد هزینه حج را از ثلث مال او پردازند، ولی در این صورت معادل هزینه حج از ثلث اموال میت به ورثه نمی‌رسد بلکه باید در کارهای خیر که نزدیک به نظر میت است مصرف شود.

مسئله ۸۴: کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر عهده او باشد و وصیت کرده باشد از وطنش نایب گرفته شود واجب است از وطن برای او نایب گرفته شود و در این صورت هزینه حج میقاتی از اصل اموال میت و مازاد بر آن از ثلث برداشته می‌شود.

مسئله ۸۵: اگر میت وصیت کرده باشد از مال معینی برای او حج به جا آوردند و بدانند که به آن مال خمس یا زکات تعلق گرفته، واجب است اول خمس یا زکات آن را پردازند و باقیمانده را صرف حج کنند، و چنانچه باقیمانده آن کمتر از هزینه حج باشد و حجبی که وصیت کرده حجة الاسلام باشد کمبود آن از اصل اموال میت جبران می‌شود.

مسئله ۸۶: در صورتی که نایب گرفتن برای حج از طرف میت به وصیت یا غیر وصیت واجب شده باشد و کسی که واجب بود نایب بگیرد سهل انگاری و کوتاهی کند و مالی که برای حج در

شرایط وجوب حج ۵۳

نظر گرفته شده بود تلف شود این شخص ضامن است و بر او واجب است از مال خودش برای میت نایب بگیرد.

مسأله ۸۷: چنانچه مالی که برای حج در نظر گرفته شده بدون سهل انگاری در نگهداری آن در دست وصی تلف شود وصی ضامن نخواهد بود، و در این صورت چنانچه حجتی که وصیت کرده حجة الاسلام باشد واجب است از بقیه اموال میت حج به جا آورند، و اگر حجة الاسلام نباشد از بقیه ثلث اموال میت برداشته می شود.

مسأله ۸۸: اگر میت وصیت به حج کرده باشد، مسأله سه صورت دارد:

۱. اگر معلوم باشد حجتی که وصیت کرده حجة الاسلام است؛ هزینه آن از اصل مال برداشته می شود، مگر اینکه وصیت کرده باشد از ثلث برداشته شود.

۲. اگر معلوم باشد حجتی که وصیت کرده حجة الاسلام نیست؛ هزینه حج از ثلث برداشته می شود.

۳. اگر معلوم نباشد حجتی که وصیت کرده حجة الاسلام است یا نه؛ هزینه آن از ثلث برداشته می شود.

۵۴..... مناسک حج

مسئله ۸۹: اگر میت وصیت به حج کرده و برای به جا آوردن آن شخص خاصی را تعیین نموده باشد باید طبق وصیت عمل شود.

مسئله ۹۰: اگر میت وصیت به حجة الاسلام کرده باشد و اجرتی برای آن تعیین کرده که کسی حاضر نمی شود با آن اجرت حج به جا آورد یعنی کمتر از مقدار متعارف است، لازم است کمبود آن را از اصل اموال میت جبران کنند.

حج زن و اذن شوهر

مسئله ۹۱: اگر زن مستطیع شود می تواند بدون اجازه شوهر به حج برود و اجازه او شرط نیست.

مسئله ۹۲: شوهر نمی تواند همسر خود را از رفتن به حج واجب منع کند و فرقی بین حجة الاسلام و سایر حجهای واجب نیست، بلکه اگر چندین کاروان با فاصله زمانی حرکت می کنند و وقت وسعت دارد می تواند او را از رفتن با کاروانهای اولی منع کند.

مسئله ۹۳: در استطاعت بانوان و وجوب حج بر آنان داشتن

شرایط وجوب حج ۵۵

مَحْرَم برای سفر شرط نیست ولی اگر بدون همراه، امنیت نداشته باشند و بر خود بترسند در این صورت داشتن همراه لازم است، و چنانچه همراه مزدی طلب کند لازم است مزد او را هم داشته باشند و در غیر این صورت حج بر آنان واجب نیست.

مسأله ۹۴: زنی که شوهر دائم دارد و همچنین زنی که در عده طلاق رجعی است برای به جا آوردن حج مستحب باید از شوهر خود اجازه بگیرد.

مسأله ۹۵: زنی که در عده طلاق بائن است برای رفتن به حج شرط نیست از شوهر خود اجازه بگیرد، و همچنین برای زنی که شوهرش فوت کرده جایز است در عده وفات به حج برود و اجازه کسی شرط نیست.

نیابت

مسأله ۹۶: شخص مستطیع در صورتی که توانایی داشته باشد باید خودش به حج برود و حج شخص دیگری از طرف او - چه با اجرت یا بدون آن - کفایت نمی کند.

مسأله ۹۷: کسی که حج بر ذمه اش مستقر شده است و

۵۶..... مناسک حج

خودش به علت بیماری یا پیری یا مانعی دیگر نتواند حج به جا آورد و برایش مشقت و حرج دارد و امید ندارد که بعداً بتواند به حج برود واجب است برای خود نایب بگیرد.

مسئله ۹۸: کسی که استطاعت مالی دارد ولی خودش نمی تواند حج به جا آورد یا به جا آوردن اعمال حج برایش مشقت و حرج خواهد داشت واجب است برای خود نایب بگیرد.

مسئله ۹۹: کسی که نایب گرفتن برای حج برای او واجب شد چنانچه مطمئن نبود که برای سالهای بعد بتواند نایب بگیرد باید در اولین سال ممکن نایب بگیرد، یعنی وجوب نایب گرفتن برای حج مثل خود حج فوری است.

مسئله ۱۰۰: کسی که خودش نمی تواند حج به جا آورد و نایب هم نمی تواند بگیرد تکلیفی ندارد، ولی اگر حج بر او مستقر شده باشد بعد از مرگش باید از طرف او حج به جا آورند.

مسئله ۱۰۱: کسی که خودش نمی تواند حج به جا آورد و نایب گرفتن بر او واجب شده، اگر از میقات نایب بگیرد کفایت می کند و واجب نیست از شهر خودش نایب بگیرد.

مسئله ۱۰۲: کسی که حجة الاسلام بر او واجب شده اگر پس از

احرام عمره تمتع یا حج - تمتع یا قران یا افراد - در حرم بمیرد کفایت می‌کند و لازم نیست برای اتمام اعمال عمره یا حج برای او نایب بگیرند، و همچنین لازم نیست برایش نایب بگیرند تا عمره یا حج جدیدی برایش به جا آورد، و این حکم اختصاص به حجة الاسلام دارد و در حجی که به نذر یا سببی دیگر واجب شده و همچنین در عمره مفرده جاری نیست.

شرایط نایب

مسئله ۱۰۳: شرایط نایب عبارتند از:

۱. بلوغ

۲. عقل

۳. ایمان

۴. حج بر خودش واجب نباشد.

مسئله ۱۰۴: نیابت کودک غیر بالغ برای حج صحیح نیست، لذا اگر کودک به نیابت از شخص دیگری حجة الاسلام به جا آورد کفایت نمی‌کند، و - بنا بر احتیاط واجب - حج واجب غیر حجة الاسلام نیز همین حکم را دارد هر چند بچه ممیز باشد و

خوب و بد را تشخیص دهد.

مسئله ۱۰۵: کودک غیر بالغ اگر با اجازه ولیّ خود حج مستحب را به نیابت از شخص دیگری انجام دهد صحیح است.

مسئله ۱۰۶: نیابت غیر مؤمن برای حج بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست، پس اگر غیر مؤمن نایب برای حج شود و طبق مذهب ما حج بجای آورد بنا بر احتیاط واجب کفایت نمی کند، و اما اگر طبق مذهب خودش به جا آورد قطعاً کافی نیست.

مسئله ۱۰۷: کسی که حج بر او واجب شده است در آن سال نمی تواند به نیابت از شخص دیگری حج به جا آورد، ولی در صورتی که به نیابت از دیگری حج انجام دهد حشش صحیح و معجزی از منوبّ عنه^(۱) می باشد هر چند اجاره باطل است و او تنها مستحقّ اجرة المثل خواهد بود به شرط اینکه بیشتر از اجرة المسمی نباشد والا مقدار بیشتر را مستحقّ نیست، بلکه اگر جاهل یا غافل از وجوب حج بر خود باشد در این صورت اجاره هم صحیح است.

۱. منوبّ عنه: کسی است که نایب، اعمال حج را به نیابت از او انجام می دهد.

شرایط وجوب حج ۵۹

مسئله ۱۰۸: لازم نیست نایب عادل باشد ولی باید مورد اطمینان باشد که حج را از طرف منوبّ عنه انجام می دهد، بنابراین اگر خبر داد که حج را به جا آورده و از گفته او اطمینان حاصل نشد اکتفا به این خبر اشکال دارد، و چنانچه حج بر منوبّ عنه واجب باشد بنا بر احتیاط واجب مجدداً برای او نایب بگیرند.

مسئله ۱۰۹: نایب باید احکام و اعمال حج را بداند تا بتواند حج را به طور صحیح به جا آورد، ولی اگر با تعلیم و راهنمایی شخص دیگری - مثلاً روحانی کاروان - بتواند هنگام انجام دادن اعمال، آنها را به طور صحیح انجام دهد اشکال ندارد.

مسئله ۱۱۰: اگر انسان شک داشته باشد که نایب، اعمال را صحیح به جا آورده یا نه هرچند این شک به خاطر شک در آشنایی او به احکام حج باشد بنا بر بر صحت بگذارد، و بر فرض اینکه حج واجب بوده لازم نیست مجدداً نایب بگیرد.

وظیفه نایب

مسئله ۱۱۱: نایب در عمره یا حج مطابق وظیفه اجتهادی یا

۶۰.....مناسک حج

تقلیدی خودش عمل می‌کند، ولی اگر هنگام اجاره شرط شده باشد که اعمال مطابق نظر منوبّ عنّه صحیح باشد باید به شرط عمل کند.

مسأله ۱۱۲: نیابت زن از مرد و مرد از زن اشکال ندارد.

مسأله ۱۱۳: نیابت کسی که تاکنون به حج نرفته مانعی ندارد خواه منوبّ عنّه مرد باشد یا زن، به حج رفته باشد یا نرفته باشد. بله کسی که حجة الاسلام بر او واجب شده ولی توانایی رفتن به حج ندارد و همچنین بر میتی که حج بر او مستقر شده باشد بهتر است شخصی را نایب قرار دهند که تاکنون به حج نرفته باشد.

شرایط منوبّ عنّه

مسأله ۱۱۴: منوبّ عنّه باید مسلمان باشد و نیابت از غیر مسلمان صحیح نیست، آری اگر حج یا عمره به جا آورده شود و ثوابش را به او اهداء کنند مانعی ندارد.

مسأله ۱۱۵: نیابت از شخص زنده در حج مستحب اشکال ندارد خواه مجانی باشد یا با گرفتن اجرت، ولی در حج واجب

شرایط وجوب حج ۶۱

در صورتی نیابت صحیح است که منوبٌ عنه خودش توانایی رفتن به حج نداشته باشد.

مسأله ۱۱۶: نیابت از میت در هر حال و به هرگونه - خواه مجانی یا با گرفتن اجرت - چه برای حج واجب یا مستحب جایز است.

نیت نیابت

مسأله ۱۱۷: نایب باید اعمال را به نیت نیابت انجام دهد و منوبٌ عنه را مشخص کند ولی لازم نیست نامش را به زبان آورد، هرچند به زبان آوردن نام وی هنگام نیت در تمام اعمال مستحب است.

نیابت معذور (ناتوان)

مسأله ۱۱۸: معذور بودن نایب چهار صورت دارد:

۱. اگر نایب پیش از نیابت معذور شود؛ در این صورت اگر ناتوانی او از اعمال اختیاری حج - هر عملی که باشد - پیش از نیابت معلوم شود بنا بر احتیاط واجب جایز نیست او را اجیر کنند، بلکه اگر بدون اجرت هم به نیابت دیگری حج به

جا آورد بنا بر احتیاط واجب کفایت نمی‌کند.

۲. اگر در بین اعمال عذری پیش آید؛ حکم کسی را دارد که برای خودش حج به جا می‌آورد، مثلاً اگر نتوانست وقوف اختیاری عرفه را انجام دهد وقوف اضطراری انجام دهد و حج او از منوبّ عنه کفایت می‌کند و اگر هر دو وقوف را ترک کرد حج باطل است.

۳. اگر به علت معذور بودن برخی از محرمات احرام را مرتکب شود مثل زیر سایه رفتن؛ در این صورت خواه از قبل معلوم باشد که اینگونه است یا نباشد نیابت او صحیح است، و اگر بدون عذر هم مرتکب می‌شود نیابت او صحیح است.

۴. اگر برخی از واجبات حج را که حتی ترک عمدی آنها، حج را باطل نمی‌کند انجام دهد؛ نیابت او صحیح است.

مسئله ۱۱۹: نیابت شخصی که نقص عضو دارد در صورتی صحیح است که خللی به اعمال اختیاری عمره و حج نرساند، مانند اینکه نقص عضو او در غیر مواضعی باشد که در حال سجده طواف باید روی زمین گذاشته شود.

مسئله ۱۲۰: کسی که قرائت نمازش صحیح نیست اگر به نیابت

شرایط وجوب حج ۶۳

دیگری عمره یا حج واجب به جا آورد بنا بر احتیاط واجب اعمال او از منوبٌ عنه کفایت نمی کند.

مسئله ۱۲۱: کسی که قرائت نمازش صحیح نیست ولی مقدار زیادی از آن را صحیح می خواند در عمره و حج مستحب می تواند نایب شخص دیگری باشد، ولی اگر بخواهد برای عمره یا حج اجیر دیگری شود باید وضعیت خودش را اعلام کند.

مسئله ۱۲۲: نیابت کسی که شب عید قربان باید به همراه زنان و معذوران از مشعرالحرام کوچ کند و وقوف بین الطلوعین را درک نمی کند اشکال ندارد.

مسئله ۱۲۳: کسی که به سبب عذری اعمال را بر وقوف در عرفات و مشعر مقدم کند برای عمره و حج می تواند نایب شخص دیگری باشد.

مسئله ۱۲۴: اگر با اجیر شرط نکرده باشند که حج را خودش انجام دهد و قرینه ای هم دلالت بر این شرط نداشته باشد که خودش باید انجام دهد می تواند آن را به دیگری واگذار کند، ولی نباید اجرت آن شخص کمتر از اجرتی باشد که برای خودش قرار داده اند.

۶۴..... مناسک حج

مسئله ۱۲۵: کسی که برای به جا آوردن حج اجیر شده باید مستحباتی که حجاج به طور متعارف به جا می آورند مانند زیارت قبر پیامبر ﷺ و معصومین علیهم السلام را به نیابت از منوب عنه انجام دهد، مگر آنکه از اول شرط کرده باشد.

فوت نایب

مسئله ۱۲۶: اگر کسی که برای انجام حج واجب نایب شده بمیرد، مسأله دو صورت دارد:

۱. اگر پیش از محرم شدن بمیرد؛ باید مجدداً برای منوب عنه حج به جا آورده شود.

۲. اگر بعد از محرم شدن بمیرد؛ از منوب عنه کفایت می کند و واجب نیست برایش مجدداً نایب بگیرند ولی بنا بر احتیاط واجب فوت نایب باید بعد از ورود به حرم باشد.

مسئله ۱۲۷: در فرض دوم از مسأله قبل که حج نایب از منوب عنه کفایت می کند فرقی بین حجة الاسلام و غیر آن نیست، ولی این حکم در صورتی است که نیابت با اجرت باشد و در غیر این صورت بنا بر احتیاط واجب کفایت نمی کند.

شرایط وجوب حج ۶۵

مسئله ۱۲۸: اگر اجیر در حج پیش از بستن احرام بمیرد مستحق اجرت نیست، و اما اگر پس از احرام و وارد شدن به حرم بمیرد، مسئله دو صورت دارد:

۱. اگر برای فراغ ذمه منوبّ عنه اجیر شده باشد، یعنی بنا شده تکلیف منوبّ عنه انجام داده شود و حجی بر عهده او نماند؛ باید تمام اجرت او را بپردازند.

۲. اگر صرفاً برای انجام دادن اعمال اجیر شده باشد؛ باید به هر نسبتی که اعمال را به جا آورده اجرت او را بپردازند، پس اگر نصف اعمال را انجام داد به همان نسبت مستحق اجرت است.

مسئله ۱۲۹: کسی که اجیر شده تا در سال معینی شخصاً برای منوبّ عنه حج به جا آورد در آن سال نمی تواند از طرف شخص دیگری اجیر شود، بلکه اگر در دو سال مختلف باشد اشکال ندارد، ولی اگر دو نیابت را در یک سال بگیرد و قید نشده باشد که حتماً خودش به جا آورد می تواند خودش یک نیابت را بگیرد و نیابت دیگر را به شخص دیگری واگذار کند.

مسئله ۱۳۰: کسی که اجیر شده در سال معینی برای شخص

۶۶.....مناسک حج

دیگری حج به جا آورد بدون رضایت مستأجر نمی تواند زودتر یا دیرتر از آن سال به حج نیابتی برود.

مسأله ۱۳۱: اگر شرط کند نایب شخصاً حج به جا آورد نمی تواند شخص دیگری را برای این حج اجیر کند مگر اینکه اجازه بگیرد.

کفاره محرمات نایب

مسأله ۱۳۲: اگر نایب کاری که موجب کفاره می شود انجام دهد، مثلاً در حال احرام زیر سایه راه برود یا در آینه نگاه کند کفاره آن عمل بر عهده خود اوست، خواه نیابت با اجاره و مزد باشد یا مجانی و بدون اجرت.

کمبود اجرت برای هزینه حج

مسأله ۱۳۳: اگر شخصی، دیگری را به مبلغ معینی برای حج اجیر کند و آن مبلغ کفاف مخارج حج را نداد بر مستأجر واجب نیست کمبود را تدارک کند، همچنان که اگر زیاد بیاید منوبٌ عنه نمی تواند زیادی را پس بگیرد.

زمان پرداخت اجرت

مسئله ۱۳۴: با بستن قرارداد اجاره، اجیر مالک اجرت می‌شود ولی واجب نیست اجرت به او پرداخته شود مگر بعد از انجام عمل، البته اگر شرط شده باشد که اجرت زودتر پرداخت شود باید اجرت را مطابق شرط به او بپردازند، بلکه کسی که برای حج اجیر شود می‌تواند پیش از انجام عمل، اجرت را مطالبه نماید هرچند صریحاً شرط نشده باشد.

مسئله ۱۳۵: اگر شخصی را برای بجای آوردن عمره و حج تمتع اجیر کنند و فرصت برای آن وجود داشته باشد ولی اتفاقاً وقت برای حج تمتع تنگ شد و اجیر از عمره تمتع به حج افراد عدول کرد و پس از آن عمره مفرده‌ای انجام داد، هرچند از منوبّ عنه کفایت می‌کند اما اجیر، اجرتی طلبکار نیست.

نیابت از چند نفر

مسئله ۱۳۶: در حج واجب، یک نفر نمی‌تواند در یک سال به جای دو نفر یا بیشتر حج انجام دهد و نیابت فقط از یک نفر صحیح است، مگر آنکه حج به نحو مشارکت بر او یا چند نفر

۶۸.....مناسک حج

واجب شده باشد، مثلاً دو نفر نذر کنند که با مشارکت یکدیگر کسی را برای حج اجیر کنند که در این صورت اشکال ندارد.
مسئله ۱۳۷: در حج مستحب یک نفر می تواند به جای چند نفر در یک سال حج به جا آورد.

حج به نیابت از دیگری و عمره برای خود

مسئله ۱۳۸: نایب پس از اعمال حج نیابتی یا قبل از آن می تواند برای خود یا دیگری عمره مفرده به جا آورد.

نیابت از کسی که در مکه است

مسئله ۱۳۹: نیابت از کسی که در مکه است برای بجای آوردن عمره مفرده مستحب اشکال ندارد.

نیابت از امام زمان علیه السلام

مسئله ۱۴۰: بجای آوردن عمره یا حج به نیابت از حضرت ولی عصر علیه السلام جایز است.

فصل دوم

اقسام حج و عمره

اقسام حج و عمره

مسأله ۱۴۱: حج و عمره گاهی واجب و گاهی مستحب است و هر کدام نیز اقسامی دارد.

مسأله ۱۴۲: حج - واجب یا مستحب - بر سه قسم است:

۱. حج تمتع

۲. حج افراد

۳. حج قرآن

مسأله ۱۴۳: عمره - واجب یا مستحب - بر دو قسم است:

۱. عمره تمتع

۲. عمره مفرد

مسأله ۱۴۴: حج تمتع وظیفه کسانی است که فاصله وطنشان تا مکه بیش از شانزده فرسخ (حدود ۸۸ کیلومتر) باشد، و حج افراد و قرآن وظیفه اهالی مکه و کسانی است که فاصله وطنشان تا مکه کمتر از شانزده فرسخ باشد.

۷۲..... مناسک حج

مسئله ۱۴۵: کسی که وظیفه اش حج تمتع است اگر حج افراد یا قرآن به جا آورد کفایت نمی کند هرچند گاهی اوقات وظیفه او از تمتع به افراد تبدیل می شود که تفصیل آن در مسائل آینده خواهد آمد.

مسئله ۱۴۶: کسی که وطنش در مکه و اطراف مکه نیست ولی فعلاً در مکه یا در اطراف آن در فاصله کمتر از ۱۶ فرسخ اقامت دارد چنانچه سال سوم اقامت وی باشد وظیفه اش حج افراد یا قرآن است، ولی اگر کمتر از این مقدار در آنجا سکونت دارد باید حج تمتع به جا آورد، و در این مسئله فرقی نیست بین اینکه استطاعتش برای حج قبل از اقامت در مکه حاصل شده یا در آن مدت حاصل شده باشد، و همچنین فرقی نیست بین اینکه آنجا را وطن خود قرار داده یا بدون قصد وطن سکونت کرده باشد.

عمره تمتع

مسئله ۱۴۷: کسانی که فاصله وطنشان از مکه بیش از شانزده فرسخ است و برای بجای آوردن حج به مکه می روند باید دو عمل انجام دهند: عمره تمتع و حج تمتع.

اعمال عمره تمتع

مسأله ۱۴۸: اعمال عمره تمتع عبارتند از:

۱. احرام از میقات
۲. طواف دور خانه خدا
۳. نماز طواف
۴. سعی (رفت و آمد) بین صفا و مروه
۵. تقصیر، چیدن مقداری از موی سر یا ریش یا شارب (سیل).

اعمال حج تمتع

مسأله ۱۴۹: اعمال حج تمتع عبارتند از:

۱. احرام از مکه.
۲. وقوف (بودن) در عرفات^(۱) روز نهم ذی الحجه.

۱. عرفات: نام مکانی است در نزدیکی مکه که حدود آن عبارتند از: دشتهای (عَرَنه) و (ثَوْبَة) و (نَمِرَة) تا (ذی المجاز) از (مَأْزِین) تا آخرین جای وقوف.

۳. وقوف در مُزْدَلِفَه^(۱) (مَشْعَر) مقداری از شب عید قربان تا

اندکی قبل از طلوع آفتاب.

۴. رمی جمره عَقَبَه^(۲) در منا^(۳) روز عید قربان.

۵. قربانی کردن.

۶. حلق یا تقصیر.

۷. طواف خانه خدا پس از بازگشت به مکه.

۸. خواندن نماز طواف.

۹. سعی بین صفا و مروه.

۱۰. طواف نساء.

۱. مُزْدَلِفَه یا مَشْعَر الحرام: نام بیابانی است بین عرفات و مکه، که بین (مَأْزَمِن) و (حِیَاض) و (وادی محسّر) قرار گرفته است.

۲. جمره: نام سه محل (ستون سنگی که اکنون به صورت دیواری در آمده) در سرزمین منا است که حاجیان در روزهای معینی باید به سوی آنها سنگ بیندازند.

نخستین جمره از سمت منا به طرف مکه جمره اولی و دومین ستون جمره وُسْطی و آخرین آنها جمره عقبه است.

۳. منا: نام مکانی است در نزدیکی مکه که پس از گذشتن از وادی محسّر آغاز می شود و میان دو کوه ممتد قرار دارد و انتهای آن به مکه ختم می شود.

۱۱. خواندن نماز طواف نساء.

۱۲. بیتوته (ماندن شب) در منا شب یازدهم و دوازدهم ذی الحجه.

۱۳. رمی سه جمره (اولی، وسطی و عقبه) در روز یازدهم و دوازدهم ذی الحجه.

شرایط حج تمتع

مسأله ۱۵۰: در حج تمتع چند چیز شرط است:

۱. نیت، یعنی قصدش این باشد که حج تمتع به جا می آورد، پس اگر نیت دیگری داشته باشد یا مردد باشد حجش صحیح نیست.

۲. عمره و حج هر دو با هم در ماه های حج (شوال، ذی القعدة و ذی الحجه) باشد، پس اگر جزئی از عمره یا تمام آن قبل از ماه شوال به جا آورده شود عمره صحیح نیست.

۳. عمره و حج در یک سال به جا آورده شود، پس اگر عمره را به جا آورد و حج را تا سال بعد به تأخیر بیندازد حج تمتع صحیح نخواهد بود.

۴. احرام حج از مکه باشد و بهترین جا مسجدالحرام است، و چنانچه به علت عذری نتواند از مکه محرم شود از هر جا که بتواند باید محرم شود.

۵. مجموع اعمال عمره و حج را یک نفر انجام دهد، پس اگر دو نفر برای حج تمتع از طرف مرده یا زنده‌ای اجیر شوند به طوری که یکی عمره تمتع و دیگری حج تمتع را انجام دهد صحیح نیست، و همچنین اگر یک نفر عمره را به نیابت از یک شخص و حج را به نیابت از شخص دیگری انجام دهد صحیح نیست.

حج افراد

مسئله ۱۵۱: حج افراد با حج تمتع در اعمال مشترک است، به جز چند مورد تفاوت که عبارتند از:

۱. در حج تمتع اعمال عمره و حج باید در ماه‌های حج (شوال، ذی القعدة و ذی الحجه) و در یک سال به جا آورده شود ولی در حج افراد لازم نیست اعمال حج و عمره مفرده در یک سال انجام شود.

۲. در حج تمتع قربانی واجب است ولی در حج افراد واجب نیست.

۳. در حج تمتع بنا بر احتیاط واجب نباید طواف و سعی را بر وقوف در عرفات و مشعر مقدم بدارد مگر آنکه عذری داشته باشد، ولی تقدیم طواف و سعی بر وقوف در عرفات و مشعر در حج افراد جایز است.

۴. محل احرام حج تمتع شهر مکه است ولی برای مکان احرام حج افراد تفصیلی است که خواهد آمد.

۵. در حج تمتع عمره باید پیش از اعمال حج به جا آورده شود ولی در حج افراد چنین شرطی نیست.

۶. در حج افراد بعد از بستن احرام می تواند طواف مستحبی به جا آورد ولی در حج تمتع اشکال دارد.

مسئله ۱۵۲: کسی که وظیفه اش حج افراد و پس از آن عمره مفرده است باید پس از حج، عمره را نیز به جا آورد و تأخیر آن جایز نیست، البته احتیاط واجب این است که در ایام تشریق عمره مفرده به جا نیاورد.

حجِ قِران

مسأله ۱۵۳: حجِ قِران در تمام اعمال مانند حجِ افراد است، مگر آنکه در حجِ قِران حاجی باید هنگام احرام قربانی را همراه داشته باشد و کشتن آن حیوان بر او واجب می‌شود ولی در حجِ افراد قربانی واجب نیست، و همچنین در حجِ قِران همانگونه که با گفتن لبیکها می‌تواند محرم شود با اشعار^(۱) یا تقلید^(۲) نیز احرام محقق می‌شود.

احکام اعمال عمره تمتع

احرام

مسأله ۱۵۴: اعمال عمره تمتع با احرام آغاز و با تقصیر به پایان می‌رسد، و احرام عمره تمتع باید در یکی از میقاتهای پنج‌گانه باشد:

۱. ذوالْحُلِیفَه؛ مکانی نزدیک مدینه منوره که میقات اهالی

۱. اشعار: علامت گذاری قربانی.

۲. تقلید: چیزی به گردن حیوان قربانی آویختن.

مدینه و کسانی است که از آن راه به مکه می‌روند.

۲. وادی عقیق؛ میقات اهل عراق و نجد و کسانی است که از آنجا عبور کنند هرچند اهل عراق و نجد نباشند.

۳. جُحْفَه؛ میقات اهل شام و مصر و مغرب و کسانی است که از آنجا عبور کنند.

۴. یَلَمَم؛ میقات اهل یمن و کسانی است که از آن راه عبور کنند.

۵. قَرْنِ الْمَنَازِل؛ میقات اهل طائف و کسانی است که از آن راه عبور کنند.

مسأله ۱۵۵: کسی که از مسیر مدینه به مکه می‌رود باید در میقات ذوالحلیفه محرم شود، و احتیاط واجب آن است که در مسجد معروف آنجا که به نام مسجد شَجَرَه است محرم شود.

مسأله ۱۵۶: محرم شدن بیرون مسجد شَجَرَه بنا بر احتیاط واجب کفایت نمی‌کند اگرچه محاذی مسجد باشد.

مسأله ۱۵۷: در هر جای مسجد شَجَرَه می‌توان محرم شد و لازم نیست در قسمت قدیم باشد.

مسأله ۱۵۸: زن حائض اگر از راه مدینه به مکه می‌رود می‌تواند

۸۰..... مناسک حج

از بیرون مسجد شجره محرم شود و لازم نیست پیش از میقات با نذر احرام ببندد.

مسئله ۱۵۹: زن حائض هر چند نباید در مسجد توقف کند ولی اگر از روی عمد یا به جهت نا آگاهی از مسئله یا فراموشی داخل مسجد شجره محرم شد احرامش صحیح است.

مسئله ۱۶۰: زن حائض اگر به تصور اینکه درب دیگر مسجد شجره باز است وارد مسجد شد و در حال عبور محرم شد ولی متوجه شد درب دیگر بسته است باید از همان دری که وارد شده بود خارج شود و احرامش صحیح است.

مسئله ۱۶۱: زنی که وظیفه اش جمع بین اعمال مستحاضه و تروک حائض است باید احتیاط کند و در حال عبور از مسجد شجره محرم شود، و اگر عبور برایش ممکن نیست در این مسئله با رعایت الاعلم فالاعلم^(۱) به فتوای مجتهد دیگری عمل کند.

مسئله ۱۶۲: کسی که از راه مدینه به مکه می رود و به ذوالحلیفه

۱. رعایت الاعلم فالاعلم: در احتیاط واجب مقلد می تواند به فتوای مجتهدی که با مرجع تقلیدش از نظر علمی مساوی است یا بعد از او از دیگران اعلم است رجوع کند.

احکام اعمال عمره تمتع ۸۱

می‌رسد و میقات دیگری - مثلاً جحفه - را در پیش داشته باشد نمی‌تواند از ذوالحلیفه بدون احرام گذشته و از جحفه احرام ببندد، مگر در موارد ضرورت مانند بیماری یا ضعف.

مسئله ۱۶۳: به جز میقات ذوالحلیفه در میقاتهای چهارگانه دیگر لازم نیست در مساجدی که در آن اماکن وجود دارد احرام بست بلکه از هر جایی که به نام آن مکان نامیده می‌شود بستن احرام صحیح است.

مسئله ۱۶۴: اگر انسان مکان احرام (میقات) را نتواند تشخیص دهد می‌تواند با نذر پیش از رسیدن به میقات محرم شود، بلکه محرم شدن با نذر پیش از میقات برای کسی که می‌تواند میقات را تشخیص دهد نیز جایز است.

محاذات میقات

مسئله ۱۶۵: اگر انسان از راهی می‌گذرد که از هیچ یک از میقاتها عبور نمی‌کند باید در محاذی میقات محرم شود.

مسئله ۱۶۶: محاذی میقات جایی است که اگر زاویه قائمه‌ای (۹۰ درجه) ترسیم شود که یک خط آن بر کعبه و خط دیگری از

۸۲..... مناسک حج

میقات بگذرد شخص بر روی تقاطع آن دو خط قرار بگیرد، البته دقت عقلی و دقیق ضرورت ندارد و همین که عرفاً بگویند در چنین محلی (محاذات) قرار دارد کافی است.

مسئله ۱۶۷: احرام در محاذات فضایی میقات یعنی بر بالای میقات، مثلاً در هواپیما، بنا بر احتیاط واجب کفایت نمی‌کند.

احرام پیش از میقات

مسئله ۱۶۸: محرم شدن پیش از میقات جایز نیست، مگر در دو مورد:

۱. کسی که نذر کند پیش از میقات محرم شود.
۲. کسی که بخواهد در ماه رجب^(۱) عمره به جا آورد و بیم آن دارد که اگر بخواهد به میقات برسد و آنجا محرم شود ماه رجب بگذرد، جایز است پیش از میقات در ماه رجب محرم شود هر چند بقیه اعمال او در ماه شعبان باشد.

مسئله ۱۶۹: کسی که با نذر پیش از میقات محرم شده لازم نیست در میقات احرام را تجدید کند بلکه می‌تواند از راهی به

۱. عمره در ماه رجب ثواب بیشتری از سایر ایام سال دارد.

احکام اعمال عمره تمتع ۸۳

مکه بروود که به هیچ یک از میقاتها برخورد نکند، و در این مسأله
فرقی بین حج واجب و حج مستحب و عمره مفرده نیست.

مسأله ۱۷۰: کسی که نذر کرده پیش از میقات محرم شود اگر به
نذر خود عمل نکند و در میقات محرم شود احرام وی باطل
نیست، ولی اگر عمدی باشد کفاره مخالفت نذر بر او واجب
می شود.

مسأله ۱۷۱: کسی که در عمره یا حج نایب شخص دیگری
است می تواند پیش از میقات با نذر محرم شود.

عبور از میقات بدون احرام

مسأله ۱۷۲: همانطور که احرام پیش از میقات جایز نیست
عبور از میقات بدون احرام برای کسی که قصد حج یا عمره یا
ورود به حرم را دارد نیز جایز نیست، مگر آنکه میقات دیگری
پیش روی داشته باشد.

مسأله ۱۷۳: اگر بدون احرام از میقات بگذرد در صورت امکان
باید برای احرام به همان میقات برگردد، مگر کسی که بدون عذر
از ذوالحلیفه گذشته و به جحفه رسیده باشد که در این صورت

احرام از جحفه کفایت می‌کند هرچند به خاطر عبور بدون احرام از میقات گناه کار است.

مسأله ۱۷۴: اگر مسافر قصد انجام دادن عمره یا حج ندارد یا اصلاً قصد وارد شدن به حرم را نداشته باشد - مانند مسافری که کاری در بیرون حرم دارد - ولی بعد از گذشتن از میقات تصمیم بگیرد به حرم برود در این صورت جایز است برای عمره مفرده از اولین نقطه بیرون حرم احرام ببندد.

مسأله ۱۷۵: اگر مکلف از روی علم و عمد بدون احرام از میقات گذشت، مسأله دو صورت دارد:

۱. اگر بتواند به میقات برگردد؛ واجب است برگردد و از آنجا محرم شود خواه وارد حرم شده باشد یا نشده باشد، و در این صورت عملش صحیح است.

۲. اگر نتواند به میقات برگردد چه داخل حرم باشد یا بیرون آن، و اگر وارد حرم شده خواه بتواند به بیرون حرم برود یا نتواند؛ در هر دو صورت احرام از جای دیگر صحیح نیست و چنانچه محرم شود و حج به جا آورد باطل است، و در صورتی که مستطیع باشد باید سال دیگر حج به جا آورد.

احکام اعمال عمره تمتع ۸۵

مسئله ۱۷۶: اگر مکلف به جهت فراموشی یا بی هوشی یا ندانستن حکم یا نشناختن میقات و مانند اینها - در غیر صورتی که گذشت - بدون احرام از میقات بگذرد، مسئله چند صورت دارد:

۱. اگر بتواند به میقات برگردد؛ واجب است برگردد و همان جا محرم شود.
۲. اگر نتواند به میقات برگردد؛ در این فرض مسئله سه صورت دارد:

الف) اگر وارد حرم شده باشد؛ بنا بر احتیاط واجب باید هر مقدار می تواند به طرف میقات برگردد و از آنجا محرم شود.

ب) اگر وارد حرم شده باشد، اما:

* نتواند به میقات برگردد ولی می تواند به بیرون حرم برود؛ در این صورت باید از حرم خارج شود و از آنجا محرم شود.

* نتواند به بیرون حرم برود؛ در این صورت همان جا محرم شود هر چند وارد مکه شده باشد.

مسئله ۱۷۷: کسی که از روی فراموشی یا ندانستن حکم قبل یا

۸۶..... مناسک حج

بعد از میقات احرام بسته باشد حکم او مانند کسی است که از روی فراموشی یا ندانستن مسأله احرام را ترک کرده باشد که در مسأله قبل روشن شد.

مسأله ۱۷۸: اگر زن حائض به جهت ندانستن مسأله بدون احرام از میقات بگذرد و داخل حرم احرام ببندد، چنانچه نتواند به میقات برگردد احتیاط واجب آن است که به هر مقدار بتواند از حرم دور شود سپس محرم شود به شرط آنکه سبب گذشتن وقت حج نشود، و اگر نتواند از حرم دور شود بیرون از محدوده حرم احرام ببندد، و اگر نتواند از حرم بیرون رود همان جا محرم شود.

مسأله ۱۷۹: کسی که در مسجد شجره محرم شده است می تواند به مدینه برود و مجدداً برگردد ولی محرمات احرام را باید ترک کند.

مسأله ۱۸۰: گذشتن از میقات و رفتن به مکه بدون احرام کفاره ندارد.

احرام از جده

مسأله ۱۸۱: کسانی که در جده مقیم هستند می توانند برای

احکام اعمال عمره تمتع ۸۷

عمره و حج از جده محرم شوند و رفتن به میقات یا نذر احرام لازم نیست.

مسأله ۱۸۲: کسانی که از مسیر جده به مکه می‌روند با توجه به اینکه جده نه میقات است و نه محاذی میقات باید یکی از این سه راه را انتخاب کنند:

۱. با نذر پیش از میقات محرم شوند، مثلاً در وطن خود یا در بین راه احرام ببندند.

۲. به یکی از میقاتها - مثلاً جُحفه - یا محاذی یکی از آنها بروند و از آنجا محرم شوند.

۳. از جده با نذر محرم شوند.

کیفیت احرام

مسأله ۱۸۳: احرام، واجبات و محرمات و مستحباتی دارد؛ واجبات احرام سه چیز است:

۱. نیت: یعنی قصد به جا آوردن عمره یا حج برای نزدیک شدن به رضایت الهی.

۲. تَلْبِیْه: یعنی گفتن «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

لَبَّيْكَ» و به احتیاط مستحب این جمله را نیز بگویند: «إِنَّ
الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ» و جایز است کلمه
«لَبَّيْكَ» را به آخرش اضافه کند.

۳. پوشیدن لباس احرام، پس از بیرون آوردن لباسهایی که
پوشیدنش بر مُحَرَّم حرام است.

احکام واجبات احرام

نیت

مسئله ۱۸۴: برای نیت لازم نیست تفصیلاً اعمالی را که
می خواهد انجام دهد بداند، بلکه اگر به طور اجمال بداند چه
عملی می خواهد انجام دهد کفایت می کند.

مسئله ۱۸۵: برای نیت احرام و همه اعمال عمره و حج - مثل
سایر عبادات - قصد قربت و اخلاص معتبر است، یعنی قصد
نزدیک شدن به رضای الهی به وسیله انجام دادن عبادت مورد
نظر را داشته باشد و هدفی غیر آن را نداشته باشد.

مسئله ۱۸۶: برای نیت باید مشخص کند احرام عمره است یا

حج و همچنین نوع عمره و حج را در نیت مشخص کند، و چنانچه اعمال را از طرف شخص دیگری انجام می‌دهد آن را نیز باید قصد داشته باشد.

مسأله ۱۸۷: به زبان آوردن نیت لازم نیست هر چند مستحب است، و همچنین در قصد قربت لازم نیست آن معنی را به ذهن خود خطور دهد، بنابراین همین که بنا دارد عملی را برای رضایت خداوند به جا آورد کافی است.

مسأله ۱۸۸: لازم نیست هنگام احرام قصد ترک محرمات را داشته باشد، ولی اگر هنگام بستن احرام برای عمره مفرده قصد کند قبل از تمام شدن سعی با همسرش جماع کند احرام او باطل می‌شود، و همچنین اگر قصد کند قبل از تمام شدن سعی استمناء کند که در این صورت بنا بر احتیاط واجب احرام او باطل می‌شود.

تلییه

مسأله ۱۸۹: کسی که قصد عمره یا حج دارد لازم است تلفظ صحیح لبیکها را یاد بگیرد، و چنانچه شخص دیگری بگوید و او هم به طور صحیح بگوید اشکال ندارد.

۹۰..... مناسک حج

مسئله ۱۹۰: وقف به حرکت و وصل به سکون در تلبیه ضرری ندارد، ولی احتیاط مستحب ترک آن است.

قطع تلبیه

مسئله ۱۹۱: برای احرام یک بار گفتن لبیکها واجب است، ولی تکرار آن تا زمانی معین مستحب است و پس از آن بنا بر احتیاط واجب نباید تلبیه بگوید، و زمان قطع تلبیه به این شرح است:

۱. اگر برای عمره تمتع محرم شده است؛ هنگامی که خانه‌های قدیم مکه را ببیند تلبیه را قطع کند.

۲. اگر از بیرون حرم برای عمره مفرده محرم شده است؛ هنگام ورود به حرم تلبیه را قطع کند.

۳. اگر به اولین جای بیرون حرم رفته و محرم شده است؛ وقتی که خانه‌های مکه را ببیند تلبیه را قطع کند.

۴. اگر برای حج محرم شده است؛ هنگام ظهر روز عرفه تلبیه را قطع کند.

مسئله ۱۹۲: اگر بعد از گفتن تلبیه شک کند درست گفته یا نه، بنا را بر درست بودن تلبیه بگذارد و لازم نیست دوباره بگوید.

پوشیدن جامه احرام

مسئله ۱۹۳: مرد باید برای احرام تمام لباسهای دوخته شده را از تن بیرون آورد و دو جامه احرام (إزار و رداء) بپوشد که یکی بر کمر بسته می شود و دیگری بر دوش انداخته می شود.

مسئله ۱۹۴: در پوشیدن لباس احرام کیفیت خاصی معتبر نیست، پس جایز است ازار را مانند لُنگ به دور کمر خود ببندد (هر طور که بخواهد) و رداء را مانند عبا بر دوش ببندد، یا طرف راست آن را زیر بغل چپ بگیرد یا بر عکس یا به گونه ای دیگر، ولی احتیاط مستحب است همانگونه که متعارف است بپوشد.

مسئله ۱۹۵: زن می تواند در لباسهای معمولی خود محرم شود و پوشیدن دو جامه احرام بر او واجب نیست، البته این در صورتی است که شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد.

مسئله ۱۹۶: پوشیدن لباس احرام برای مرد واجب است ولی چنانچه مردی لباس احرام نپوشد و به نیت احرام لبیک بگوید ترک واجب کرده ولی احرامش صحیح است.

مسئله ۱۹۷: احتیاط واجب آن است که ازار (لُنگ) به اندازه ای

باشد که از ناف تا زانو را بپوشاند، و رداء به اندازه‌ای باشد که دو شانه و دو بازو و مقدار قابل توجهی از کمر را بپوشاند.

مسئله ۱۹۸: پوشیدن لباس احرام قبل از رسیدن به میقات اشکال ندارد و لازم نیست در میقات آنها را بیرون آورده و دوباره بپوشد، و تکان دادن آنها هنگام نیت و تلبیه واجب نیست.

ترتیب واجبات احرام

مسئله ۱۹۹: احتیاط واجب آن است که پوشیدن لباس احرام پیش از نیت و تلبیه باشد، و اگر پس از نیت و تلبیه لباس احرام را بپوشد به احتیاط مستحب مجدداً لبیکها را بگوید.

پوشیدن بیش از دو لباس احرام

مسئله ۲۰۰: پوشیدن بیش از دو لباس احرام در آغاز احرام یا بعد از آن برای جلوگیری از سرما و غیر آن اشکال ندارد.

شرایط لباس احرام

مسئله ۲۰۱: لباس احرام باید شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد، یعنی باید پاک باشد و از حریر خالص و اجزای حیوانات

احکام واجبات احرام..... ۹۳

درنده نباشد، بلکه به احتیاط واجب از اجزاء حیوان حرام گوشت نباشد.

مسئله ۲۰۲: نجس بودن لباس احرام به نجاستی که در نماز بخشوده شده - مانند خونی که کمتر از درهم باشد - اشکالی ندارد.

مسئله ۲۰۳: اگر لباس احرام نجس شود بنا بر احتیاط واجب باید آن را تعویض یا تطهیر کند، ولی اگر مقدور نیست اشکال ندارد و در هر صورت کفاره واجب نیست.

مسئله ۲۰۴: پوشیدن حریر خالص فقط برای مردان حرام است، اما احتیاط واجب آن است که زنان نیز در جامه حریر محرم نشوند بلکه بنا بر احتیاط واجب هیچ چیزی که از حریر خالص باشد در مدت احرام نپوشند مگر در حال ضرورت.

مسئله ۲۰۵: اگر لباس احرام نجس شود احتیاط واجب آن است که مُحرم هر چه زودتر آن را تعویض یا تطهیر کند.

بیرون آوردن لباس احرام

مسئله ۲۰۶: واجب نیست محرم لباس احرام را به طور دائم بر

۹۴..... مناسک حج

تن داشته باشد و برداشتن رداء برای ضرورت یا بدون ضرورت اشکالی ندارد.

مسئله ۲۰۷: لازم نیست لباسی که در آغاز احرام پوشیده تا آخر همان را بر تن داشته باشد، بلکه عوض کردن آن با لباسی که شرایط را داشته باشد اشکال ندارد.

مستحبات قبل از احرام

مسئله ۲۰۸: قبل از احرام امور زیر مستحب است:

۱. کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعدة و کسی که قصد عمره مفرده دارد از یک ماه قبل، موی سر و ریش خود را کوتاه نکند.

۲. پیش از احرام بدن خود را پاکیزه کرده و ناخن و شارب (سبیل) خود را بگیرد و موهای زائد بدن را برطرف کند.

۳. پیش از احرام در میقات غسل احرام انجام دهد، و اگر ترس آن دارد که در میقات آب یافت نشود می تواند پیش از رسیدن به میقات غسل کند.

۴. هنگام غسل احرام دعا کند و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ،

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَظُهُورًا وَحِرْزًا وَأَمْنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَشِفَاءً
مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ، اللَّهُمَّ طَهِّرْني وَطَهِّرْ قَلْبِي وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي،
وَأَجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي مَحَبَّتِكَ وَمَدَحَتِكَ وَالثَنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ لِي
إِلَّا بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قَوَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لَكَ وَالِاتِّبَاعُ لِسُنَّةِ
نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ»

۵. پس از نماز ظهر محرم شود، و اگر ممکن نشد بعد از
نماز واجب دیگری محرم شود، و اگر آن هم ممکن نشد بعد
از دو یا شش رکعت نماز مستحب احرام ببندد، و مستحب
است در رکعت اول این نماز بعد از حمد سوره توحید و در
رکعت دوم بعد از حمد سوره کافرون را بخواند، و بعد از نماز
حمد و ثنای الهی را بجای آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات
بفرستد و بعد از آن بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ
اسْتَجَابَ لَكَ، وَأَمِنَ بِوَعْدِكَ، وَاتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَقَدْ
ذَكَرْتُ الْحُجَّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْزِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ، وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتُقَوِّينِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ عَنْهُ، وَتُسَلِّمَ مِنِّي

مَنَاسِكِي فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ، وَاجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيتَ
وَارْتَضَيْتَ وَسَمَّيْتَ وَكَتَبْتَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيْدَةٍ
وَأَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اُرِيْدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ اِلَى
الْحُجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي
عَارِضٌ يَخْبِسُنِي، فَخَلَّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ
عَنِّي، اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَّةً فَعُمْرَةٌ، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي
وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعَصَاصِي مِنَ النَّسَاءِ وَالثِّيَابِ
وَالطَّيِّبِ، أَنْتَبِعِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالْدارَ الْآخِرَةَ».

مستحبات هنگام احرام

مسأله ۲۰۹: هنگام احرام امور زیر مستحب است:

۱. لباس احرام از پنبه باشد.
۲. هنگام پوشیدن لباس احرام دعا کند و بگوید:
«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا اُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي، وَأُوَدِّي فِيهِ
فَرْضِي، وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَأَنْتَهِيَ فِيهِ اِلَى مَا أَمَرَنِي، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي، وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَقَبَّلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي،
وَوَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْفِي وَحِرْزِي وَظَهْرِي

وَمَلَاذِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ وَذُخْرِي وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي
وَرَخَائِي».

۳. همزمان با گفتن لیبکها نیت احرام را به زبان آورد.

۴. مردان لیبکها را بلند بگویند.

۵. در ادامه لیبکهای واجب بگویند:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِياً إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ،
لَبَّيْكَ عَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلِيَّةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا
الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تُبْدِيُّ وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ،
لَبَّيْكَ تَسْتَغْنِي وَيُفْتَقَرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوباً وَمَرْغُوباً
إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا التَّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ
الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ،
لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ».

پس از آن بگویند:

«لَبَّيْكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ
وَعَلَيْهِمْ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ مَعَا لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ هَذِهِ
مُتَعَّةٌ عُمْرَةٌ إِلَى الْحُجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَامُهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ
لَبَّيْكَ».

۶. لبیکها را در حال احرام به ویژه در این اوقات تکرار کند:

* موقع برخاستن از خواب.

* بعد از هر نماز.

* هنگام سوار و پیاده شدن.

* هنگام بالا رفتن از تل (تپه) یا فرود آمدن از آن.

* هنگام دیدار با شخص سواره.

۷. در سحرها مستحب است لبیکها را بسیار بگویند.

۸. استحباب تکرار لبیکها تا زمانی است که در مسأله ۱۹۱

گفته شد.

مسأله ۲۱۰: زن حائض می تواند غسل احرام انجام دهد.

مسأله ۲۱۱: اگر بعد از غسل احرام یکی از مبطلات وضو از

انسان سر زند یا لباسی بپوشد که بر محرم حرام است مستحب

است غسل را دوباره انجام دهد.

مسأله ۲۱۲: اگر غسل احرام را در روز انجام دهد تا آخر شب

آینده کفایت می کند، و همچنین اگر شب غسل کند تا آخر روز

آینده کفایت می کند.

مکروهات احرام

مسأله ۲۱۳: هنگام محرم شدن و در حال احرام امور زیر مکروه است:

۱. احرام در جامه سیاه، و بهتر است در جامه سفید محرم شود.

۲. خوابیدن بر رخت و لباس زرد رنگ.

۳. پوشیدن لباس چرک، ولی اگر در حال احرام چرک شود بهتر است تا زمانی که در حال احرام است آن را نشوید، و عوض کردن آن اشکال ندارد.

۴. محرم شدن در لباس نقشه دار و مانند آن.

۵. استعمال حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

۶. حمام رفتن، و احتیاط مستحب است که بدن خود را با کیسه و مانند آن نساید.

۷. لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا می‌زند.

فصل سوم

محرمات احرام

مُحَرَّمَاتِ احرام

مسأله ۲۱۴: هنگامی که مکلف محرم شد اعمالی بر او حرام است که به آنها محرمات یا تروک احرام گفته می‌شود، برخی از این اعمال بر مرد و زن مُحَرَّم حرام است و برخی دیگر تنها بر مردان مُحَرَّم حرام است و یکی از آنها فقط بر زنان مُحَرَّم حرام است.

محرمات مشترک

مسأله ۲۱۵: کارهایی که بر مرد و زن مُحَرَّم حرام است عبارتند از:

۱. استفاده از بوی خوش.
۲. نگاه در آینه.
۳. سرمه کشیدن.
۴. آرایش کردن.
۵. روغن مالیدن به بدن.

۶. ناخن گرفتن.
۷. کندن موی بدن.
۸. بیرون آوردن خون از بدن.
۹. دروغ و دشنام و فخر فروشی.
۱۰. مجادله.
۱۱. جماع (آمیزش).
۱۲. بوسیدن جنس مخالف.
۱۳. تماس بدنی با جنس مخالف.
۱۴. نگاه کردن و بازی شهوت آمیز با جنس مخالف.
۱۵. استمناء.
۱۶. عقد ازدواج.
۱۷. کشتن جانوران بدن.
۱۸. شکار حیوان صحرایی.
۱۹. حمل سلاح.

محرمات مخصوص مردان

مسأله ۲۱۶: در حال احرام اعمال زیر تنها بر مردان حرام است:

احکام محرمات احرام..... ۱۰۵

۱. زیر سایه رفتن.
۲. پوشاندن سر.
۳. پوشیدن چکمه و جوراب.
۴. پوشیدن لباس دوخته شده.

محرمات مخصوص بانوان

مسئله ۲۱۷: در حال احرام پوشاندن صورت برای زنان حرام است.

احکام محرمات احرام

۱. استفاده از بوی خوش

مسئله ۲۱۸: استفاده از بوی خوش برای محرم حرام است خواه با بوئیدن باشد یا خوردن یا مالیدن به بدن و یا لباس یا رنگ کردن یا بخور دادن.

مسئله ۲۱۹: پوشیدن لباسی که اثری از بوی خوش در آن مانده باشد برای مُحرم حرام است.

مسئله ۲۲۰: مراد از بوی خوش هر ماده‌ای است که به وسیله آن

۱۰۶ مناسک حج

بدن یا لباس یا خوراک یا غیر اینها را خوشبو می‌کند مانند مشک و عنبر و زعفران و اقسام عطرهای متعارف.

مسئله ۲۲۱: استفاده از صابون، شامپو و خمیر دندان خوشبو در حال احرام بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

مسئله ۲۲۲: بوئیدن گلها و سبزی‌هایی که بوی خوش دارند و مردم آنها را به همین خاطر تهیه می‌کنند برای محرم حرام است خواه از آن دسته باشند که عطر از آنها تهیه می‌شود - مثل یاسمن و گل محمدی - یا غیر آنها.

مسئله ۲۲۳: استفاده محرم از غذایی که افزودنی‌هایی دارد که طعم غذا را تغییر داده ولی آن را خوشبو نمی‌کند اشکال ندارد، ولی اگر خوشبو شده باشد حرام است.

مسئله ۲۲۴: اگر محرم با خمیر دندان خوشبو مسواک کند یا غذای خوشبویی بخورد که دهانش خوشبو شود یا دست خود را با صابون یا مایعی خوشبو بشوید و بوی خوش آن باقی باشد بنا بر احتیاط واجب باید در صورت امکان بوی خوش آن را برطرف کند.

مسئله ۲۲۵: خوردن میوه‌ها و سبزیجات خوشبو مانند سیب و

احکام محرمات احرام..... ۱۰۷

به و نعنای برای محرم اشکالی ندارد، ولی بنا بر احتیاط واجب نباید آنها را بیوید، و نوشیدن آب میوه‌های خوشبو نیز همین حکم را دارد.

مسئله ۲۲۶: خوردن روغن‌های خوشبو که خوردنی باشد اگر عرفاً جزو عطرها به حساب نیاید برای محرم اشکالی ندارد، ولی بنا بر احتیاط واجب نباید آنها را بیوید.

مسئله ۲۲۷: بنا بر احتیاط واجب کسی که بنا دارد محرم شود نباید پیش از احرام از عطر و بوی خوشی که اثرش تا زمان احرام باقی می‌ماند استفاده کند.

مسئله ۲۲۸: جایز نیست مُحرم بینی خود را از بوی بد بگیرد، ولی تند راه رفتن برای فرار از بوی بد اشکالی ندارد.

کفاره استفاده از بوی خوش

مسئله ۲۲۹: اگر محرم مقداری از چیزهای خوشبو را بخورد یا چیزی بپوشد که اثر بوی خوش از سابق در آن مانده باشد بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد، و در غیر این دو مورد برای استفاده از بوی خوش کفاره واجب نیست ولی احتیاط مستحب است.

۲. نگاه در آینه برای خودآرایی

مسئله ۲۳۰: جایز نیست محرم برای خودآرایی به آینه نگاه کند، ولی اگر به قصد دیگری باشد اشکالی ندارد مانند نگاه کردن به آینه برای مداوای زخم صورت یا برطرف کردن چیزی که مانع رسیدن آب به صورت است یا نگاه کردن راننده به آینه برای دیدن ماشین‌های دیگر^(۱).

مسئله ۲۳۱: نگاه کردن به اجسام صاف و صیقلی که خاصیت آینه را داشته باشد حکم نگاه به آینه را دارد.

مسئله ۲۳۲: نگاه کردن به اشیاء به کمک عینک طبی اشکال ندارد، ولی اگر عینک زدن عرفاً زینت محسوب شود بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

کفاره نگاه در آینه

مسئله ۲۳۳: نگاه کردن به آینه کفاره ندارد ولی اگر برای خودآرایی به آینه نگاه کرد تلبیه بگوید.

۱. گرفتن عکس سلفی در حال احرام اگر به قصد خودآرایی (زینت) نباشد مانعی ندارد.

۳. سرمه کشیدن

مسأله ۲۳۴: سرمه کشیدن دو صورت دارد:

۱. سرمه کشیدن با سرمه سیاه یا هر سرمه‌ای که عرفاً آرایش به حساب آید؛ اگر به قصد آرایش باشد حرام است، و اگر به قصد آرایش هم نباشد بنا بر احتیاط واجب نباید استفاده کند.

۲. سرمه کشیدن با سرمه‌ای که نه سیاه است و نه آرایش به حساب می‌آید؛ اشکال ندارد ولی اگر قصد آرایش با آن را داشته باشد بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

مسأله ۲۳۵: سرمه کشیدن به چشم در حال ناچاری برای معالجه حتی با سرمه سیاه و زینتی اشکال ندارد.

کفاره سرمه کشیدن

مسأله ۲۳۶: سرمه کشیدن کفاره ندارد، ولی اگر سرمه‌ای باشد که در حال احرام حرام است به احتیاط مستحب یک گوسفند کفاره بدهد.

۴. آراستن (زینت نمودن)

مسئله ۲۳۷: بنا بر احتیاط واجب محرم باید از هر چیزی که عرفاً زینت به حساب می آید - مانند لاک و حنا - پرهیز کند خواه قصد خودآرایی داشته باشد یا نه.

مسئله ۲۳۸: حنا بستن و رنگ کردن مو اگر آرایش شمرده نشود اشکال ندارد مانند اینکه برای درمان بیماری پوستی باشد.

مسئله ۲۳۹: اگر پیش از احرام حنا ببندد یا موی خود را رنگ کند اشکال ندارد هرچند اثر آن تا هنگام احرام باقی بماند.

مسئله ۲۴۰: انگشتر به دست کردن در حال احرام اگر به قصد خودآرایی نباشد اشکال ندارد مثلاً برای استحباب یا گم نشدن آن یا شمردن شوطهای طواف از انگشتر استفاده کند، اما اگر به قصد خودآرایی باشد بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

مسئله ۲۴۱: استفاده از عینک معمولی یا آفتابی در حال احرام اگر زینت محسوب نشود اشکال ندارد.

مسئله ۲۴۲: جایز نیست زن محرم زیورآلات را برای خودآرایی بپوشد، بلکه بنا بر احتیاط واجب بدون قصد خودآرایی هم نپوشد، ولی پوشیدن زیورهایی که قبل از احرام عادت به پوشیدن

احکام محرمات احرام..... ۱۱۱

آنها داشته اشکالی ندارد، اما احتیاط مستحب است که برای شوهرش و مردانی که با او محرمند ظاهر نسازد و نشان ندهد.

کفاره خودآرایی (آرایش)

مسئله ۲۴۳: در تمام صورتهایی که گفته شد خودآرایی حرام است ولی کفاره ندارد.

۵. روغن مالیدن به بدن

مسئله ۲۴۴: روغن مالیدن به بدن برای مُحرم حرام است هرچند آن روغن خوشبو نباشد.

مسئله ۲۴۵: خوردن روغن معطر (دارای بوی طبیعی) اگر همراه با مواد خوشبوکننده نباشد اشکال ندارد.

مسئله ۲۴۶: استفاده محرم از روغن هرچند خوشبو باشد یا همراه با مواد خوشبوکننده باشد در حال ضرورت اشکال ندارد، و اما اگر خوشبو باشد بنا بر احتیاط واجب کفاره دارد.

مسئله ۲۴۷: روغن مالیدن به بدن پیش از احرام اشکال ندارد هرچند اثرش در زمان احرام باقی بماند، البته به شرط اینکه خوشبو نباشد یا اگر خوشبوست بوی آن باقی نماند.

کفاره روغن مالیدن به بدن

مسأله ۲۴۸: اگر محرم از روی آگاهی و عمد بدن خود را با روغنِ خوشبو چرب کند بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد، خواه به طور طبیعی خوشبو باشد یا با اضافه کردن مواد خوشبو کننده معطر شده باشد، و اگر بدون آگاهی این کار را کرده باشد بنا بر احتیاط واجب کفاره آن اطعام یک فقیر است.

۶. ناخن گرفتن

مسأله ۲۴۹: گرفتن ناخن یا قسمتی از یک ناخن برای مُحرم جایز نیست خواه با قیچی باشد یا ناخن گیر یا هر وسیله دیگر، مگر آنکه ضرورت داشته باشد؛ مثلاً قسمتی از ناخن بشکند و باقیمانده آن او را اذیت کند که در این صورت جایز است بقیه ناخن را بگیرد.

مسأله ۲۵۰: محرم می تواند ناخن شخص دیگری را بگیرد خواه آن شخص محرم باشد یا نباشد، ولی به احتیاط مستحب اگر او هم محرم است ناخنش را نگیرد.

کفاره ناخن گرفتن

مسأله ۲۵۱: کفاره گرفتن ناخن بدین شرح است:

۱. گرفتن یک ناخن تا نه ناخن از دست یا پا؛ کفاره آن برای

هر ناخن یک مُد طعام (۷۵۰ گرم) است.

۲. گرفتن تمام ناخنهای دست یا تمام ناخنهای پا؛ کفاره آن

یک گوسفند است و فرقی نیست که تمام ناخنها را با هم

بگیرد یا جداگانه.

۳. گرفتن تمام ناخنهای دست و پا؛ کفاره آن یک گوسفند

است.

مسأله ۲۵۲: اگر محرم بدون داشتن ضرورت ناخنش را بگیرد

کفاره اش همان است که در مسأله قبل گفته شد.

۷. کندن موی بدن

مسأله ۲۵۳: برای محرم زدودن موی بدن خود و دیگران حرام

است هرچند آن دیگری محرم نباشد.

مسأله ۲۵۴: زدودن مو به هر وسیله و هرگونه که باشد حرام

است خواه مو را با قیچی بچیند یا با وسیله ای دیگر بکند یا

بتراشد و فرق نمی‌کند مو کم باشد یا زیاد، حتی جدا کردن قسمتی از یک مو هم جایز نیست.

مسئله ۲۵۵: اگر هنگام وضو یا غسل یا تیمم یا تطهیر بدن یا برطرف کردن مانعی که بر بدن چسبیده و از رسیدن آب جلوگیری می‌کند ناخواسته موی بدن کنده شود اشکال ندارد.

مسئله ۲۵۶: تراشیدن یا چیدن موی بدن در صورت ضرورت اشکال ندارد.

مسئله ۲۵۷: خاراندن بدن یا سر اگر موجب افتادن مو یا بیرون آمدن خون نشود اشکال ندارد.

مسئله ۲۵۸: گرفتن وضوی مستحب برای محرم جایز است هرچند بداند موی بدن کنده می‌شود، و اگر در حال وضو مویی کنده شود کفاره ندارد.

کفاره کندن مو از بدن

مسئله ۲۵۹: کفاره زدودن مو از بدن بدین شرح است:

۱. اگر بدون ضرورت سر خود را بتراشد؛ باید یک گوسفند

کفاره بدهد.

۲. اگر از روی ضرورت سر خود را بتراشد؛ باید سه روز روزه بگیرد یا شش فقیر را اطعام کند و برای هر فقیر دو مُد طعام (۱/۵ کیلوگرم) بدهد و یا یک گوسفند کفاره بدهد.

۳. اگر موهای زیر دو بغل را بکند؛ باید یک گوسفند کفاره بدهد.

۴. اگر موهای زیر یک بغل را بکند؛ بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد.

۵. اگر قدری از موی ریش یا جای دیگر بدن را بکند؛ باید یک مشت طعام به فقیر بدهد.

۶. اگر بی جهت و بدون هیچ غرض عقلایی دست بر سر یا ریش خود بکشد به طوری که یک یا چند مو کنده شود؛ باید یک مشت طعام صدقه بدهد.

مسأله ۲۶۰: اگر محرم سر شخص دیگری را بتراشد چه آن دیگری محرم باشد یا نباشد کفاره ندارد.

۸. بیرون آوردن خون از بدن

مسأله ۲۶۱: بیرون آوردن خون از بدن برای محرم - بنا بر

احتیاط واجب - جایز نیست، خواه با زدن رگ باشد یا حجامت یا کندن یا خاراندن بدن یا به هر گونه‌ای دیگر مگر در حال ضرورت.

مسئله ۲۶۲: مسواک زدن دندانها در حال احرام جایز است هر چند سبب بیرون آمدن خون بشود.

مسئله ۲۶۳: بنا بر احتیاط واجب محرم نمی‌تواند به خودش آمپولی تزریق کند که سبب بیرون آمدن خون از بدن شود، مگر آنکه ضرورت داشته باشد.

مسئله ۲۶۴: محرم می‌تواند به شخص دیگری آمپول تزریق کند هر چند سبب بیرون آمدن خون شود، ولی اگر او هم محرم است به احتیاط مستحب آمپولی که سبب بیرون آمدن خون می‌شود تزریق نکند.

مسئله ۲۶۵: اهداء خون به دیگری در حال احرام اشکال دارد مگر در حال ضرورت.

مسئله ۲۶۶: اگر محرم بدون ضرورت از بدن خود خون بیرون آورد بنا بر احتیاط مستحب یک گوسفند کفاره بدهد.

کشیدن دندان

مسأله ۲۶۷: کندن یا کشیدن دندان اگر سبب بیرون آمدن خون نباشد حرام نیست و کفاره ندارد.

۹. دروغ و دشنام و فخر فروشی

مسأله ۲۶۸: دروغ گفتن و دشنام دادن و فخر فروشی^(۱) به دیگران در هر حال حرام است، ولی در حال احرام حرمت آن بیشتر است.

مسأله ۲۶۹: اگر شخصی در مقابل دیگران به نَسَب یا مال یا مقام خود و مانند اینها فخر فروشی کند و این کار اهانت و تحقیر مؤمن باشد حرام است خواه محرم باشد یا نباشد، و در صورتی که موجب اهانت یا تحقیر مؤمن نشود حرام نیست.

کفاره دروغ و دشنام و فخر فروشی

مسأله ۲۷۰: اگر از محرم دروغ یا دشنام یا فخر فروشی به دیگران سر بزند کفاره‌ای به جز استغفار ندارد، ولی به احتیاط مستحب یک گاو کفاره بدهد.

۱. فخر فروشی در صورتی حرام است که موجب تحقیر یا اهانت مؤمن شود.

۱۰. مجادله

مسأله ۲۷۱: یکی از محرمات احرام جدال است به این معنی که برای اثبات یا رد مطلبی به ذات مقدس خداوند قسم بخورد.

مسأله ۲۷۲: حرمت جدال تنها به این نیست که حتماً با کلمه «الله» و به عربی باشد بلکه اگر به زبان دیگر هم به خداوند قسم بخورد همین حکم را دارد، و فرقی نیست که در ابتدای قسم کلمه «بله» یا «نه» را به کار ببرد یا نبرد یعنی لازم نیست گفته باشد «بله والله» یا «نه والله».

مسأله ۲۷۳: قسم خوردن به سایر مقدسات - به جز خداوند - اثری ندارد تا چه رسد به مانند: «نه به جان خودم» یا «بله به جان خودم»، همچنان که اگر قسم برای خبر دادن نباشد اثر ندارد مانند قسم خوردن برای درخواست چیزی از شخص دیگری، مثلاً بگوید: «تو را به خدا این را به من بده» یا قسم خوردن برای تأکید عزم و اراده خود که فلان کار را در آینده انجام می‌دهد یا انجام نمی‌دهد مثلاً بگوید: «والله این کار را انجام خواهم داد».

کفاره جدال

مسئله ۲۷۴: کفاره جدال بدین شرح است:

۱. اگر سه بار یا بیشتر پشت سر هم قسم راست بخورد؛ باید یک گوسفند کفاره بدهد.

۲. اگر یک قسم دروغ بخورد؛ باید یک گوسفند کفاره بدهد.

۳. اگر دو قسم دروغ بخورد؛ باید دو گوسفند کفاره بدهد.

۴. اگر سه قسم دروغ بخورد؛ باید یک گاو کفاره بدهد.

مسئله ۲۷۵: تکرار قسم پس از دادن کفاره نیز تفصیلی دارد که در کتب مفصل فقهی آمده است.

۱۱. جماع (نزدیکی)

مسئله ۲۷۶: یکی از محرمات احرام جماع است که در عمره تمتع و عمره مفرده از احرام تا پایان اعمال و در حج تا پایان نماز طواف نساء بر شخص محرم حرام است.

مسئله ۲۷۷: جماع در حال احرام گاهی موجب باطل شدن عمره یا حج می شود که موارد آن در کتب مفصل فقهی آمده است.

۱۲۰ مناسک حج

مسئله ۲۷۸: شخص محرم اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله با همسر خود نزدیکی کند عمره و حجش باطل نمی‌شود و کفاره‌ای بر او واجب نیست.

کفاره جماع

مسئله ۲۷۹: کفاره جماع در حال احرام بدین شرح است:

۱. اگر در احرام عمره تمتع جماع کند؛ بنا بر احتیاط واجب یک شتر یا یک گاو کفاره بدهد.

۲. اگر در احرام حج، قبل از وقوف به مشعر الحرام جماع کند؛ باید یک شتر کفاره بدهد و همچنین واجب است حج آن سال را کامل کند و در سال بعد اعاده کند.

۳. اگر در احرام حج، پس از وقوف به مشعر الحرام و پیش از اتمام دور چهارم طواف نساء جماع کند؛ باید یک شتر کفاره بدهد ولی حج باطل نیست.

۴. اگر در احرام عمره مفرده، قبل از سعی جماع کند؛ باید یک شتر کفاره بدهد و این عمره باطل است ولی بنا بر احتیاط واجب باید عمره را به پایان ببرد، علاوه بر اینکه

احکام محرمات احرام..... ۱۲۱

واجب است تا ماه آینده در مکه بماند سپس به یکی از میقاتهای پنج گانه برود و از آنجا برای عمره مفرده مجدداً محرم شود.

۵. اگر در احرام عمره مفرده، بعد از سعی جماع کند؛ باید یک شتر كفاره بدهد و عمره او صحیح است.

۱۲. بوسیدن همسر

مسأله ۲۸۰: جایز نیست محرم همسر خود را از روی شهوت ببوسد.

كفاره بوسیدن همسر

مسأله ۲۸۱: كفاره بوسیدن همسر بدین شرح است:

۱. اگر از روی شهوت ببوسد و منی خارج شود؛ باید یک شتر كفاره بدهد.

۲. اگر از روی شهوت ببوسد ولی منی خارج نشود؛ باید یک گوسفند كفاره بدهد.

۳. اگر بدون شهوت ببوسد؛ بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند كفاره بدهد.

۱۲۲ مناسک حج

۴. اگر شخص غیر مُحرم همسر مُحرم خود را ببوسد؛ بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد.

۱۳. لمس بدن همسر

مسئله ۲۸۲: برای محرم جایز نیست همسر خود را از روی شهوت لمس کند یا او را بغل کند یا او را بلند کند، ولی اگر از روی شهوت نباشد حرام نیست.

کفاره تماس بدنی

مسئله ۲۸۳: اگر محرم از روی شهوت بدن همسر خود را لمس کند یک گوسفند کفاره دارد، ولی اگر از روی شهوت نباشد کفاره ندارد.

۱۴. نگاه و بازی با شهوت

مسئله ۲۸۴: برای محرم جایز نیست با همسر خود از روی شهوت بازی کند.

مسئله ۲۸۵: اگر محرم بداند نگاه به همسرش از روی شهوت سبب بیرون آمدن منی می شود جایز نیست با شهوت به او نگاه

کند، بلکه به احتیاط مستحب اگر سبب بیرون آمدن منی هم نمی شود اینگونه به وی نگاه نکند.

کفاره نگاه و بازی با شهوت

مسئله ۲۸۶: کفاره نگاه و بازی با شهوت بدین شرح است:

۱. اگر با همسر خود از روی شهوت بازی کند و منی از او بیرون آید؛ باید یک شتر کفاره بدهد و اگر توانایی ندارد یک گوسفند کفاره بدهد.

۲. اگر به همسر خود از روی شهوت نگاه کند و منی از او بیرون آید؛ بنا بر احتیاط واجب یک شتر کفاره بدهد.

۳. اگر به غیر همسر خود نگاهی کند که برای او جایز نیست و منی از او بیرون آید؛ بنا بر احتیاط واجب اگر وضع مالی او خوب باشد یک شتر و اگر متوسط باشد یک گاو و اگر فقیر باشد یک گوسفند کفاره بدهد.

۴. اگر از روی شهوت به همسر خود نگاه کند ولی منی از او بیرون نیاید یا بدون شهوت نگاه کرد و منی بیرون آمد؛ کفاره واجب نیست.

۱۵. استمناء

مسئله ۲۸۷: انجام دادن کاری به قصد بیرون آمدن منی در هر حال حرام است، و در حال احرام گناه آن بیشتر است و در برخی موارد موجب باطل شدن عمره و حج است.

مسئله ۲۸۸: استمناء در حال احرام در بسیاری از موارد کفاره هم دارد که تفصیل آن در کتب فقهی آمده است.

۱۶. عقد ازدواج

مسئله ۲۸۹: برای محرم جایز نیست برای خود یا برای شخص دیگری زنی را عقد کند چه آن دیگری محرم باشد یا نباشد و چه عقد دائم باشد یا موقت، و در تمام این موارد عقد ازدواج باطل است.

مسئله ۲۹۰: بنا بر احتیاط واجب حضور در مجلس عقد ازدواج برای محرم جایز نیست، و به احتیاط مستحب از گواهی دادن بر عقد ازدواج واقع شده هم پرهیز کند.

مسئله ۲۹۱: احتیاط مستحب است در حال احرام از کسی برای ازدواج خواستگاری نکند.

کفاره عقد ازدواج

مسأله ۲۹۲: اگر برای مرد محرم زنی را عقد کنند و با او نزدیکی کند چنانچه حکم شرعی را بدانند و مطلع باشند که این مرد محرم است بر هر یک از زن و مرد و عاقد یک شتر کفاره واجب می‌شود، ولی اگر هر یک از این سه نفر جاهل به حکم یا جاهل به موضوع باشد کفاره واجب نیست، و در این مسأله فرق نمی‌کند که عاقد و زن محرم باشند یا نباشند.

۱۷. کشتن جانوران بدن

مسأله ۲۹۳: کشتن شپش برای محرم جایز نیست بلکه بنا بر احتیاط واجب انداختن شپش از بدن یا لباس نیز جایز نیست، ولی جا به جا کردن آن اشکالی ندارد.

مسأله ۲۹۴: بنا بر احتیاط واجب محرم مگس و مورچه و پشه و کک و مانند آنها را - اگر ضرری به او نمی‌رسانند - نکشد، اما راندن آنها جایز است ولی به احتیاط مستحب این کار را هم انجام ندهد.

کفاره کشتن جانوران بدن

مسأله ۲۹۵: اگر محرم شپش را بکشد یا آن را از بدن یا لباسش بیندازد بنا بر احتیاط مستحب به مقدار یک مُشت طعام کفاره بدهد.

۱۸. شکار حیوان صحرائی

مسأله ۲۹۶: در رابطه با حیوانهای صحرائی موارد زیر بر محرم حرام است:

۱. شکار حیوان.
۲. کشتن یا زخمی کردن یا خُرد کردن یکی از اعضای حیوان.
۳. هرگونه اذیت رسانی و مزاحمت برای حیوان.
۴. کمک کردن به شکارچی هرچند به اشاره و نشان دادن شکار باشد.
۵. نگه داشتن حیوان شکار شده نزد خود اگرچه پیش از احرام شکار شده باشد، خواه شکار را در حرم گرفته باشد یا بیرون آن.

احکام محرمات احرام..... ۱۲۷

۶. خوردن از گوشت شکار هر چند شکار کننده محرم نبوده و در بیرون حرم، آن را شکار کرده باشد.

۷. کشتن هر حیوان صحرایی بر محرم جایز نیست ولی موارد زیر استثناء شده است:

* حیوانات اهلی هر چند وحشی شده باشند مانند گوسفند و گاو و شتر و همچنین پرندگانی که نمی‌توانند پرواز کنند مانند مرغ.

* حیواناتی که محرم از آنها بر خود بترسد یا قصد جان او را داشته باشند مانند مار و عقرب.

* پرندگان درنده‌ای که کبوترهای حرم را اذیت می‌کنند.

مسئله ۲۹۷: حیوان صحرایی حیوانی است که در اصل وحشی و گریزنده باشد اگر چه به سببی اهلی شده باشد، و فرقی بین حرام گوشت و حلال گوشت نیست.

مسئله ۲۹۸: ملخ از حیوانات صحرایی به شمار می‌آید و شکار آن در حال احرام جایز نیست، ولی شکار حیوان دریایی که فقط در آب زندگی می‌کند مثل ماهی و میگو اشکال ندارد.

مسئله ۲۹۹: اگر در مسیر محرم ملخ زیاد باشد باید راه خود را

کج کند که آنها را نکشد، و اگر نتواند راه خود را کج کند و ملخ کشته شود اشکال ندارد.

کفاره شکار

مسئله ۳۰۰: برای کشتن و شکار هر یک از حیوانات صحرائی در احکام اسلامی کفاره‌ای معین شده که در کتب مفصل فقهی آمده است.

۱۹. حمل سلاح

مسئله ۳۰۱: برای محرم پوشیدن سلاح جایز نیست، بلکه اگر آن را حمل کند مثلاً به دست بگیرد یا در کیف خود بگذارد و همراه ببرد به طوری که او را مسلح بدانند بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

مسئله ۳۰۲: مراد از سلاح هر چیزی است که عرفاً به آن سلاح بگویند مانند شمشیر، نیزه، تفنگ و کُلت، و اما ابزار حفاظت و دفاع مانند زره و سپر سلاح نیست.

مسئله ۳۰۳: بودن سلاح نزد محرم - بدون آنکه آن را حمل کند - اشکال ندارد، و همچنین اگر حمل آن طوری باشد که او را

محرمات مخصوص مردان..... ۱۲۹

مسلح ندانند اشکال ندارد، ولی در این فرض به احتیاط
مستحب از حمل سلاح بپرهیزد.

مسئله ۳۰۴: مسلح شدن محرم در حال ناچاری مانند ترس از
دشمن یا دزد اشکال ندارد.

کفاره حمل سلاح

مسئله ۳۰۵: کفاره حمل سلاح - بدون ضرورت - بنا بر احتیاط
واجب یک گوسفند است.

محرمات مخصوص مردان

۱. سایه بر سر قرار دادن

مسئله ۳۰۶: سایه بر سر قرار دادن دو نوع است:

۱. اگر به وسیله اشیاء متحرک و سایه دار مانند چتر، سقف

ماشین و هواپیما باشد؛ حرام است و فرقی نمی‌کند که سواره
باشد یا پیاده.

۲. اگر به وسیله اشیاء ثابت مانند دیوار، تونل، درخت و کوه

باشد؛ اشکال ندارد خواه سواره باشد یا پیاده.

۱۳۰ مناسک حج

مسئله ۳۰۷: سایه بر سر قرار دادن اشیاء متحرک در صورتی حرام است که سایه بان بالای سرش باشد، بنابراین اگر در کنار ماشینی که به آرامی حرکت می کند راه برود به طوری که سایه دیوار ماشین بر سرش بیفتد اشکال ندارد، ولی اگر سواره باشد و سایه دیوار همان ماشین که سوار است بر او بیفتد اشکال دارد.

مسئله ۳۰۸: حرکت کردن زیر سایه ابر - هرچند متحرک باشد - اشکال ندارد.

سایه بان در شب

مسئله ۳۰۹: مرد محرم می تواند در شبهای غیر بارانی سوار ماشین سقف دار یا هواپیما شود.

مسئله ۳۱۰: سوار شدن بر ماشین سقف دار یا هواپیما و مانند اینها و استفاده از چتر بعد از اذان صبح و پیش از طلوع آفتاب و همچنین در روز ابری در صورتی که بارندگی نباشد اشکال ندارد.

مسئله ۳۱۱: اگر مرد محرم سوار ماشین بی سقف شود و سایه دیواره ماشین بر بدن او بیفتد ولی دیواره ماشین به قدری کوتاه

محرمات مخصوص مردان..... ۱۳۱

باشد که سایه‌اش سر و سینه او را نپوشاند اشکال ندارد.

مسئله ۳۱۲: گذاشتن دست بر سر برای جلوگیری از تابش آفتاب جایز است ولی به احتیاط مستحب همین کار را هم انجام ندهد.

مسئله ۳۱۳: جایز نبودن حرکت زیر سایه به جهت پوشاندن خود از شعاع آفتاب است بنابراین اگر قصد محرم از رفتن به زیر سایه جلوگیری از باد و سرما و گرما باشد اشکال ندارد، و بنا بر احتیاط واجب باران حکم آفتاب را دارد و سوار شدن بر ماشین سقف دار و مانند آن در شبی که باران نمی‌بارد اشکال ندارد.

سایه‌بان در مکان ثابت

مسئله ۳۱۴: حرمت قرار دادن سایه بر سر مخصوص حال حرکت است، بنابراین اگر محرم در جایی توقف کند خواه آنجا را منزل خود قرار دهد یا ندهد مثل آنکه در بین راه برای استراحت یا نماز خواندن یا غذا خوردن توقف کند اشکال ندارد.

مسئله ۳۱۵: اگر محرم در جایی اقامت کند چنانچه بخواهد به اطراف برود بنا بر احتیاط واجب نباید در روز و یا در حال باران

۱۳۲ مناسک حج

سایه بالای سر قرار دهد، لذا مردان محرمی که در مکه یا منا اقامت می‌کنند اگر بخواهند برای طواف و سایر اعمال به مسجدالحرام بروند بنا بر احتیاط واجب نباید با چتر یا سوار بر ماشین سقف دار حرکت کنند.

مسئله ۳۱۶: سایه قرار دادن بالای سر برای زنها و کودکان و همچنین برای مردان در حال ناچاری اشکال ندارد.

کفاره سایه قرار دادن

مسئله ۳۱۷: کفاره سایه قرار دادن بالای سر و پوشاندن خود از باران یک گوسفند است خواه در حال اختیار باشد یا در حال ناچاری.

مسئله ۳۱۸: اگر در یک احرام چندین بار سایه بالای سر قرار دهد کفاره یک گوسفند کفایت می‌کند، ولی به احتیاط مستحب برای هر روز یک کفاره بدهد.

۲. پوشاندن سر

مسئله ۳۱۹: برای مرد محرم جایز نیست تمام سر یا قسمتی از آن را با کلاه یا چفیه یا لباس و مانند آن بپوشاند.

محرمات مخصوص مردان..... ۱۳۳

مسئله ۳۲۰: بنا بر احتیاط واجب مرد محرم هنگام حمل بار سر خود را با آن نپوشاند، ولی گذاشتن بند ساک روی سر اشکال ندارد.

مسئله ۳۲۱: بستن سر با دستمال و مانند آن به علت بیماری مثل سردرد اشکال ندارد.

مسئله ۳۲۲: پوشاندن سر با دست یا سایر قسمتهای بدن اشکال ندارد، ولی بهتر است این کار را هم نکند.

مسئله ۳۲۳: مقصود از سر در این مسئله جای طبیعی روئیدن مو است و گوش هم جزو سر به شمار می آید.

مسئله ۳۲۴: اگر سر مرد محرم خیس باشد و بخواهد وضو بگیرد و نتواند صبر کند تا سر خشک شود می تواند با گوشه حوله یا پارچه ای دیگر به مقدار مسح واجب سر را خشک کند، ولی اگر بتواند با دست آن را خشک کند نباید از چیز دیگری استفاده کند.

مسئله ۳۲۵: صحبت کردن در حال احرام با تلفن همراه اشکال ندارد ولی مرد محرم بنا بر احتیاط واجب گوشی تلفن را روی گوش نگذارد، بلکه اگر گوشی فقط مقدار کمی از قسمت داخلی

۱۳۴ مناسک حج

گوش را بپوشاند و یا محرم آن را با فاصله کمی از گوش خود بگیرد اشکال ندارد.

مسئله ۳۲۶: گذاشتن سر بر بالش یا صندلی ماشین اشکال ندارد.

مسئله ۳۲۷: برای محرم - مرد یا زن - جایز نیست همه سر خود را در آب فرو ببرد و مقصود از سر در این مسئله آن قسمتی است که بالای گردن قرار دارد، و اما رفتن زیر دوش حمام مانعی ندارد.

کفاره پوشاندن سر

مسئله ۳۲۸: اگر مرد محرم سر خود را بپوشاند کفاره آن یک گوسفند است.

مسئله ۳۲۹: در مواردی که پوشاندن سر جایز است و همچنین در مواردی که مرد محرم از روی ناچاری سر را می پوشاند کفاره واجب نمی شود.

مسئله ۳۳۰: اگر مرد در یک احرام چندین بار سر خود را بپوشاند یک کفاره برای همه آنها کفایت می کند.

محرمات مخصوص مردان..... ۱۳۵

مسئله ۳۳۱: اگر مرد محرم با کلاه دوخته شده سر خود را بپوشاند بنا بر احتیاط واجب دو کفاره بپردازد، اما اگر چیز دوخته شده‌ای که برای پوشش سر استفاده نمی‌شود بر سر انداخته باشد مانند پیراهن یک کفاره کفایت می‌کند.

۳. پوشیدن چکمه و جوراب

مسئله ۳۳۲: برای مرد محرم پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بپوشاند مثل جوراب و کفش و چکمه حرام است.

مسئله ۳۳۳: پوشیدن دمپایی و کفشهایی که روی آنها باز است به طوری که قسمتی از روی پا باز بماند مانند صندل اشکال ندارد.

مسئله ۳۳۴: پوشاندن تمام روی پا بدون آنکه جوراب و چکمه و امثال آن بپوشد، مثل آنکه لباس احرام یا پتو یا چیز دیگری را روی پا ببندد اشکال ندارد.

مسئله ۳۳۵: برای زنان، پوشیدن چکمه و جوراب و مانند اینها که تمام روی پا را می‌پوشاند اشکال ندارد.

کفاره پوشیدن چکمه و جوراب

مسأله ۳۳۶: اگر مرد محرم عمداً کفش یا چکمه و مانند آن را بپوشد کفاره واجب نیست هر چند مرتکب گناه شده است.

مسأله ۳۳۷: اگر مرد محرم عمداً جوراب و مانند آن را بپوشد به احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد.

۴. پوشیدن لباس دوخته شده

مسأله ۳۳۸: اگر مرد محرم لباس دکمه دار بپوشد جایز نیست دکمه آن را ببندد.

مسأله ۳۳۹: جایز نیست مرد محرم لباس یقه دار و آستین دار بپوشد به طوری که سر را از یقه و دستها را از آستین آن بیرون آورد.

مسأله ۳۴۰: برای مرد محرم پوشیدن شلوار و زیرشلواری و آنچه که مانند آنها عورتین را بپوشاند جایز نیست مگر آنکه لینگ^(۱) نداشته باشد که در این صورت پوشیدن آن جایز است.

مسأله ۳۴۱: مرد محرم بنا بر احتیاط واجب باید از پوشیدن

۱. مقصود پاچه شلوار است.

محرمات مخصوص مردان..... ۱۳۷

لباسهای متعارف مانند پیراهن، قبا، پالتو و پیراهن عربی پرهیز کند هر چند آنها را مانند لباس دکمه دار نپوشد.

مسئله ۳۴۲: اگر تنها لبه‌های لباس احرام دوخته شده باشد پوشیدن آن مانعی ندارد.

مسئله ۳۴۳: اگر لباس احرام مرد دو تکه باشد و به هم دوخته شده باشند اشکال ندارد.

همیان دوخته

مسئله ۳۴۴: برای مرد محرم جایز است که محفظه پولهایش - همیان - را به کمر ببندد هر چند دوختنی باشد.

مسئله ۳۴۵: آویزان کردن کیف دوخته شده و کیسه سنگ رمی و امثال آن به گردن اشکال ندارد.

رواندا از خواب

مسئله ۳۴۶: برای مرد محرم جایز است در حال خوابیدن یا غیر آن بدن خود را - به جز سر - با لحاف و مانند آن از چیزهای دوخته شده بپوشاند.

کفش یا دمپایی دوخته شده

مسئله ۳۴۷: پوشیدن کفش یا دمپایی دوخته شده اگر تمام روی پا را نپوشاند اشکال ندارد.

گره زدن لباس احرام

مسئله ۳۴۸: بنا بر احتیاط واجب مرد محرم از گره زدن قسمتی از اطراف لُنگ به قسمتی دیگر و همچنین از فرو بردن سوزن در آن پرهیزد.

مسئله ۳۴۹: احتیاط واجب آن است که مرد محرم رداء^(۱) را گره نزند، ولی فرو بردن سوزن و مانند آن اشکال ندارد.

مسئله ۳۵۰: پوشیدن لباس دوخته شده برای زنان محرم به هر کیفیتی باشد اشکال ندارد، ولی پوشیدن دستکش جایز نیست.

کفاره پوشیدن لباس دوخته شده

مسئله ۳۵۱: اگر محرم لباسی که پوشیدن آن حرام است بپوشد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

۱. پارچه یا حوله‌ای که مردان مُحرم آن را بر شانه خود قرار می‌دهند.

محرمات مخصوص بانوان..... ۱۳۹

مسئله ۳۵۲: اگر محرم از روی ناچاری لباسی که پوشیدن آن حرام است بپوشد بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۳۵۳: اگر محرم لباسی که پوشیدن آن حرام است را چند بار بپوشد یا اینکه یک دفعه چند لباس را باهم بپوشد به تعداد تمام دفعات باید کفاره بدهد، البته این حکم در صورتی است که این لباسها از انواع مختلف باشند ولی اگر همه آنها از یک نوع باشند بنا بر احتیاط واجب به تعداد همه آنها کفاره بدهد.

محرمات مخصوص بانوان

پوشاندن صورت برای بانوان

مسئله ۳۵۴: بر زن مُحرم جایز نیست صورت خود را با پوشیه یا نقاب یا بادبزن و امثال آن بپوشاند، و احتیاط واجب آن است که صورت خود را با هیچ چیزی نپوشاند.

مسئله ۳۵۵: بنا بر احتیاط واجب زن مُحرم از پوشاندن قسمتی از صورت پرهیز کند.

مسئله ۳۵۶: پوشاندن صورت برای زنان محرم در موارد زیر

اشکال ندارد:

۱. پوشاندن صورت با دست، ولی به احتیاط مستحب برای

جلوگیری از نور خورشید با دست هم صورت را نپوشاند.

۲. پوشاندن صورت در حال خواب.

۳. پوشاندن مقداری از کنار صورت در نماز برای آنکه یقین

کند سر را کاملاً پوشانده است به شرط آنکه رها کردن

پوششی که بر سر دارد به طرف صورت ممکن نباشد، و اگر

بتواند باید همین کار را بکند.

۴. پوشاندن صورت از نامحرم بدین گونه که چادر یا هر

چیزی که بر سر دارد را جلوی صورت بیندازد و تا مقابل بینی

پایین بیاورد (اسدال) بلکه تا مقابل گردن هم اشکال ندارد، و

لازم نیست این پوشش را با دست یا وسیله‌ای دیگر از جلوی

صورت فاصله دهد گر چه احتیاط مستحب است.

مسئله ۳۵۷: زن مُحَرَّم بنا بر احتیاط واجب باید از خشک

کردن صورت با حوله و امثال آن که تمام صورت یا قسمتی از آن

را می پوشاند پرهیز کند هر چند با کشیدن بر صورت باشد.

مسئله ۳۵۸: گذاشتن صورت بر بالش و امثال آن برای خواب

اشکال ندارد.

استفاده از ماسک

مسئله ۳۵۹: زدن ماسک بر دهان و بینی برای زنان محرم اشکال دارد، چون بخشی از صورت پوشانده می شود و پوشاندن قسمتی از صورت بنا بر احتیاط واجب حکم پوشاندن تمام صورت را دارد، ولی در حال ناچاری اشکال ندارد.

مسئله ۳۶۰: زدن ماسک برای مردان محرم اشکال ندارد به شرط اینکه مانع از استشمام بوی بد نباشد، و اگر مانع باشد در صورت مواجهه با بوی بد فوراً ماسک را بردارند.

استفاده از عینک

مسئله ۳۶۱: استفاده از عینک دودی بزرگ که چشم و قسمتی از اطراف آن را می پوشاند برای زن مُحرم اشکال دارد.

مسئله ۳۶۲: با پوشاندن صورت کفاره واجب نمی شود ولی بنا بر احتیاط مستحب یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۳۶۳: اگر زن مُحرم در یک احرام - مثلاً عمره یا حج - چندین بار صورت خود را بپوشاند یک کفاره کفایت می کند.

محرمات حرم مکه

مسأله ۳۶۴: شهر مکه و اطراف آن تا حدودی که مشخص شده است حرم نام دارد که دارای احترام و احکام خاصی است.

مسأله ۳۶۵: حدود حرم از طرف شمال جایی به نام «تَنعِیم» و از طرف شمال غربی «حُدَیْبِیَّه» و از طرف شرق مرز مقابل عرفات به نام «نَمِرَه» و از طرف جنوب شرقی جایی به نام «جَعْرَانَه» و از طرف جنوب غربی جایی به نام «اضَاءَ لَبْن» است.

مسأله ۳۶۶: محرماتی که تاکنون گفته شد و احکام آنها بیان گشت مربوط به شخص مُحَرَّم است، ولی انجام دادن چند کار در منطقه حرم جایز نیست که به آنها محرمات حرم گفته می‌شود، و محرم و غیر محرم نباید آنها را انجام دهد.

محرمات حَرَم عبارتند از:

۱. شکار حیوان صحرائی.
۲. کندن و بریدن هر چیزی که در حرم روئیده باشد خواه درخت باشد یا غیر آن.
۳. جاری کردن حد و قصاص و تعزیر بر کسی که در بیرون

محرمات حرم مکه ۱۴۳

حرم جنایت کرده و به حرم پناه آورده است.

مسأله ۳۶۷: از درختان و گیاهان حرم چند مورد استثناء شده

که کندن و بریدن آنها اشکال ندارد و آنها عبارتند از:

۱. گیاهی به نام اِذخر.

۲. نخل خرما و درخت میوه.

۳. درختان و علفهایی که خود انسان آنها را کاشته است خواه

در ملک خودش باشد یا ملک دیگری.

۴. درختان و علفهایی که در خانه و منزل انسان و بعد از

آنکه منزل او شده روئیده باشد، ولی اگر از قبل در آنجا بوده

کندن و بریدنش جایز نیست.

کفاره کندن و بریدن درخت و گیاه حرم

مسأله ۳۶۸: کفاره کندن هر درختی در حرم بنا بر احتیاط

واجب قیمت همان درخت است، و کفاره بریدن قسمتی از آن

قیمت همان قسمت است.

مسأله ۳۶۹: بریدن و کندن گیاهان حرم (غیر از درختان) حرام

است ولی کفاره ندارد.

مجازات مجرم در حرم

مسئله ۳۷۰: کسی که در بیرون حرم جنایت کرده و به حرم پناه آورده است بر او حد و قصاص و تعزیر جاری نمی‌شود، ولی جایز نیست به وی آب یا غذا داده شود یا با او صحبت یا خرید و فروش شود و یا پناه و جایی به او داده شود تا اینکه به ناچار از حرم بیرون آید و دستگیر و مجازات شود.

اشیاء پیدا شده در حرم

مسئله ۳۷۱: برداشتن اشیاء پیدا شده در حرم کراهت شدید دارد و اگر آن را برداشت وظیفه‌اش بدین شرح است:

۱. اگر نشانه‌ای نداشت که بتواند صاحب آن را پیدا کند و به او برساند؛ جایز است آن را برای خودش بردارد هرچند قیمت آن یک درهم یا بیشتر باشد.

۲. اگر نشانه‌ای دارد که بتواند صاحب آن را پیدا کند و به او برساند؛ مسئله دو صورت دارد:

* اگر قیمت آن به یک درهم نرسد؛ واجب نیست برای پیدا شدن صاحبش به مردم اعلام کند بلکه بنا بر احتیاط

محرمات حرم مدینه ۱۴۵

واجب آن را از طرف صاحبش صدقه بدهد.
* اگر قیمتش به اندازه یک درهم یا بیشتر است؛ واجب
است یک سال تمام اعلام کند تا صاحبش پیدا شود و اگر
پیدا نشد بنا بر احتیاط واجب آن را از طرف صاحبش
صدقه بدهد.

محرمات حرم مدینه

مسأله ۳۷۲: بریدن درخت حرم مدینه نیز جایز نیست به همان
تفصیلی که در حرم مکه گفته شد.

مسأله ۳۷۳: بنا بر احتیاط واجب شکار در حرم مدینه جایز
نیست.

مسأله ۳۷۴: حدود حرم مدینه از کوه‌های (عائر) تا کوه‌های
(وَعیر) و از زمین‌های سنگلاخی (حرّه واقم) تا (حرّه لیلی)
است.

احکام کفارات محرمات احرام و حرم

مسئله ۳۷۵: اگر محرم یکی از محرمات احرام یا حرم را از روی ندانستن مسئله یا فراموشی مرتکب شود کفاره ندارد، مگر در موارد زیر:

۱. کشتن شکار و خوردن گوشت آن.
۲. بی جهت دست بر سر یا ریش خود بکشد و یک مویا بیشتر بیفتد.
۳. طواف حج یا عمره را فراموش کند و به وطن برگردد و با زن خود نزدیکی کند و بعداً متوجه شود.
۴. مقداری از سعی را در عمره تمتع فراموش کند و به اعتقاد اینکه تمام شده از احرام خارج شود.

محل کشتن حیوان کفاره

مسئله ۳۷۶: محل کشتن حیوان کفاره‌ای که در احرام عمره مفرده واجب شده مکه مکرمه است.

مسئله ۳۷۷: محل کشتن حیوان کفاره‌ای که در احرام عمره تمتع یا حج، واجب شده اگر به سبب شکار واجب شده باشد

احکام کفارات محرمات احرام و حرم ۱۴۷

سرزمین منا است، و در سایر محرمات احرام نیز بنا بر احتیاط واجب باید در منا ذبح کند.

مسئله ۳۷۸: اگر حیوان کفاره‌ای را در مکه یا منا ذبح نکرد - با عذر یا بدون عذر - و به وطن خود بازگشت جایز است هر جا که بخواهد ذبح کند.

مصرف کفارات

مسئله ۳۷۹: کفاراتی که بر محرم واجب شده باید به افراد فقیر و مستمند صدقه بدهد، و احتیاط واجب آن است که خود کفاره دهنده از آن نخورد و اگر خورد بنا بر احتیاط واجب قیمت مقداری را که خورده به فقرا صدقه بدهد.

مسئله ۳۸۰: آنچه به عنوان کفاره به فقیر می‌دهد واجب نیست به او اعلام کند که کفاره است، ولی گفتن خلاف آن هم جایز نیست.

مسئله ۳۸۱: کسی که در عمره و حج نایب شخص دیگری بود و کفاره بر او واجب شده است لازم نیست در ادای کفاره نیت نیابت کند، بلکه به نیت خود انجام می‌دهد.

مسئله ۳۸۲: شرایطی که برای قربانی حج^(۱) لازم است در حیوانی که به عنوان کفاره ذبح می شود شرط نیست، هر چند احتیاط مستحب است آن شرایط را داشته باشد.

مستحبات ورود به حرم

مسئله ۳۸۳: هنگام ورود به حرم چند چیز مستحب است:

۱. هنگام رسیدن به حرم پیاده شود و برای ورود به حرم غسل کند.

۲. از روی تواضع و فروتنی به خداوند هنگام ورود به حرم پا برهنه شود و کفشهای خود را در دست بگیرد.

۳. هنگام ورود به منطقه حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعاً لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيباً

۱. شرایط قربانی حج در مسئله ۶۳۶ خواهد آمد.

لَكَ مُطِيعاً لَأَمْرِكَ، وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ
فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَفْتَنِي لَهُ أَبْتَغِي بِذَلِكَ الرُّلْفَةَ عِنْدَكَ
وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ
مِنْهَا بِمَنَّاكَ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى
النَّارِ وَآمِئِّي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ».

مستحبات ورود به مکه

مسأله ۳۸۴: کسی که قصد ورود به شهر مکه را دارد مستحب
است:

۱. پیش از ورود به شهر مکه غسل کند.
۲. با وقار و آرامش وارد شود.
۳. چنانچه از مدینه می آید از بالای شهر مکه وارد شود و
هنگام رفتن از پائین شهر مکه بیرون رود.

مستحبات ورود به مسجد الحرام

مسأله ۳۸۵: هنگام وارد شدن به مسجد الحرام امور زیر مستحب است:

۱. با پای برهنه و با آرامش و وقار و خشوع وارد شود.
۲. هنگام ورود بر در مسجد الحرام بایستد و بگوید:
«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ
وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَالسَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ
وَأَسْلَامٌ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ،
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».
۳. وارد مسجد الحرام شود و رو به کعبه دستها را به طرف
آسمان بلند کرده و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوَّلِ مَنْاسِكَي أَنْ تَقْبَلَ
تَوْبَتِي وَأَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَتَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ
الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى
لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بِكَذَلِكَ وَالْبَيْتُ بِبَيْتِكَ جِئْتُ
أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْفُ طَاعَتَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ

أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي
أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

و در روایت دیگر وارد است که نزد درب مسجد بایستد و
بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ
لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَى
مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ
خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ
مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ
وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ (وَآلِ
مُحَمَّدٍ) عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَعَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ
وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي

طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي
جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَرُؤَايِهِ
وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَغْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ، اَللَّهُمَّ
إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَى كُلِّ مَائِي حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ
وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَائِي وَأَكْرَمُ مَزُورٍ فَاسْأَلْكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ
وَيَا تِلْكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَيَا تِلْكَ
وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ،
وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا
جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ
تُحْفَتَكَ إِيَّايَ بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّ رَقَبَتِي
مِنَ النَّارِ».

پس سه مرتبه بگوید:

«اَللّٰهُمَّ فُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

سپس بگوید:

«وَأَوْسَعُ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحُلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ
شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

و مستحب است وقتی که مقابل حجر الأسود رسیده بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ وَبِاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ».

سپس به طرف حجر الأسود رفته و آن را استلام نماید و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، أَكْبَرُ مِمَّنْ أَخْشَىٰ وَأَحْدَرُ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُخَيِّطُ وَيُجَيِّدُ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و سلام بر پیغمبران بدهد همانگونه که هنگام ورود مسجد الحرام صلوات فرستاد و سلام داد، و آنگاه بگوید: «إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُوفِي بِعَهْدِكَ».

و در روایت صحیح از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است: وقتی نزدیک حجر الأسود رسیدی دستهای خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به جا آور و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله

بفرست، و از خداوند بخواه که از تو قبول کند، پس از آن حجر را استلام نما و آن را ببوس، و اگر بوسیدن ممکن نشد با دست استلام نما، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ،
اللَّهُمَّ تَصَدِّيقاً بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ
وَكَفَرْتُ بِالْجُبَّتِ وَالطَّاغُوتِ وَبِاللَّاتِ وَالْعُزَّى وَعِبَادَةِ
الشَّيْطَانِ وَعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ تَعَالَى».

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي
فَاقْبَلْ سُبْحَتِي وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ
الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْحِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

فصل چہارم اعمال عمرہ تمتع

طواف - نماز طواف - سعی - تقصیر

۱. طواف

مسئله ۳۸۶: دومین عمل از اعمال واجب عمره تمتع طواف خانه خداست، طواف شرایط و واجباتی دارد که در مسائل آینده به تفصیل خواهد آمد.

شرایط طواف

مسئله ۳۸۷: در طواف چند چیز شرط است:

۱. نیت
۲. طهارت
۳. خِتَان
۴. پوشش

۱. نیت

مسئله ۳۸۸: گشتن به دور کعبه باید به قصد طواف باشد، و همچنین باید متوجه باشد چه طوافی انجام می‌دهد، مثلاً بداند که طواف عمره است یا حج، برای خودش به جا می‌آورد یا به

نیابت از دیگری، و مهمتر آن که طواف را تنها برای اطاعت امر خداوند و از روی خضوع و بندگی در برابر او به جا آورد.

۲. طهارت

مسئله ۳۸۹: طواف کننده باید با طهارت باشد، یعنی غُسلی بر عهده او نباشد و با وضو باشد، پس اگر در حالی که غسل بر او واجب است یا در حالی که وضو ندارد طواف کند باطل است، خواه عمدأ باشد یا از روی نا آگاهی یا فراموشی.

مسئله ۳۹۰: اگر مکلف به واسطه عذری که دارد نمی تواند وضو بگیرد، یا اگر غُسلی بر عهده اوست ولی نمی تواند غسل کند باید برای طواف تیمم کند.

مسئله ۳۹۱: کسی که به واسطه عذری به کیفیت خاصی وضو می گیرد مثلاً وضوی جبیره ای انجام می دهد یا در وضو از دیگری کمک می گیرد اگر به همان کیفیت وضو بگیرد و طواف کند صحیح است.

مسئله ۳۹۲: کسی که نمی تواند از ادرار یا مدفوع خود جلوگیری کند می تواند به همان طهارت به کیفیت مخصوص به

۱. طواف ۱۵۹

خود اکتفا نماید، هر چند احتیاط مستحب برای کسی که نمی‌تواند از مدفوع خودداری نماید آن است که خودش وضو بگیرد و طواف و نماز طواف را به جا آورد و به شخص دیگری نیابت دهد تا از طرف او طواف و نماز را انجام دهد.

مسئله ۳۹۳: در طواف مستحب طهارت از حدث اصغر شرط نیست، ولی بنا بر احتیاط واجب طهارت از حدث اکبر شرط است، بنابراین بدون وضو هم صحیح است ولی نماز طواف باید با طهارت باشد.

پیش آمدن حدث در بین طواف

مسئله ۳۹۴: اگر در بین طواف حدثی سرزند یعنی وضوی طواف کننده باطل شود یا یکی از موجبات غُسل پیش آید، مسئله چند صورت دارد:

۱. اگر پیش از تمام شدن دور چهارم حدث خارج شود؛ طواف باطل است.

۲. اگر پس از دور چهارم بی اختیار حدث از او خارج شود؛ باید طواف را رها کند و بعد از تحصیل طهارت از همان جا

که قطع کرده طواف را تکمیل کند.

۳. اگر پس از دور چهارم با اختیار حدث از او خارج شود؛ بنا بر احتیاط واجب طواف را قطع کند و پس از تحصیل طهارت آن را تکمیل و سپس اعاده کند.

طواف بدون طهارت

مسئله ۳۹۵: اگر بعد از طواف متوجه شود طواف را بدون طهارت انجام داده یا وضو یا غُسلش باطل بوده طواف باطل است و باید اعاده کند.

مسئله ۳۹۶: اگر کسی غُسلی واجب مانند غسل جنابت را فراموش کند و طواف به جا آورد طوافش باطل است و حکم کسی را دارد که طواف را فراموش کرده است.

شک در طهارت

مسئله ۳۹۷: شک در طهارت برای طواف کننده صورتهای مختلفی دارد:

۱. اگر پیش از طواف شک کند وضو گرفته یا نه یا اگر غُسلی بر عهده او بوده انجام داده است یا نه؛ باید برای طواف

۱. طواف ۱۶۱

تحصیل طهارت کند.

۲. اگر در بین طواف شک کند حدثی از او سر زده یا نه و یقین داشته باشد قبل از طواف طهارت داشته؛ بنا را بر طهارت بگذارد و لازم نیست مجدداً تحصیل طهارت کند خواه قبل از طواف باشد یا در بین طواف.

۳. اگر در بین طواف شک کند حدثی از او سر زده یا نه ولی نمی داند قبلاً طهارت داشته یا نه؛ پس اگر پیش از دور چهارم باشد باید تحصیل طهارت کند و طواف را از سر بگیرد، و اگر شوط چهارم تمام شده باشد باید پس از تحصیل طهارت طواف را تکمیل کند.

۴. اگر پس از اتمام طواف شک کند که در حال طواف طاهر بوده یا نه؛ به شک خود اعتنا نکند هر چند احتیاط مستحب است طواف را اعاده کند، ولی برای نماز طواف باید طهارت را تحصیل کند.

وظیفه حائض (زنان معذور)

مسأله ۳۹۸: اگر زن در عمره تمتع پیش از احرام و یا در حین

احرام و یا بعد از آن و قبل از شروع در طواف عادت ماهیانه اش شروع شود وظیفه او بدین شرح است:

۱. اگر بداند که بعد از پاک شدن فرصت کافی برای انجام دادن اعمال عمره دارد؛ در این فرض باید صبر کند و پس از پاک شدن غسل کند و اعمال عمره را به جا آورد. (اعمال عمره تمتع باید قبل از ظهر روز عرفات به پایان برسد).
۲. اگر فرصت کافی نداشته باشد، یعنی زمانی عادت او تمام می شود که زمان اعمال حج فرا رسیده است؛ در این فرض مسأله دو صورت دارد:

صورت اول: اگر پیش از احرام یا هنگام محرم شدن عادت او شروع شده باشد در این صورت وظیفه او از حج تمتع به حج افراد منقلب می شود، یعنی باید حج افراد به جا آورد و در صورت امکان بعد از آن عمره مفرده انجام دهد.

صورت دوم: اگر پس از محرم شدن به عمره تمتع عادت او شروع شده باشد در این صورت می تواند بر عمره تمتع باقی بماند و اعمال آن را - به جز طواف و نماز - انجام

۱. طواف ۱۶۳

دهد، یعنی سعی و تقصیر را بجای آورد، پس از آن به احرام حج محرم شود، و پس از اتمام اعمال منا و بازگشتن به مکه - پیش از طواف حج - طواف عمره و نماز آن را قضا کند، هرچند احتیاط مستحب در این صورت هم عدول به حج افراد است.

مسئله ۳۹۹: اگر زن پس از احرام عمره تمتع حائض شود و یقین داشته باشد که حیضش باقی خواهد ماند به طوری که حتی پس از بازگشت از منا نمی تواند طواف کند - هرچند به علت صبر نکردن کاروان - باید برای طوافش و نماز آن نایب بگیرد، و پس از انجام طواف و نماز آن شخصاً سعی را انجام دهد.

حیض شدن پس از احرام

مسئله ۴۰۰: حیض شدن زن پس از احرام چند حالت دارد:

۱. اگر قبل از طواف عادت شود؛ باید به وظیفه خود که در

مسئله ۳۹۸ و ۳۹۹ گفته شد عمل کند.

۲. اگر در حال طواف عادت شود؛ مسئله دو صورت دارد:

صورت اول: اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد

طوافش باطل است.

صورت دوم: اگر بعد از تمام شدن شوط چهارم باشد در این صورت مقداری که انجام داده صحیح است و چنانچه وقت کافی داشته باشد باقیمانده طواف را بعد از پایان یافتن ایام عادت و انجام دادن غسل به جا آورد، و به احتیاط مستحب پس از اتمام طوافِ اول مجدداً طواف را انجام دهد.

و اگر فرصت کوتاه است یعنی پیش از وقتِ حج پاک نمی‌شود و اگر هم پاک می‌شود فرصت انجام دادن اعمال عمره را ندارد، در این صورت باید سعی و تقصیر را انجام دهد و پس از بازگشت از منا قبل از اینکه طواف حج را انجام دهد باقیمانده طواف عمره را قضا نماید.

۳. اگر بعد از طواف و پیش از خواندن نماز طواف عادت شود؛ طوافش صحیح است و پس از تمام شدن عادت و انجام دادن غسل باید نماز طواف را بخواند، و در صورتی که وقت تنگ باشد سعی و تقصیر را انجام دهد، و نماز طواف را پس از بازگشت از منا و قبل از طواف حج بخواند.

۱. طواف ۱۶۵

۴. اگر پس از نماز طواف بفهمد عادت شده ولی نمی‌داند شروع عادت او پیش از نماز طواف بوده یا بعد از آن؛ طواف و نمازش صحیح است.

۵. اگر بعد از نماز طواف بفهمد که قبل از نماز طواف یا در بین آن عادت او شروع شده است؛ نماز خوانده شده صحیح نیست.

مسئله ۴۰۱: اگر زن در حال طواف عادت ماهیانه‌اش شروع شود واجب است طواف را رها کند و فوراً از مسجد الحرام بیرون رود و مطابق وظیفه‌ای که در مسئله قبل گفته شد عمل کند.

مسئله ۴۰۲: اگر زن برای عمره تمتع محرم شود و توانایی انجام دادن اعمال عمره را داشته باشد و بداند اگر اعمال را تأخیر بیندازد عادت ماهیانه او شروع می‌شود و به علت تنگی وقت نمی‌تواند اعمال عمره را انجام دهد، با این حال اعمال را انجام نداد تا اینکه عادت او شروع شد و پیش از وقت حج، فرصت پیدا نکرد تا اعمال عمره را انجام دهد، در این صورت عمره‌اش باطل می‌شود.

مسئله ۴۰۳: زنی که به جهت پیش آمدن عادت ماهیانه

۱۶۶ مناسک حج

وظیفه اش حج افراد بوده ولی به علت ندانستن مسأله به نیت عمره تمتع محرم شود احرامش باطل است و باید به میقات برگردد و برای حج افراد محرم شود. بلکه، اگر اشتباه او از باب خطا در تطبیق^(۱) بود احرامش صحیح است و حج افراد محسوب می شود.

وظیفه مَسْلُوس و مَبْطُون

مسأله ۴۰۴: کسی که نمی تواند از بیرون آمدن ادرار یا مدفوع یا باد معده جلوگیری کند وظیفه او نسبت به طواف و نماز بدین شرح است:

۱. اگر در مقطعی از شبانه روز فرصت پیدا کند که با طهارت طواف کامل و نماز را به جا آورد؛ باید در همان مقطع طواف کند.

۱. مقصود از خطا در تطبیق آن است که زن هنگام بستن احرام قصد داشت آنچه وظیفه اش هست را انجام دهد و ذمه خود را فارغ کند ولی به خاطر ندانستن مسأله، در تطبیق آن اشتباه کرد و به جای نیت حج افراد، احرام خود را با نیت حج تمتع بست.

۱. طواف ۱۶۷

۲. اگر در مقطعی از شبانه روز فرصتی پیدا کند که بتواند با طهارت فقط بخشی از طواف را به جا آورد؛ احتیاط واجب آن است که در همان مقطع وضو بگیرد و طواف را شروع کند و اگر چیزی از او - مثل آنچه برایش معمولاً پیش می‌آید - خارج شد لازم نیست مجدداً وضو بگیرد، و طواف با همان حال صحیح است.

۳. اگر هیچ فرصتی پیدا نمی‌کند یعنی خارج شدن ادرار یا مدفوع یا باد همیشگی یا با فاصله کم باشد به طوری که حتی نمی‌تواند بخشی از طواف را هم با طهارت انجام دهد؛ باید یک وضو بگیرد و طواف و نماز را به جا آورد و اگر چیزی (از آنچه به آن مبتلاست) از او قبل از طواف یا در بین طواف یا نماز خارج شد اعتنا نکند و اعمال را ادامه دهد.

وظیفه مستحاضه

مسئله ۴۰۵: وظیفه مستحاضه نسبت به طواف و نماز طواف بدین شرح است:

۱. اگر استحاضه قلیله باشد؛ باید برای طواف وضو بگیرد و

بنا بر احتیاط واجب برای نماز هم وضوی دیگری بگیرد.

۲. اگر استحاضه متوسطه باشد؛ باید یک غسل استحاضه برای طواف و نماز انجام دهد و برای طواف وضو بگیرد و بنا بر احتیاط واجب قبل از نماز طواف دوباره وضو بگیرد.

۳. اگر استحاضه کثیره باشد؛ می‌تواند یک غسل استحاضه انجام دهد و با آن طواف کند و نماز طواف را بخواند و نیازی به وضو ندارد به شرط آنکه پس از غسل مبطل وضو از او سر نزنند، هرچند احتیاط مستحب اعاده غسل قبل از نماز طواف است.

مسئله ۴۰۶: برای مستحاضه، فاصله‌ای که بین غسل یا وضو و طواف یا نماز می‌افتد به مقداری که ناچار است اشکال ندارد.

مسئله ۴۰۷: اگر زن در حال طواف واجب مستحاضه شود، این مسئله دو صورت دارد:

۱. اگر پیش از تمام شدن دور چهارم مستحاضه شود؛ طواف باطل است.
۲. اگر بعد از تمام شدن دور چهارم مستحاضه شود؛ بقیه طواف را طبق وظایفی که برای مستحاضه گفته شد انجام

۱. طواف ۱۶۹

دهد، هرچند احتیاط مستحب است آن طواف را تمام و اعاده کند.

طهارت بدن و لباس

مسئله ۴۰۸: بدن و لباس طواف کننده باید پاک باشد، پس اگر بداند بدن یا لباسش نجس است و با همان حال طواف کند صحیح نیست.

مسئله ۴۰۹: خون کمتر از درهم - که تقریباً به اندازه سر انگشت شست دست است - هرچند نماز با آن صحیح است ولی بنا بر احتیاط واجب طواف با آن صحیح نیست، و در این حکم فرقی بین لباسهای کوچک مانند جوراب که نماز خواندن با آن صحیح است و لباسهای دیگر وجود ندارد.

مسئله ۴۱۰: قرار دادن چیزی که نجس شده مانند دستمال خونی در جیب طواف کننده اشکال ندارد.

مسئله ۴۱۱: نجس بودن بدن یا لباس به خون زخمی که هنوز بهبودی پیدا نکرده - خواه زخم تازه یا کهنه باشد - در صورتی که آب کشیدن یا عوض کردن لباس چنان سخت باشد که تحمل

سختی آن مشکل است اشکال ندارد، ولی اگر تطهیر یا تعویض لباس در این حد سخت نباشد بنا بر احتیاط واجب باید تطهیر یا تعویض کند.

مسئله ۴۱۲: اگر بعد از طواف بفهمد بدن یا لباسش در حال طواف نجس بوده طواف صحیح است.

مسئله ۴۱۳: اگر نجس بودن بدن یا لباس را فراموش کند و بعد از طواف یادش بیاید طواف صحیح است، هر چند احتیاط مستحب است طواف را با بدن و لباس پاک اعاده کند.

مسئله ۴۱۴: اگر بین طواف متوجه شود بدن یا لباسش نجس است یا همان وقت نجس شود، مسئله دو صورت دارد:

۱. اگر می‌تواند نجاست را از بین ببرد مثلاً لباس اضافی را کنار بگذارد بدون آنکه موالات - پی در پی بودن اجزاء طواف - به هم بخورد؛ در این صورت واجب است نجاست را از بین برده و طواف را تمام کند.

۲. اگر نمی‌تواند نجاست را از بین ببرد؛ با همان حال طواف را به پایان برساند و صحیح است، و چنانچه بعد از شوط چهارم بدن یا لباسش نجس شده باشد یا آن موقع متوجه

۱. طواف ۱۷۱

نجس بودن لباس شده به احتیاط مستحب پس از اتمام طواف آن را اعاده کند.

مسئله ۴۱۵: کسی که به واسطه عذری با بدن یا لباس نجس یا با وضوی جبیره یا تیمم طواف را به جا آورد چنانچه از برطرف شدن عذر نا امید بود پس از برطرف شدن عذر لازم نیست طواف را اعاده کند.

مسئله ۴۱۶: اگر چیز نجسی مثلاً دستمال نجس همراه طواف کننده باشد اما لباس وی نباشد اشکال ندارد.

۳. خِتان

مسئله ۴۱۷: اگر مرد یا پسر نابالغ که خوب و بد را می فهمد بدون ختنه شدن طواف کنند باطل است، ولی در کودکان غیر ممیز ختنه شرط نیست.

مسئله ۴۱۸: احتیاط مستحب است کودک غیر ممیز، که ولی اش او را طواف می دهد ختنه شده باشد.

۴. پوشش

مسئله ۴۱۹: پوشش طواف کننده بنا بر احتیاط واجب به همان

۱۷۲ مناسک حج

مقدار است که در نماز باید خود را بپوشاند، و به احتیاط مستحب تمام شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد.

مسأله ۴۲۰: هر چند پوشاندن پا برای بانوان شرط صحت طواف نیست ولی چون در معرض دید نامحرمان است باید پاها را نیز بپوشانند.

مسأله ۴۲۱: اگر زن در حال طواف متوجه شود کمی از موهایش بیرون است باید فوراً بپوشاند و به هر حال طوافش صحیح است.

واجبات طواف

مسأله ۴۲۲: واجبات طواف عبارتند از:

۱. طواف را از مقابل حجرالأسود شروع و به همان جا ختم کند.

۲. در حال طواف کعبه را در طرف چپ خود قرار دهد.

۳. به دور کعبه و حجر اسماعیل بگردد (عبور نکردن درون حجر).

۴. بر روی شاذروان کعبه حرکت نکند.

۱. طواف ۱۷۳

۵. کعبه را هفت بار دور بزنند.

۶. هفت دور طواف را پی در پی انجام دهد (موالات).

۷. به اختیار خود طواف کند.

احکام واجبات طواف

۱. شروع از حجرالأسود و ختم به آن

مسأله ۴۲۳: طواف باید از مقابل گوشه‌ای از کعبه که رکن حجرالأسود نام دارد و همان سنگ مقدس در آن قرار دارد شروع شود و در نهایت باید به همان جا تمام شود، بنابراین اگر از جای دیگر طواف را شروع کند یا به جای دیگر طواف را به پایان ببرد هرچند هفت دور کامل هم باشد صحیح نیست.

مسأله ۴۲۴: اگر طواف کننده کمی قبل تر از رکن حجرالأسود طواف را شروع کند ولی قصدش این باشد: (شروع طوافم از آنجایی باشد که واقعاً مقابل حجرالأسود است) و در پایان هم کمی از حجرالأسود بگذرد ولی قصدش این باشد: (پایان طوافم تا جایی باشد که واقعاً مقابل حجرالأسود است) طواف صحیح است.

مسئله ۴۲۵: اگر طواف را از جای دیگر غیر از رکن حجرالأسود مثلاً از رکن یمانی شروع کند، طواف باطل است. بله، اگر از باب اشتباه در تطبیق باشد و کمبود را جبران کند طواف صحیح است، یعنی قصدش این باشد که آغاز طواف او از همان مکانی است که شرعاً باید طواف را شروع کند ولی اشتبهاً خیال کند آن مکان رکن یمانی است.

۲. قرار دادن کعبه به طرف چپ

مسئله ۴۲۶: طواف کننده باید همانگونه که همه مسلمانان طواف می کنند به دور کعبه بگردد، پس اگر بر خلاف جهت حرکت کند یا رو به کعبه یا پشت به آن یا عقب عقب برود صحیح نیست.

مسئله ۴۲۷: اگر به خاطر بوسیدن کعبه یا به سبب فشار جمعیت مقداری از طواف را رو به کعبه یا پشت به آن باشد، آن مقدار از شوط جزء طواف به حساب نمی آید پس اگر بتواند باید برگردد و از همان جا که منحرف شده طواف را ادامه دهد، و اما اگر نتواند برگردد باید بدون نیت طواف به حرکت خود ادامه دهد

۱. طواف ۱۷۵

تا به جایی برسد که منحرف شده و از آنجا به نیتِ ادامه آن شوط قطع شده طواف را کامل کند.

مسئله ۴۲۸: معیارِ قرار دادن کعبه به سمت چپ آن است که عرفاً بگویند کعبه در طرف چپ اوست، و این مطلب از طواف کردن پیامبر ﷺ سوار بر شتر استفاده می‌شود، و نیازی به دقت زیاد و کج کردن بدن موقع رسیدن به گوشه‌های کعبه یا حجر اسماعیل نیست.

مسئله ۴۲۹: اگر در حال طواف صورت خود را به سمت راست یا چپ برگرداند در حالی که سمت چپ بدن به طرف کعبه باشد اشکال ندارد.

مسئله ۴۳۰: در حال طواف برگرداندن گردن به حدی که پشت سر را ببیند بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست.

مسئله ۴۳۱: اگر حاجی شک کند که شانه چپ از کعبه منحرف شده یا نه بلکه حتی اگر احتمال این را بدهد، اعتباری ندارد و طواف صحیح است.

۳. به دور حجر اسماعیل گردیدن

مسئله ۴۳۲: طواف کننده باید به دور کعبه و حجر اسماعیل بگردد، به این معنی که از داخل حجر عبور نکند.

مسئله ۴۳۳: اگر طواف کننده از داخل حجر اسماعیل به قصد طواف عبور کند هر چند از روی نا آگاهی یا فراموشی باشد، آن دور از طواف به طور کامل باطل است و باید آن را دوباره انجام دهد، و به احتیاط مستحب پس از اتمام طواف آن را اعاده کند.

۴. بر روی شاذروان حرکت نکردن

مسئله ۴۳۴: در بعضی از اطراف کعبه - پای دیوار کعبه - یک پیش آمدگی وجود دارد که به آن «شاذروان» می گویند و مشهور است که این پیش آمدگی جزء کعبه است و هنگام تعمیر کعبه دیوار را از جای اصلی خود عقب تر بنا نهاده اند، لذا طواف کننده نباید بر روی این پیش آمدگی حرکت کند.

مسئله ۴۳۵: اگر در حال طواف در آن قسمتهایی که شاذروان قرار دارد دست به طرف کعبه دراز کند باید همان مقدار را جبران کند، و به احتیاط مستحب طواف را - پس از جبران آن قسمت و اتمام آن طواف - اعاده کند.

۱. طواف ۱۷۷

۵. هفت بار کعبه را دور زدن

مسئله ۴۳۶: طواف کننده باید هفت بار کعبه را دور بزند و کمتر از آن کفایت نمی کند، و اما بیشتر از آن اگر عمدی باشد طواف باطل است.

۶. موالات

مسئله ۴۳۷: شوطهای طواف باید از نظر عرف متوالی و پی در پی به شمار آید، یعنی بدون فاصله زیاد و پشت سر هم انجام شود، البته در چند مورد موالات شرط نیست که در مسائل آینده خواهد آمد.

مسئله ۴۳۸: اگر بین شوطهای طواف مدت کوتاهی فاصله شود طواف صحیح است، و اگر زیاد شود - مثلاً ده دقیقه یا بیشتر - موالات به هم می خورد و طواف صحیح نیست.

مسئله ۴۳۹: اگر طواف کننده شک کند موالات بین شوطهای طواف به هم خورده یا نه باید طواف را از سر بگیرد.

۷. به اختیار خود طواف کردن

مسئله ۴۴۰: طواف کننده باید به اختیار خود کعبه را دور بزند،

پس اگر هنگام طواف بر اثر فشار جمعیت یا عاملی دیگر بی اختیار حرکت کند کفایت نمی‌کند و باید آن قسمت را به بیانی که در مسأله ۴۲۷ گفته شد جبران کند، ولی تند رفتن بر اثر هل دادن جمعیت ضرری ندارد.

مسأله ۴۴۱: کسی که به علت بیماری یا ناتوانی و مانند آنها خودش نمی‌تواند - حتی با کمک دیگری - طواف کند باید او را طواف دهند، مثلاً او را بر دوش بگیرند یا بر ویلچر بنشانند و طواف دهند، و اگر اینگونه هم نمی‌تواند طواف کند باید نایب بگیرد تا از طرف بیمار طواف کند، و چنانچه به خاطر عارضه‌ای مانند بیهوشی حتی نتواند نایب بگیرد باید ولی او یا شخص دیگری طواف را از طرف وی انجام دهد.

مسأله ۴۴۲: اگر مکلف بتواند تعدادی از شوطهای طواف را انجام دهد و از باقی آن عاجز باشد، اگر آنچه را که خود به جا می‌آورد چهار شوط یا بیشتر است برای باقیمانده آن نایب بگیرد، ولی اگر کمتر از این مقدار است برای تمام هفت شوط باید نایب بگیرد یعنی نایب باید یک طواف کامل برای او انجام دهد.

مسأله ۴۴۳: کسی که خودش طواف به جا می‌آورد می‌تواند به

۱. طواف ۱۷۹

شخص دیگری در طواف کمک کند، مثلاً او را بر دوش گرفته و یا بر ویلچر نشانده و طواف دهد.

محدوده طواف

مسئله ۴۴۴: احتیاط مستحب است کسی که توانایی دارد در محدوده فاصله کعبه با مقام ابراهیم که حدود دوازده متر است طواف کند، و این حد در طرف حجر اسماعیل - پشت دیوار حجر و در نهایت هلالی آن - در حدود سه متر است ولی طواف در فاصله بیشتر نیز جایز است هرچند کراهت دارد مخصوصاً برای کسانی که توانایی طواف در محدوده ذکر شده را دارند.

مسئله ۴۴۵: اگر ارتفاع کف طبقات فوقانی مسجدالحرام بیشتر از بام کعبه باشد طواف روی آنها صحیح نیست.

مسئله ۴۴۶: شخص ناتوان که باید با ویلچر طواف کند اگر او را به صحن مسجدالحرام برای طواف راه ندهند و طبقه دوم مسجدالحرام بالاتر از کعبه باشد باید برای طواف نایب بگیرد، و احتیاط مستحب است خودش نیز در طبقه دوم طواف کند، و چنانچه نداند کدامیک بالاتر است به احتیاط لازم هم خودش در طبقه دوم طواف کند و هم نایب بگیرد.

قطع طواف

مسئله ۴۴۷: رها کردن طواف مستحب جایز است حتی اگر عمداً باشد.

مسئله ۴۴۸: رها کردن طواف واجب برای کاری یا ضرورتی اشکال ندارد، بلکه اگر کار یا ضرورتی نباشد هم قطع آن جایز است.

مسئله ۴۴۹: اگر طواف مستحب را قطع کند، قبل از به هم خوردن موالات می‌تواند از همان جا که رها کرده ادامه دهد و طواف صحیح است خواه پیش از تمام شدن دور چهارم باشد یا بعد از آن.

مسئله ۴۵۰: قطع کردن طواف واجب دو فرض دارد:

۱. اگر پیش از اتمام دور چهارم قطع کند؛ طواف باطل است و باید دوباره انجام دهد.

۲. اگر بعد از اتمام دور چهارم قطع کند؛ این فرض دو صورت دارد:

صورت اول: اگر طواف را بدون دلیل قطع کند؛ بنا بر احتیاط واجب طواف را از همان جا که قطع کرده کامل

کند و دوباره انجام دهد.

صورت دوم: اگر طواف را با دلیل قطع کرده باشد مثلاً به علت بیماری یا کاری برای خود یا یکی از برادران دینی طوافش را قطع کند؛ طواف صحیح است ولی باید از همانجا که قطع کرده طواف را ادامه دهد، و به احتیاط مستحب پس از تکمیل این طواف دوباره آن را انجام دهد.

مسئله ۴۵۱: نشستن و استراحت کردن در بین طواف جایز است و اگر زیاد طول نکشد و موالات به هم نخورد طواف صحیح است، ولی اگر توقف طولانی شود و موالات به هم بخورد طواف باطل است و باید دوباره انجام دهد.

مسئله ۴۵۲: اگر طواف کننده برای رسیدن به وقت فضیلت نماز، یا رسیدن به نماز جماعت، یا خواندن نماز مستحب که وقتش تنگ شده طواف را رها کند جایز است آن را پس از تمام شدن نماز از جایی که قطع کرده به اتمام برساند، خواه قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد یا بعد از آن، یا اینکه طواف واجب باشد یا مستحب، ولی اگر قبل از اتمام شوط چهارم بوده به

احتیاط مستحب پس از اتمام نماز، طواف را اعاده کند.

مسأله ۴۵۳: اگر از روی اشتباه یا فراموشی طواف را کمتر از هفت شوط انجام داده باشد هرچند ناقصی کمتر از یک شوط باشد مسأله دو صورت دارد:

۱. اگر پیش از آنکه موالات به هم بخورد متوجه شود؛

باقیمانده را به جا آورد و طواف صحیح است.

۲. اگر بعد از به هم خوردن موالات متوجه شود؛ در این

صورت اگر مقدار فراموش شده یک یا دو یا سه شوط باشد

باقیمانده شوطها را به جا آورد و طواف صحیح است، و اما

اگر مقدار فراموش شده بیش از سه شوط باشد بنا بر احتیاط

واجب باید باقیمانده را تکمیل کند و طواف را دوباره انجام

دهد.

مسأله ۴۵۴: اگر مکلف طواف را ناقص به جا آورده باشد و

نتواند باقیمانده را خودش به جا آورد - هرچند به این علت باشد

که پس از بازگشت به وطن متوجه نقصان طواف شده - باید

شخص دیگری را نایب خود قرار دهد تا باقیمانده طواف را

بجای آورد.

نیابت در طواف

مسئله ۴۵۵: کسی که طواف یا نماز آن را به نیابت از شخص دیگری انجام می دهد لازم نیست مُحَرَّم باشد، پس در عمره تمتع نیز محرم در صورتی که وظیفه او نایب گرفتن در طواف یا نماز طواف باشد می تواند به کسی که محرم نیست نیابت دهد تا طواف و نماز را به نیابت از او انجام دهد.

مسئله ۴۵۶: لازم نیست نایب در طواف و نماز آن یک نفر باشد بلکه جایز است نیابت طواف را به یک شخص و نیابت نماز طواف را به شخص دیگری بدهد.

افزودن بر طواف

مسئله ۴۵۷: اگر طواف را عمداً بیشتر از هفت شوط انجام دهد باطل است.

مسئله ۴۵۸: اگر سهواً طواف را بیشتر از هفت شوط انجام دهد مسئله دو صورت دارد:

۱. اگر بعد از نیمه شوط هشتم (بعد از رسیدن به رکن عراقی) متوجه زیاده شود؛ مقدار افزوده را تا یک طواف

کامل به اتمام برساند و بنا بر احتیاط واجب هفت دور دوم را به قصد قربت - بدون نیت واجب یا مستحب - به اتمام برساند و بعد از آن چهار رکعت نماز طواف بخواند، و احتیاط مستحب است دو رکعت نماز طواف واجب را قبل از سعی و دو رکعت دیگر را پس از سعی به جا آورد.

۲. اگر قبل از نیمه شوط هشتم (یعنی پیش از رسیدن به رکن عراقی) متوجه زیاده شود؛ بنا بر احتیاط واجب به همان وظیفه‌ای که در صورت قبل گفته شد عمل کند.

مسئله ۴۵۹: اگر طواف کننده تصور کند اضافه کردن یک شوط به طواف مستحب است و با همین تصور یک شوط اضافه به جا آورد طواف باطل نیست.

شک در تعداد دورهای طواف

مسئله ۴۶۰: اگر هنگام طواف واجب در تعداد شوطهای طواف شک کند چنانچه کمتر از عدد هفت باشد مثل آنکه شک دارد سه دور انجام داده یا چهار دور، یا شک دارد الان در دور چهارم طواف است یا دور پنجم طواف باطل است، خواه شک در وسط شوط پیش آید یا در پایان آن.

۱. طواف ۱۸۵

مسئله ۴۶۱: اگر در پایان شوط شک کند که شش شوط انجام داده یا هفت شوط بنا بر احتیاط واجب طواف باطل است، و اگر احتمال نقصان و زیادی شوطها را با هم بدهد مثل اینکه شک دارد آخرین دوری که انجام داده دور ششم بود یا هفتم یا هشتم، در این صورت نیز بنا بر احتیاط واجب طواف باطل است.

مسئله ۴۶۲: در طواف مستحب اگر شک در تعداد دورهای طواف پیش آید همیشه بنا را بر کمتر بگذارد، مثلاً اگر شک کند پنج شوط انجام داده یا شش شوط بنا را بر پنج بگذارد و طواف صحیح است.

مسئله ۴۶۳: در موارد زیر به شک اعتنا نمی‌شود و طواف صحیح است:

۱. پس از اتمام طواف در تعداد دورها شک کند.
۲. پس از اتمام طواف در صحت آن شک کند، مثلاً شک کند آیا بخشی از طواف را بی اختیار رفته یا نه، یا اینکه شک کند در حال طواف وضویش باطل شد یا نه.
۳. پس از طواف یقین دارد هفت شوط طواف را انجام داده ولی احتمال دهد شوط اضافی نیز انجام داده است.

وظیفه کثیر الشک

مسأله ۴۶۴: کسی که در تعداد دورهای طواف زیاد شک می‌کند به گونه‌ای که از حد متعارف خارج است کثیر الشک نام دارد و چنین کسی نباید به شک خود اعتنا کند.

گمان در تعداد دورهای طواف

مسأله ۴۶۵: ظن و گمان در تعداد دورهای طواف حکم شک را دارد.

اعتماد به دیگران در شمارش دورهای طواف

مسأله ۴۶۶: طواف کننده می‌تواند به شمارش کسی که همراه او طواف می‌کند اعتماد کند، البته این حکم در صورتی است که آن شخص شک نداشته باشد و تعداد دورهای طواف را بداند.

ترک طواف

مسأله ۴۶۷: اگر مکلف طواف عمره تمتع را عمداً به جا نیاورد و نتوانست طواف و بقیه اعمال عمره را تا قبل از ظهر روز عرفه انجام دهد عمره‌اش باطل می‌شود خواه مسأله را می‌دانسته یا

۱. طواف ۱۸۷

نمی دانسته، و در صورتی که حکم شرعی را نمی دانست بنا بر احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد.

مسئله ۴۶۸: اگر بر اثر فراموشی طواف را ترک کرد، مسئله دو صورت دارد:

۱. اگر قبل از گذشتن وقت یادش بیاید؛ باید طواف را انجام دهد و سعی را نیز اعاده کند.

۲. اگر بعد از وقت یادش بیاید مثلاً در عمره تمتع تا پیش از وقوف در عرفات یادش نیامد؛ باید قضای طواف را به جا آورد و بنا بر احتیاط واجب نماز طواف را هم بخواند و به احتیاط مستحب سعی را نیز اعاده کند.

باطل شدن طواف

مسئله ۴۶۹: اگر به سبب ندانستن حکم شرعی متوجه شود طوافش باطل بوده، احکام آن به شرح زیر است:

۱. اگر بعد از اعمال عمره تمتع متوجه شود؛ باید طواف و نماز طواف و سعی و تقصیر را اعاده کند، و اگر فرصت اعاده اعمال نباشد عمره او باطل است و بنا بر احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد.

۲. اگر هنگام وقوف در عرفات متوجه شود؛ عمره تمتع او باطل است و بنا بر احتیاط واجب یک شتر کفاره بدهد.

۳. اگر بعد از اعمال حج متوجه شود طواف حجش باطل بوده؛ پیش از آنکه ماه ذی الحجه تمام شود طواف و نماز طواف و سعی را اعاده کند.

۴. اگر پس از بازگشت به وطن (قبل از اتمام ماه ذی الحجه) متوجه شود طواف حجش باطل بوده؛ طواف و نماز طواف و سعی را اعاده کند، و اگر نتواند برگردد نایب بگیرد.

۵. اگر پس از اتمام ماه ذی الحجه متوجه شود طواف حجش باطل بوده؛ حج او باطل است و یک شتر کفاره بدهد.

مسأله ۴۷۰: کسی که طواف را فراموش کند و زمانی به یادش آید که خودش نمی تواند قضای آن را به جا آورد مانند اینکه پس از برگشتن به وطن یادش بیاید باید برای بجای آوردن طواف نایب بگیرد.

طواف مستحب

مسئله ۴۷۱: بجای آوردن طواف در هر وقت به خودی خود مستحب است، بلکه به جا آوردن فقط یک شوط یا بیشتر برای خود یا به نیابت از دیگری اشکال ندارد و مستحب است.

مسئله ۴۷۲: به جا آوردن طوافِ مستحب پس از احرام عمره و پیش از طواف واجب عمره اشکال ندارد.

مسئله ۴۷۳: به جا آوردن طواف مستحب پیش از طوافِ حج اشکال ندارد.

مسئله ۴۷۴: بنا بر احتیاط واجب بعد از احرام حج، پیش از وقوف در عرفات نباید طواف مستحب به جا آورد، هرچند اعمال مکه (طواف، نماز طواف، سعی، طواف نساء و نماز آن) را قبل از وقوف در عرفات به جا آورده باشد.

مسئله ۴۷۵: بنا بر احتیاط واجب بعد از طواف و نماز طواف عمره و پیش از سعی نباید طواف مستحب به جا آورد.

مستحبات طواف

مسئله ۴۷۶: در حال طواف مستحب است بگوید:

«اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِیْ یُمِشِّیْ بِهٖ عَلٰی طَلَلِ الْمَاءِ کَمَا

يُمَشَى بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَزُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ حَبَّةَ مِنْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَثَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي (كذا وكذا)» و به جای آن هر دعایی که دوست دارد بخواند و هر حاجتی دارد از خداوند بخواهد.

- وقتی که مقابل در کعبه رسید بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد.

- در فاصله بین رکن یمانی و حجر الأسود بگوید: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

- و همچنین هنگام طواف، مستحب است بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي».

و از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده که فرموده است: هنگامی که علی بن الحسین علیه السلام به حجر اسماعیل می رسید قبل از اینکه به ناودان برسد سر خود را به طرف بالا می برد، پس

در حالی که به ناودان نگاه می کرد می فرمود:

«اللَّهُمَّ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَجِرْنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَعَافِنِي مِنَ السَّقَمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْحَيْنِ وَالْآخِرِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

و در روایت صحیح از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است که پس از گذشتن از حجر اسماعیل و رسیدن به پشت کعبه فرمود:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»

و از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است وقتی به محاذات رکن یمانی رسید ایستاد و دو دست مبارک خود را بلند کرد و فرمود:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمُ بِالْعَافِيَةِ وَالْمَتَّانُ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَدَوَامَ الْعَافِيَةِ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

و از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: اگر از طواف فارغ شدی و به پشت کعبه - محاذات مستجار - رسیدی

دستهای خود را بر خانه خدا قرار بده و بدن و گونه خود را به آن
بچسبان و بگو:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ
الْثَّارِ».

پس به آنچه از تو سر زده برای پروردگارت اقرار کن، زیرا در این
مکان هیچ بنده مؤمنی برای پروردگارش به گناهان خود اقرار
نکند جز اینکه خداوند او را ببخشد ان شاء الله تعالی.
و می گوئی:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي
ضَعِيفٌ فُضِّعَ لِي، وَاعْفُ لِي مَا أَظْلَعْتَ عَلَيْهِ مَنِّي، وَخَفِيَ عَلَيَّ
خَلْقِكَ».

سپس به خدا پناه ببر از آتش، و آنچه می خواهی دعا کن، پس
استلام کن رکن یمانی را، سپس به طرف حجر الأسود حرکت
کن.

و در روایت دیگری از آن حضرت علیه السلام نقل شده است که فرمود:
سپس استقبال کن رکن یمانی را و رکنی که حجر الأسود در آن
است، و به همانجا ختم کن، و بگو:

«اللَّهُمَّ فَتَّنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِي مَا آتَيْتَنِي».

۲. نماز طواف ۱۹۳

و مستحب است برای طواف کننده استلام کند همه ارکان را در هر شوطی، و همچنین مستحب است در وقت استلام حجر الاسود بگوید:

«أَمَانَتِي أَدِّيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِيَتَشَهَّدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ».

۲. نماز طواف

مسأله ۴۷۷: سومین عمل از اعمال واجب عمره تمتع نماز طواف است.

کیفیت نماز طواف

مسأله ۴۷۸: نماز طواف مانند نماز صبح دو رکعت است ولی در موارد زیر تفاوت دارد:

۱. این نماز باید به نیت نماز طواف خوانده شود.
۲. گفتن اذان و اقامه پیش از آن مستحب نیست.
۳. مردان می توانند حمد و سوره نماز طواف را آهسته یا بلند بخوانند.

مسأله ۴۷۹: خواندن نماز طواف به جماعت صحیح نیست.

فاصله بین طواف و نماز طواف

مسئله ۴۸۰: نماز طواف باید پس از طواف به جا آورده شود، و بنا بر احتیاط واجب باید فوراً آن را انجام دهد به طوری که از نظر عرف بین طواف و نماز فاصله نیفتد.

مسئله ۴۸۱: فاصله کوتاه - مثلاً تا ده دقیقه - بین طواف و نماز اشکال ندارد.

مسئله ۴۸۲: اگر حاجی بین طواف و نماز طواف فاصله بیندازد عمره و حج باطل نمی شود، بلکه اگر عمداً یا از روی جهل تقصیری فاصله انداخته باشد بنا بر احتیاط واجب باید طواف و نماز را اعاده کند.

مسئله ۴۸۳: اگر بر اثر فراموشی یا ندانستن حکم شرعی بین طواف و نماز آن فاصله بیندازد، چنانچه مقصر نباشد طواف و نماز صحیح است.

مسئله ۴۸۴: اگر حاجی به سبب عذری مانند تجدید طهارت یا شرکت در نماز جماعت، بین طواف و نماز آن فاصله بیندازد اشکال ندارد.

مکان نماز طواف

مسأله ۴۸۵: نماز طواف واجب باید پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام خوانده شود، یعنی نمازگزار در سمت راست یا چپ یا جلوتر از مقام نباشد.

مسأله ۴۸۶: اگر بخاطر ازدحام جمعیت انسان نتواند نماز طواف را پشت مقام ابراهیم علیه السلام و نزدیک آن به جا آورد بنا بر احتیاط واجب باید دو نماز طواف بخواند یک نماز نزدیک مقام در طرف راست یا چپ آن و نماز دیگر در پشت مقام در فاصله دور.

و اگر نتوانست در هر دو جا نماز بخواند هر کدام که ممکن است انجام دهد.

و اگر هیچ کدام ممکن نیست یعنی نه می تواند نزدیک مقام در دو سمت آن نماز بخواند و نه در فاصله دور پشت مقام، در این صورت در هر جای مسجد که توانست نماز بخواند، ولی به احتیاط مستحب تلاش کند نزدیکتر به مقام نماز بخواند، و چنانچه بعداً توانست در نزدیکی مقام ابراهیم و پشت مقام نماز بخواند به احتیاط مستحب یک بار دیگر نماز را در آنجا بخواند.

مسأله ۴۸۷: نماز طوافِ مستحب را هر جای مسجدالحرام بخواند کفایت می‌کند.

نماز خواندن زنان و مردان در کنار یکدیگر

مسأله ۴۸۸: مسأله برابر نبودن زن و مرد در نماز و مقدم نبودن زن بر مرد، در صورتی که در مکه مکرمه ازدحام باشد جاری نیست، یعنی در وقت ازدحام اگر زن و مرد در کنار یکدیگر نماز بخوانند صحیح است هرچند نماز طواف باشد.

ترک نماز طواف

مسأله ۴۸۹: اگر مکلف، نماز طواف را با آگاهی از واجب بودن آن عمداً ترک کند حش باطل است.

مسأله ۴۹۰: اگر نماز طواف را فراموش کند یا بر اثر ندانستن حکم شرعی به جا نیاورد، مسأله چند صورت دارد:

۱. اگر در حال سعی بین صفا و مروه یادش بیاید؛ باید سعی را رها کند و نماز طواف را پشت مقام ابراهیم بخواند سپس برگردد و سعی را از جایی که رها کرده ادامه دهد و به پایان برساند.

۲. نماز طواف ۱۹۷

۲. اگر بعد از سعی و پیش از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید؛ باید نماز طواف را به جا آورد و اعاده اعمال بعدی واجب نیست، هر چند احتیاط مستحب است.

۳. اگر پس از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید؛ چنانچه زحمت زیاد و مشقت نداشته باشد باید برگردد و نماز طواف را بخواند، و اگر زحمت زیاد و مشقت داشته باشد در همان جا که هست نماز را بخواند و لازم نیست به منطقه حرم وارد شود، هر چند قدرت این کار را داشته باشد.

نماز خواندن با بدن و لباس نجس

مسئله ۴۹۱: اگر نمازگزار نمی دانست بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز متوجه شود در دو صورت نمازش صحیح است:

۱. قبل از نماز مطمئن بود بدن و لباسش پاک است.
۲. قبل از نماز شک داشت و جستجو کرد ولی به نتیجه ای نرسید.

مسئله ۴۹۲: اگر نمازگزار پیش از نماز شک داشته بدن یا

لباسش نجس است ولی جستجو نکرده و نماز را خواند و پس از نماز فهمید نجس بود، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند.

مسئله ۴۹۳: اگر نجس بودن بدن یا لباس را فراموش کرد و پس از نماز یادش بیاید نمازش صحیح است و لازم نیست آن را دوباره بخواند، مگر آنکه فراموشی او بر اثر سهل انگاری خودش باشد که در این صورت بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند.

وظیفه کسی که قرائتش صحیح نیست

مسئله ۴۹۴: کسی که قرائت نمازش صحیح نیست اگر بتواند باید آن را تصحیح کند، و اگر نتواند تصحیح کند وظیفه اش نسبت به سوره حمد بدین شرح است:

۱. اگر بتواند مقدار زیادی از قرائت را به طور صحیح

بخواند؛ خواندن نماز با این کیفیت برای او کفایت می کند.

۲. اگر مقدار زیادی از قرائت را نمی تواند به طور صحیح

بخواند؛ بنا بر احتیاط واجب همان را که می تواند بخواند و

مقدار دیگری از آیات قرآن را که به طور صحیح بلد است بخواند، و اگر چیز دیگری از قرآن را به طور صحیح بلد نیست تسبیح بگوید، و اگر سوره دیگری غیر از حمد را بلد نیست و نتواند یاد بگیرد خواندن سوره بر او واجب نیست.

مسئله ۴۹۵: کسی که در یاد گرفتن قرائت نماز کوتاهی کرده و مقصر است به احتیاط مستحب نماز را به طوری که در مسئله قبل گفته شد بخواند و به جماعت هم به جا آورد و نایب هم بگیرد تا از طرف او نماز طواف را بخواند.

مسئله ۴۹۶: اگر نمی دانسته قرائتش صحیح نیست و بعد از نماز متوجه شود، چنانچه معذور باشد نمازی که خوانده صحیح است و لازم نیست دوباره بخواند، ولی اگر معذور نبوده باید پس از یاد گرفتن قرائت صحیح نماز را دوباره بخواند، و حکم کسی که نماز طواف را فراموش کرده شاملش می شود که در مسئله ۴۹۰ گذشت.

مسئله ۴۹۷: اگر حاجی خودش نتواند نماز طواف را بخواند باید نایب بگیرد تا از طرف او بخواند، و اگر توانایی نایب گرفتن هم ندارد - مانند بیهوش - باید سرپرست او یا شخص دیگری از طرف او نماز را بخواند.

مستحبات نماز طواف

مسأله ۴۹۸: در نماز طواف، مستحب است در رکعت اول پس از حمد سوره توحید، و در رکعت دوم پس از حمد سوره کافرون را بخواند.

مسأله ۴۹۹: مستحب است پس از نماز، حمد و ثنای الهی را بجای آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد، و از خداوند بخواهد نماز او را قبول کند.

مسأله ۵۰۰: از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت پس از نماز طواف به سجده رفته و چنین فرمود:

«سَجَدَ وَجْهِي لَكَ تَعَبُداً وَرِقاً، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقّاً حَقّاً، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَذَا إِذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، وَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ، فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».

مسأله ۵۰۱: مستحب است بعد از نماز طواف و پیش از سعی، هنگام رفتن به صفا از آب زمزم بیاشامد و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً، وَرِزْقاً وَاسِعاً، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ».

۳. سعی بین صفا و مروه..... ۲۰۱

۳. سعی بین صفا و مروه

مسئله ۵۰۲: چهارمین عمل از اعمال واجب عمره تمتع سعی بین صفا و مروه است.

مسئله ۵۰۳: سعی بین صفا و مروه نیز مثل سایر اعمال عمره باید با نیت و قصد قربت و اخلاص به جا آورده شود، ولی طهارت از حَدَث (با وضو بودن) و خَبَث (پاک بودن بدن و لباس) شرط نیست، هرچند بهتر است سعی کننده طاهر باشد.

مسئله ۵۰۴: شرایطی که برای لباس طواف کننده گفته شده در سعی معتبر نیست.

زمان سعی

مسئله ۵۰۵: سعی باید بعد از طواف و نماز آن به جا آورده شود، پس اگر سعی را پیش از طواف یا نماز طواف به جا آورد باید آن را دوباره انجام دهد.

مسئله ۵۰۶: اگر بر اثر فراموشی سعی را پیش از طواف یا نماز طواف به جا آورد باید مطابق وظیفه‌ای که در مسئله ۴۶۸ و ۴۹۰ گفته شد عمل کند.

فاصله بین نماز طواف و سعی

مسئله ۵۰۷: احتیاط مستحب است سعی بعد از نماز طواف فوراً به جا آورده شود و تأخیر انداختن آن تا شب اشکال ندارد هرچند بدون دلیل باشد، ولی تأخیر سعی تا فردای روز طواف بدون عذر جایز نیست.

مسئله ۵۰۸: اگر بدون عذر سعی را تا فردا تأخیر بیندازد بنا بر احتیاط واجب باید طواف و نماز طواف را اعاده کند.

کیفیت سعی

مسئله ۵۰۹: سعی هفت شوط دارد و شوط اول از صفا شروع می شود و شوط آخر (هفتم) به مروه ختم می شود، یعنی وقتی که از صفا به مروه می رود شوط اول و وقتی که از مروه به صفا بر می گردد شوط دوم به شمار می آید و همین طور تا شوط هفتم ادامه دهد.

مسئله ۵۱۰: در هر شوط از سعی باید تمام فاصله بین صفا و مروه پیموده شود، ولی رفتن روی صخره باقیمانده از کوه واجب نیست.

۳. سعی بین صفا و مروه..... ۲۰۳

مسئله ۵۱۱: اگر شوط اول سعی را از مروه شروع کرد - هرچند سهواً باشد - باید آن را رها کند و مجدداً از صفا شروع کند.

مسئله ۵۱۲: لازم نیست پیاده سعی کند بلکه جایز است سواره - مثلاً بر ویلچر - انجام دهد، البته این حکم در صورتی است که ویلچر را خودش حرکت دهد نه آنکه شخص دیگری آن را هل دهد، ولی پیاده افضل است.

مسئله ۵۱۳: سعی بین صفا و مروه باید از راه متعارف موجود بین آن دو انجام شود، پس اگر در رفت یا برگشت از داخل مسجد الحرام یا بیرون مَسْعَى^(۱) برود کفایت نمی‌کند ولی لازم نیست مسیر حرکت خط مستقیم باشد.

مسئله ۵۱۴: وقتی که از صفا به مروه می‌رود باید رو به مروه باشد و وقتی که از مروه به صفا بر می‌گردد باید رو به صفا باشد، پس اگر عقب عقب حرکت کند کفایت نمی‌کند، ولی اگر صورت را به طرف راست یا چپ یا پشت سر برگرداند اشکالی ندارد چه هنگام رفتن باشد یا برگشتن.

۱. مَسْعَى: محل سعی، فاصله بین کوه صفا و کوه مروه است.

سعی در مسعای جدید

مسئله ۵۱۵: سعی در قسمت افزوده شده بر مسعی چنانچه برای حاجی ثابت شود که بین صفا و مروه است اشکال ندارد، و در غیر این صورت چنانچه ناچار باشد هر شوط را از کوه صفا شروع کند و به کوه مروه ختم کند هرچند در وسط راه به مسعای جدید برود اشکال ندارد، ولی در حال اختیار بنا بر احتیاط واجب کفایت نمی‌کند.

مسئله ۵۱۶: سعی در طبقه زیر زمین که زیر محدوده بین صفا و مروه قرار دارد اشکال ندارد، ولی سعی زیر قسمت جدید حکم مسئله قبل را دارد.

مسئله ۵۱۷: سعی در طبقات فوقانی که بین دو کوه صفا و مروه نیست بلکه بالاتر از آن است کفایت نمی‌کند.

موالات در سعی

مسئله ۵۱۸: بنا بر احتیاط واجب سعی را باید طوری انجام دهد که عرفاً آن را پی در پی و یک عمل بدانند همانطوری که در طواف گفته شد، بلکه برای استراحت می‌توان روی صفا یا مروه یا

۳. سعی بین صفا و مروه..... ۲۰۵

در بین راه توقف کرد، هرچند احتیاط مستحب است در بین سعی ننشیند مگر آنکه خسته شده باشد.

نیابت در سعی

مسئله ۵۱۹: کسی که نتواند خودش سعی را در وقت آن انجام دهد - حتی با کمک دیگری - واجب است از شخص دیگری بخواهد تا او را سعی دهد، یعنی او را بر دوش گرفته یا با ویلچر و امثال آن سعی دهد، و اگر نتوانست باید نایب بگیرد تا از طرف او سعی را انجام دهد، و اگر نتواند نایب هم بگیرد مثلاً بیهوش باشد ولی او یا شخص دیگری از طرف او سعی را انجام دهد و صحیح است.

مسئله ۵۲۰: کسی که بخشی از سعی را می تواند به جا آورد ولی از بقیه آن عاجز است یا قسمتی از آن را به جا آورده و از ادامه آن ناتوان شده نیابت گرفتن برای ادامه سعی صحیح نیست، بلکه نایب باید سعی را از اول و به طور کامل انجام دهد.

مسئله ۵۲۱: شخصی که به کمک دیگری سعی به جا می آورد اگر در بین سعی به خواب رود باطل است.

قطع سعی

مسئله ۵۲۲: رها کردن سعی برای درک فضیلت نماز واجب و رسیدن به نماز جماعت و ادامه دادن آن پس از نماز از همان جایی که رها کرده اشکال ندارد.

مسئله ۵۲۳: رها کردن سعی به هر دلیلی جایز است، ولی اگر موالات به هم بخورد بنا بر احتیاط واجب باید آن را تمام کند و سپس دوباره انجام دهد.

مسئله ۵۲۴: اگر سعی را رها کند و بدون از بین رفتن موالات از اول شروع کند سعی دوم نیز اشکال دارد مگر آنکه جاهل قاصر باشد.

مسئله ۵۲۵: اگر سعی را رها کند و از آن صرف نظر کند و پس از به هم خوردن موالات دوباره از اول به جا آورد صحیح است.

اعاده سعی

مسئله ۵۲۶: اگر کسی متوجه شود طوافش باطل است چنانچه بر اثر فراموش کردن شرطی از شرایط طواف بوده اعاده سعی بعد از طواف واجب نیست، ولی اگر به علت نا آگاهی از حکم

۳. سعی بین صفا و مروه ۲۰۷

شرعی باشد باید پس از طواف سعی را اعاده کند.

مسئله ۵۲۷: اگر بعد از سعی متوجه شود با وضوی باطل طواف و نماز را به جا آورده است باید پس از اعاده طواف و نماز سعی را نیز اعاده کند.

ترک سعی

مسئله ۵۲۸: سعی از ارکان عمره و حج است و حکم ترک آن بدین شرح است:

۱. اگر عمداً سعی را تا قبل از ظهر روز عرفه انجام ندهد؛ حجبش باطل است خواه بداند سعی واجب است یا نداند، یا بداند سعی چه عملی است یا نداند، و یا محل سعی را بداند یا نداند.

۲. اگر به جهت فراموشی سعی را به جا نیاورد؛ هرگاه یادش آمد باید سعی کند هرچند بعد از پایان اعمال حج باشد، و اگر خودش نتواند انجام دهد و یا موجب سختی و زحمت زیاد باشد باید نایب بگیرد و حج او در هر دو صورت صحیح است چه خودش سعی را انجام دهد یا نایبش.

باطل شدن سعی

مسئله ۵۲۹: اگر حاجی پس از یک یا چند روز متوجه شود سعی باطل بوده باید آن را اعاده کند و در این صورت اعاده طواف و نماز طواف واجب نیست.

مسئله ۵۳۰: اگر بعد از تقصیر متوجه شد سعی باطل بوده باید سعی و تقصیر را اعاده کند و تا اعمال عمره تمام نشده از محرمات احرام پرهیز کند.

مسئله ۵۳۱: اگر پس از ماه ذی الحجه متوجه شود سعی عمره تمتع یا حج باطل بود حجش باطل است.

مسئله ۵۳۲: اگر بعد از محرم شدن به احرام حج متوجه شود سعی عمره تمتع باطل بود احرام حج نیز باطل است و باید سعی و تقصیر را اعاده کند.

افزودن بر سعی

مسئله ۵۳۳: تعداد شوطهای سعی هفت شوط است و حکم اضافه شدن آن بدین شرح است:

۱. اگر عمداً و با آگاهی از حکم شرعی به شوطهای سعی

۳. سعی بین صفا و مروه..... ۲۰۹

اضافه کند؛ سعی باطل است.

۲. اگر بدون آگاهی از حکم شرعی اضافه کند؛ در این صورت اگر در جهلش معذور باشد سعی باطل نیست ولی احتیاط مستحب است دوباره انجام دهد، ولی اگر در جهلش معذور نباشد بنا بر احتیاط واجب سعی اش باطل است.

۳. اگر سهواً اضافه کند؛ سعی باطل نیست ولی چنانچه مقدار اضافه یک شوط یا بیشتر باشد مثلاً در شوط نهم یا بعد از آن متوجه شود اضافه به جا آورده مستحب است آن را تا هفت شوط دوم کامل کند، بنابراین سعی دوم با رسیدن به صفا تمام می شود.

کاستن از سعی

مسأله ۵۳۴: اگر سعی را کمتر از هفت شوط انجام دهد حکم آن بدین شرح است:

۱. اگر عمداً کمتر انجام دهد خواه با آگاهی از حکم شرعی باشد یا بدون آگاهی؛ حکم ترک عمدی سعی را دارد که در مسأله ۵۲۸ گذشت.

۲. اگر سهواً کمتر از هفت شوط انجام دهد؛ هرگاه یادش آمد باید کمبود را جبران کند خواه یک شوط باشد یا بیشتر، و اما اگر بعد از گذشت وقت یادش بیاید مثل اینکه کمبود سعی عمره تمتع را هنگام وقوف در عرفات یادش بیاید یا کمبود سعی حج را بعد از گذشت ماه ذی الحجه یادش بیاید بنا بر احتیاط واجب کمبود را جبران و سعی را دوباره انجام دهد، و چنانچه خودش نتواند یا مشقت و زحمت زیاد داشته باشد باید نایب بگیرد.

مسئله ۵۳۵: اگر بر اثر فراموشی، سعی عمره تمتع را کمتر از هفت شوط انجام دهد و به خیال اینکه سعی را به طور کامل انجام داده از احرام خارج شود بنا بر احتیاط واجب باید یک گاو کفاره بدهد و سعی را به ترتیبی که در مسئله قبل گفته شد جبران کند.

شکایات سعی

مسئله ۵۳۶: شک در تعداد شوطهای سعی حکم شک در تعداد شوطهای طواف را دارد و سعی را باطل می‌کند.

۳. سعی بین صفا و مروه..... ۲۱۱

مسئله ۵۳۷: اگر در تعداد شوطهای سعی شک کرد یا پس از اتمام سعی و گذشتن از محل در صحت سعی شک کرد اعتنا نکند و سعی صحیح است، مثلاً اگر در عمره تمتع پس از تقصیر یا در اعمال حج پس از شروع طواف نساء چنین شکی پیش آید به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۵۳۸: اگر بعد از اتمام سعی احتمال دهد شوط اضافه انجام داده است بنا را بر صحت بگذارد، و اگر احتمال کم بودن آن را بدهد چنانچه موالات به هم نخورده باشد سعی باطل است، و اگر بعد از به هم خوردن موالات چنین احتمالی را بدهد بنا بر احتیاط واجب سعی باطل است.

مسئله ۵۳۹: اگر در انتهای شوط شک به زیادی شوط بدهد یعنی پس از آنکه به مروه برسد شک کند این شوط هفتم بود یا نهم به شک خود اعتنا نکند و سعی صحیح است، و اما اگر همین شک را قبل از رسیدن به مروه بکند سعی او باطل است و باید اعاده کند.

مسئله ۵۴۰: اگر در صحت سعی یا در تعداد شوطهای سعی شک کند و با حالت تردید سعی را ادامه دهد و سپس یقین به

۲۱۲ مناسک حج

صحت آن پیدا کند یعنی متوجه شود درست انجام داده سعی صحیح است.

گمان در سعی

مسأله ۵۴۱: گمان در سعی اگر به حد اطمینان نرسد حکم شک را دارد.

کثیر الشک در سعی

مسأله ۵۴۲: کسی که در سعی زیاد شک می کند و از حد متعارف خارج است نباید به شک خود اعتنا کند.

مستحبات سعی

مسأله ۵۴۳: در سعی بین صفا و مروه امور زیر مستحب است:

۱. با آرامش و وقار به طرف صفا برود.
۲. وقتی که به صفا رسید، رو به رکن حجر الاسود بایستد و به کعبه نگاه کند و حمد و ثنای خدا را به جا آورد و نعمتهای الهی را به یاد آورد، سپس این اذکار را بگوید:
«اللَّهُ أَكْبَرُ»؛ هفت مرتبه

۳. سعی بین صفا و مروه..... ۲۱۳

«الحمد لله»؛ هفت مرتبه

«لا إله إلا الله»؛ هفت مرتبه

«لا إله إلا الله وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ هفت مرتبه

سپس بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد و بعد از آن سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ».

سپس سه مرتبه بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا
نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

سپس سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

سپس سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ
النَّارِ».

بعد صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، و صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید.

سپس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ اَللّٰهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

سپس اهل و عیال و دینش را به خدا بسپارد و بگوید:

«أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي، اَللّٰهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَأَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

سپس سه مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید.

سپس آن را دو بار به جا آورد، سپس یک بار تکبیر بگوید، و بعد آن را دوباره به جا آورد، و اگر همه آن را نتواند لااقل مقداری را که می تواند انجام دهد.

و از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده است: آن حضرت وقتی

۳. سعی بین صفا و مروه..... ۲۱۵

بالای صفا قرار گرفت روی خود را به طرف کعبه کرد و دو دست مبارک خود را بلند کرد و فرمود:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطَّ فَإِنْ عُذْتُ فَعُدْ عَلَيَّ
بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ
أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي وَإِنْ تُعَذِّبْنِي
فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ فَيَا مَنْ أَنَا
مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ
إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَلَنْ تَظْلِمَنِي أَصَبَحْتُ أَتَّقِي
عَذْلَكَ وَلَا أَخَافُ جَوْرَكَ فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي».

۳. در حال سعی بگرید یا کوشش کند خود را به گریه
بیندازد.

۴. در حال سعی بسیار به درگاه الهی دعا کند و اظهار نیاز به
پیشگاه او نماید.

مسئله ۵۴۴: مستحب است در حال سعی با آرامش و وقار راه
برود و فاصله دو خط سبز رنگ که با چراغ سبز مشخص شده
هروله کند.

مسئله ۵۴۵: هروله کردن برای زنان در قسمتی که در مسئله قبل

گفته شد مستحب نیست.

مسأله ۵۴۶: اموری که بر کوه صفا به جا آورده مستحب است بر کوه مروه نیز به جا آورد.

۴. تقصیر

مسأله ۵۴۷: پنجمین و آخرین عمل از اعمال واجب عمره تمتع تقصیر است، یعنی چیدن مقداری از موی سر یا ریش یا شارب (سیل).

مسأله ۵۴۸: بنا بر احتیاط واجب در تقصیر به چیدن ناخن اکتفا نشود، و پیش از چیدن مو ناخنها را نچیند.

مسأله ۵۴۹: کندن مو برای تقصیر کفایت نمی‌کند.

مسأله ۵۵۰: تراشیدن موی سر برای تقصیر در عمره تمتع کفایت نمی‌کند بلکه تراشیدن آن حرام است، و اگر عمداً بتراشد یک گوسفند کفاره بدهد، بلکه اگر عمدی هم نباشد به احتیاط مستحب یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۵۵۱: زمان تقصیر پس از اتمام سعی است و قبل از آن جایز نیست.

مسئله ۵۵۲: واجب نیست فوراً بعد از سعی تقصیر کند و تأخیر آن اشکال ندارد، اما تا زمانی که تقصیر نکرده از احرام خارج نمی‌شود و کارهایی که بر مُحرم حرام است بر او نیز حرام است.

مکان تقصیر

مسئله ۵۵۳: تقصیر مکان معینی ندارد و هر جایی می‌توان آن را انجام داد چه در محل سعی یا در منزل یا غیر آنها.

ترک تقصیر

مسئله ۵۵۴: اگر در عمره تمتع تقصیر را ترک کند حکم آن بدین شرح است:

۱. اگر عمداً تقصیر نکند و به احرام حج محرم شود؛ عمره‌اش باطل می‌شود و حج او نیز به حج افراد تبدیل می‌شود، بنابراین پس از انجام دادن حج افراد اگر توانست باید عمره مفرده انجام دهد و به احتیاط مستحب سال بعد حج را اعاده کند.

۲. اگر تقصیر را فراموش کند و پس از آنکه محرم به احرام حج شد یادش بیاید؛ عمره‌اش صحیح است و احرام حج نیز

صحیح است، ولی به احتیاط مستحب یک گوسفند کفاره بدهد.

تقصیر برای دیگران

مسئله ۵۵۵: کسی که خودش تقصیر نکرده جایز نیست برای دیگری تقصیر کند یعنی موی او را بچیند، و برای آن شخص نیز این تقصیر کفایت نمی‌کند.

تقصیر قبل از سعی

مسئله ۵۵۶: اگر محرم در عمره تمتع پیش از سعی تقصیر کند حکم آن بدین شرح است:

۱. اگر از روی عمد و آگاهی یا از روی نا آگاهی از حکم شرعی باشد؛ باید سعی را به جا آورد و تقصیر را اعاده کند، و اگر موی خود را نکرده باشد بلکه چیده باشد کفاره ندارد هر چند گناه کرده است.

۲. اگر از روی فراموشی باشد؛ باید سعی را به جا آورد و بنا بر احتیاط واجب تقصیر را اعاده کند، و احتیاط واجب آن است که یک گاو کفاره بدهد.

خروج از احرام عمره تمتع

مسئله ۵۵۷: پس از کوتاه کردن مو در عمره تمتع تمام چیزهایی که به سبب احرام، حرام شده بود حلال می شود حتی تراشیدن سر، گرچه احتیاط مستحب است سر را نتراشد، و اگر عمداً و با آگاهی از حکم شرعی سر را تراشید به احتیاط مستحب یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۵۵۸: در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست ولی به جا آوردن آن به قصد رجاء اشکال ندارد.

از تقصیر عمره تمتع تا احرام حج

مسئله ۵۵۹: بعد از پایان یافتن اعمال عمره تمتع بنا بر احتیاط واجب نباید حاجی از شهر مکه بیرون رود مگر برای حج، ولی اگر برای حاجتی هرچند غیر ضروری باشد و ترس نرسیدن به اعمال حج را نداشته باشد می تواند بدون احرام از مکه بیرون رود.

مسئله ۵۶۰: بیرون رفتن از مکه بعد از اتمام عمره تمتع برای کسی که می تواند برای انجام دادن بقیه اعمال برگردد اشکال

ندارد، ولی احتیاط مستحب است بیرون نرود.

مسئله ۵۶۱: در مسائلی که در باره شهر مکه مطرح شد فرقی بین مکه قدیم و مکه جدید نیست، بنابراین اگر کسی در محله‌های قدیم مکه ساکن است می‌تواند به مناطق جدید این شهر برود.

مسئله ۵۶۲: اگر حاجی پس از عمره تمتع از مکه خارج شد، چنانچه بازگشت او به مکه در همان ماه قمری باشد که عمره تمتع را انجام داده است واجب نیست مجدداً محرم شود، ولی اگر در همان ماه نباشد مثلاً در ماه ذی القعدة عمره تمتع را انجام داده و وقتی که به مکه بر می‌گردد ماه ذی الحجه است، مسئله دو صورت دارد:

۱. اگر تصمیم دارد یک بار دیگر از مکه خارج شود؛ باید محرم شود و عمره مفرده انجام دهد و در آخرین مرتبه عمره تمتع به جا آورد.

۲. اگر تصمیم ندارد بار دیگر از مکه بیرون رود؛ باید محرم شود و مجدداً عمره تمتع را به جا آورد.

مسئله ۵۶۳: پس از تقصیر عمره تمتع تراشیدن سر اشکال

عدول از تمتع به افراد ۲۲۱

ندارد، ولی چنانچه ۳۰ روز از عید فطر گذشته باشد به احتیاط مستحب سر را نتراشد، و اگر تراشید به احتیاط مستحب یک گوسفند كفاره بدهد.

عدول از تمتع به افراد

مسأله ۵۶۴: کسی که مُحرم به یکی از انواع عمره یا حج شود نمی تواند به نوع دیگر عدول کند، مثلاً کسی که به عمره تمتع مُحرم شود نمی تواند به عمره مفرده عدول کند، و همچنین کسی که به عمره مفرده مُحرم شود نمی تواند به حج افراد عدول کند، البته در بعضی موارد استثنائاتی وجود دارد که خواهد آمد.

مسأله ۵۶۵: کسی که وظیفه اش حج تمتع است جایز نیست به حج افراد عدول کند، ولی اگر وارد اعمال عمره تمتع شد اما وقت برای اتمام آن تنگ باشد باید از نیت عمره تمتع به حج افراد عدول کند و پس از اعمال حج افراد، عمره مفرده به جا آورد.

مسأله ۵۶۶: حد تنگ شدن وقت عمره تمتع تا قبل از ظهر روز عرفه است.

مسئله ۵۶۷: اگر حج تمتع بر ذمه انسان مستقر شده باشد و قبل از احرام عمره تمتع بداند که نمی‌تواند تا قبل از ظهر روز عرفه اعمال عمره را تمام کند در این صورت عدول به حج افراد یا قران برای او کفایت نمی‌کند، بلکه باید بعد از آن در سال آینده حج تمتع را به جا آورد.

مسئله ۵۶۸: کسی که در وسعت وقت برای عمره تمتع احرام ببندد و عمداً اعمال آن را تا ظهر روز عرفه به تأخیر بیندازد عمره‌اش باطل است و عدول به افراد برای او کفایت نمی‌کند، هرچند احتیاط مستحب است اعمال آن را رجاءاً به جا آورد و طواف و نماز طواف و سعی و حلق یا تقصیر را نیز به قصد اعم از حج افراد و عمره مفرده به جا آورد.

مسئله ۵۶۹: کسی که در ماههای حج، عمره به جا آورده اگر تا روز هشتم ذی الحجه در مکه بماند و بخواهد حج تمتع انجام دهد عمره او به عمره تمتع تبدیل می‌شود و بعد از آن می‌تواند حج تمتع به جا آورد.

فصل پنجم اعمال حج تمتع

۱. احرام از مکه

مسئله ۵۷۰: پیشتر در مسئله ۱۴۹ گفته شد که در حج تمتع سیزده عمل واجب می شود و مورد اول آنها احرام است. لازم به ذکر است که تفاوتی بین احرام حج و احرام عمره در واجبات و محرمات - به غیر از نیت - نیست.

زمان احرام حج

مسئله ۵۷۱: زمان احرام حج تمتع بعد از تقصیر عمره تمتع تا قبل از ظهر روز عرفه است.

مسئله ۵۷۲: بهترین زمان برای احرام حج تمتع ظهر روز هشتم ذی الحجه است، و برای اشخاص پیر و مریض که از فشار جمعیت بترسند جایز است قبل از آن وقت محرم شوند و قبل از دیگران از مکه خارج شوند.

مسئله ۵۷۳: حاجی می تواند احرام حج تمتع را سه روز پیش از وقت یاد شده بلکه پیشتر از آن ببندد. و کسی که می تواند تمام

۲۲۶ مناسک حج

وقت وقوف اختیاری روز عرفه را در عرفات درک کند جایز نیست احرام حج را آن قدر تأخیر بیندازد که وقوف در تمام وقت را درک نکند.

مکان احرام حج

مسئله ۵۷۴: مکان احرام حج شهر مکه مکرمه است، و بهترین جای آن مسجدالحرام است، و مستحب است پس از خواندن دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم علیه السلام یا در حجر اسماعیل علیه السلام محرم شود، و احرام در محله‌های جدید مکه اگر جزء شهر حساب آید اشکال ندارد مگر قسمتهایی که از منطقه حرم بیرون است.

ترک احرام حج

مسئله ۵۷۵: اگر کسی احرام حج را ترک کند حکم آن بدین شرح است:

۱. اگر عمداً و با آگاهی از وجوب آن تا زمانی که تمام وقت وقوف در عرفات بگذرد محرم نشود؛ حجش باطل است.
۲. اگر به سبب نا آگاهی از حکم شرعی یا فراموشی محرم

۱. احرام از مکه ۲۲۷

نشود و از مکه خارج شود؛ واجب است به مکه برگردد و در آنجا محرم شود، خواه در بین وقوف در عرفات باشد یا پس از آن، و اگر نتواند برگردد در همان جا که هست محرم شود، و اگر تا پس از اعمال حج یادش نیاید حشش صحیح است.

مستحبات احرام تا وقوف در عرفات

مسئله ۵۷۶: مستحباتی که در احرام عمره گفته شد در احرام حج نیز مستحب است، بنابراین مستحب است لبیکها را تکرار کند و وقتی که به ابطح^(۱) رسید با صدای بلند لبیک بگوید.

مسئله ۵۷۷: مستحب است شب عرفه (شب نهم ذی الحجه) در منا به سر ببرد^(۲) و مشغول طاعت الهی باشد و عبادات و مخصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جا آورد و پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب به تعقیبات مشغول باشد و سپس روانه

۱. ابطح مکانی در راه منا است کمی بعد از قبرستان حجون (ابوطالب).

۲. مانند در منا در شب عرفه واجب نیست ولی مستحب است، اما در این سالها به جهت ازدحام جمعیت و شلوغی راهها و ترس از نرسیدن به عرفات و مشکلات دیگر بسیاری از زائران به منا نمی‌روند.

عرفات شود و اگر پیش از طلوع آفتاب هم از منا خارج شود اشکال ندارد.

مسأله ۵۷۸: وقتی که روانه منا شد مستحب است بگوید:

«اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ اَرْجُوْ وَ اِيَّاكَ اَدْعُوْ فَبَلِّغْنِيْ اَمَلِيْ وَ اَصْلِحْ لِيْ عَمَلِيْ».

سپس با آرامش و وقار به سمت منا برود و در راه مشغول ذکر حق تعالی باشد، و چون به منا رسید بگوید:

«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَقْدَمَ مِنِّيْهَا صَالِحًا فِيْ عَافِيَةٍ وَ بَلَّغَنِيْ هَذَا الْمَكَانَ».

سپس بگوید:

«اَللّٰهُمَّ وَهَذِهِ مِنِّيْ وَ هِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهٖ عَلٰى اَوْلِيَائِكَ مِنَ الْمَنَاسِكِ فَاسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُمَنِّ عَلٰى فِيْهَا بِمَا مَنَنْتَ عَلٰى اَنْبِيَائِكَ وَ اَهْلِ طَاعَتِكَ فَاتِّمَّا اَنَا عَبْدُكَ وَ فِيْ قَبْضَتِكَ».

مسأله ۵۷۹: مستحب است وقتی که روانه عرفات شد این دعا

را بخواند:

«اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ صَمَدْتُ وَ اِيَّاكَ اَعْتَمَدْتُ وَ وَجْهَكَ اَرَدْتُ فَاسْأَلُكَ اَنْ تُبَارِكَ لِيْ فِيْ رِحْلَتِيْ وَ اَنْ تَقْضِيَ لِيْ حَاجَتِيْ وَ اَنْ تَجْعَلَ لِيْ مِمَّنْ

تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي». .
سپس تا رسیدن به عرفات لبیک بگوید.

۲. وقوف در عرفات

مسئله ۵۸۰: دومین عمل از اعمال واجب حج وقوف در عرفات است، و مقصود از آن حضور در صحرای عرفات است خواه سواره باشد یا پیاده، و خواه در حال توقف باشد یا در حال حرکت.

مسئله ۵۸۱: وقوف باید با نیت باشد، و اگر در اول وقت نیت کند سپس تا آخر وقت بخوابد یا بیهوش شود کفایت می کند.

مسئله ۵۸۲: وقوف بر (جبل الرحمه) که در عرفات است اشکال ندارد.

زمان وقوف

مسئله ۵۸۳: زمان وقوف در عرفات از ظهر روز نهم ذی الحجه تا غروب آن روز است، ولی اگر از اول با کمی تأخیر به قدر انجام دادن یک غُسل و خواندن نماز ظهر و عصر (بدون فاصله)

۲۳۰ مناسک حج

دیرتر به عرفات برسد اشکال ندارد، هرچند احتیاط مستحب است همین مقدار هم تأخیر نکند.

مسئله ۵۸۴: وقوف در عرفات از ظهر تا غروب واجب است و اگر کسی آن را ترک کند گناه کار است، ولی مقدار وقوف رکنی فقط بخشی از این زمان است هرچند کم باشد، بنابراین اگر بخش عمده‌ای از وقوف را ترک کند ولی مقدار کمی از وقتِ وقوف را در عرفات باشد حش باطل نمی‌شود.

مسئله ۵۸۵: اگر حاجی از روی اختیار وقوف در عرفات را به طور کامل ترک کند حش باطل است.

وقوف اضطراری عرفات

مسئله ۵۸۶: اگر حاجی بخاطر فراموشی یا ندانستن حکم شرعی - بدون آنکه در یادگیری کوتاهی کرده باشد - وقوف در عرفات را به طور کامل ترک کند واجب است وقوف اضطراری را انجام دهد، یعنی مقداری از شب عید قربان به نیت وقوف در عرفات بماند، و در این صورت با درک وقوف اضطراری حج او صحیح است.

۲. وقوف در عرفات ۲۳۱

مسئله ۵۸۷: کسی که از روی عذر وقوف اختیاری عرفات را ترک کند و ترس آن دارد که اگر برای وقوف اضطراری به عرفات برود به وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه) نرسد واجب است به وقوف در مشعر الحرام اکتفا کند و حشش صحیح است.

مستحبات وقوف در عرفات

مسئله ۵۸۸: هنگام وقوف در عرفات امور زیادی مستحب است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. با طهارت باشد.
۲. هنگام ظهر غُسل کند.
۳. وقت خود را به دعا و توجه به خدا اختصاص دهد.
۴. در طرف چپ کوه و پائین آن قرار گیرد.
۵. بین نماز ظهر و عصر با یک اذان و دو اقامه جمع کند.
۶. هر مقدار که بتواند دعا بخواند، چه دعاهایی که از معصومین علیهم السلام رسیده است و چه غیر آنها، ولی دعاهایی که از آنها رسیده افضل است، و از جمله آنها دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه است.

کوچ از عرفات

مسئله ۵۸۹: بیرون رفتن از عرفات قبل از غروب آفتاب از روی عمد و آگاهی حرام است، ولی حج را باطل نمی‌کند.

مسئله ۵۹۰: اگر حاجی عمداً و با آگاهی از مسئله قبل از غروب آفتاب از عرفات بیرون رود گناه کرده ولی باید قبل از غروب برگردد و کفاره ندارد، اما اگر برنگردد باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نتوانست باید هجده روز روزه بگیرد.

مسئله ۵۹۱: کفاره کوچ قبل از غروب از عرفات را باید روز عید قربان و بنا بر احتیاط واجب در مناذبح کند.

مسئله ۵۹۲: هجده روز روزه بدل از کفاره کوچ از عرفات را باید در مکه یا در راه برگشت از مکه و یا در محل زندگی‌اش بگیرد، و به احتیاط مستحب روزه‌ها را پشت سر هم بگیرد.

مسئله ۵۹۳: اگر به خاطر فراموشی یا جهل به حکم شرعی پیش از غروب آفتاب از عرفات کوچ کند چنانچه قبل از غروب آفتاب متوجه شود باید فوراً برگردد، و اگر برنگردد بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد.

۳. وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه) ۲۳۳

۳. وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه)

مسئله ۵۹۴: سومین عمل از اعمال واجب حج وقوف در مشعر الحرام است.

مسئله ۵۹۵: وقوف در مشعر الحرام باید با نیت و قصد قربت و اخلاص باشد به همان کیفیت که در وقوف عرفات گفته شد.

مسئله ۵۹۶: کسی که مشغول مناسک حج است باید پس از حرکت از عرفات مقداری از شب عید را تا اذان صبح در مشعر الحرام بماند، و احتیاط واجب آن است که تا طلوع آفتاب در آنجا بماند، هرچند اگر کمی پیش از طلوع آفتاب از مشعر به طرف وادی مُحَسَّر^(۱) حرکت کند اشکال ندارد، ولی جایز نیست پیش از طلوع آفتاب از وادی مُحَسَّر بگذرد و وارد منا شود.

مسئله ۵۹۷: هرچند وقوف در تمام زمانی که در مسئله قبل گفته شد واجب است ولی تمام آن رکن نیست، بلکه وقوف رکنی قدری از این وقت است هرچند کم باشد، بنابراین اگر مقداری از شب عید را در مزدلفه بود و قبل از اذان صبح از آنجا حرکت

۱. وادی مُحَسَّر مکانی است بین مشعر و منا.

۲۳۴ مناسک حج

کرد حجش باطل نیست، ولی در صورتی که با آگاهی و بدون عذر باشد باید یک گوسفند کفاره بدهد و اگر از روی نا آگاهی باشد کفاره ندارد.

مسئله ۵۹۸: اگر حاجی تمام وقت در مشعر الحرام نباشد ولی مقداری از فاصله زمانی بین طلوع فجر و طلوع آفتاب در آنجا بماند هر چند از روی عمد باشد گناه کار است ولی حجش صحیح است و کفاره ندارد.

مسئله ۵۹۹: واجب نیست بعد از عرفات بلافاصله به مشعر الحرام برود بلکه حاجی می تواند بعد از غروب از عرفات به مکه یا جای دیگری برود و قبل از اذان صبح خود را به مشعر الحرام برساند.

کسانی که می توانند قبل از طلوع آفتاب از مزدلفه بیرون روند

مسئله ۶۰۰: وقوف در مشعر الحرام در شب عید تا طلوع آفتاب واجب است، ولی برخی از افراد می توانند قبل از اذان صبح از مشعر الحرام به منا بروند و آنها عبارتند از:

۳. وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه)..... ۲۳۵

۱. کسانی که ترس دارند.

۲. بانوان

۳. کودکان

۴. افراد سالخورده و بیمار.

۵. کسانی که سرپرستی امور این افراد را عهده دارند.

مسئله ۶۰۱: افرادی که در مسأله قبل گفته شد می توانند با یک توقف کوتاه - هر چند سواره باشند - با نیت وقوف، از مشعر الحرام بیرون روند.

مسئله ۶۰۲: کسانی که سرپرستی افراد ناتوان و کودکان و بانوان را به عهده دارند در صورتی می توانند وقوف بعد از اذان صبح را ترک کنند که به همراهی آنان نیاز داشته باشند، و در غیر این صورت باید به مشعر برگردند.

ترک وقوف مشعر الحرام

مسئله ۶۰۳: حکم ترک بخشی از وقوف مشعر الحرام در مسأله ۵۹۷ گذشت و اما اگر آن را به طور کامل ترک کند حکم آن بدین شرح است:

۱. اگر از روی عمد باشد؛ حش باطل است.
۲. اگر از روی فراموشی یا عذر دیگری باشد؛ وقوف اضطراری کفایت می‌کند، یعنی باید مقداری از فاصله بین طلوع آفتاب روز عید قربان تا ظهر در آنجا بماند.

ترک وقوف در عرفات و مشعر الحرام

مسأله ۶۰۴: پیشتر گفته شد که هر یک از وقوف در عرفات و وقوف در مشعر الحرام دو قسم است: وقوف اختیاری و وقوف اضطراری.

بنابراین اگر حاجی به هر دو وقوف اختیاری برسد حج او صحیح است، و اگر به هر دو یا یکی از آنها به جهت عذری نرسد صورتهای مختلفی دارد به این شرح:

۱. اگر هیچ‌کدام از وقوف اختیاری و اضطراری عرفات و مشعر را درک نکند؛ حج باطل است.
۲. اگر وقوف اختیاری عرفات و اضطراری مشعر را درک کند؛ حج صحیح است.
۳. اگر وقوف اضطراری عرفات و اختیاری مشعر را درک

۳. وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه)..... ۲۳۷

کند؛ حج صحیح است.

۴. اگر وقوف اضطراری عرفات و اضطراری مشعر را درک کند؛ حج صحیح است اما به احتیاط مستحب حج را دوباره انجام دهد.

۵. اگر فقط وقوف اختیاری مشعر را درک کند؛ حج صحیح است.

۶. اگر فقط وقوف اضطراری مشعر را درک کند؛ حج باطل است.

۷. اگر فقط وقوف اختیاری عرفات را درک کند؛ حج باطل است.

۸. اگر فقط وقوف اضطراری عرفات را درک کند؛ حج باطل است.

مسئله ۶۰۵: در فرضهایی که به جهت ترک وقوف حج باطل می شود واجب است با همان احرام، عمره مفرده به جا آورد.

مسئله ۶۰۶: کسی که حج او به سبب ترک وقوف باطل شده است، در صورتی که استطاعت او تا سال بعد باقی ماند یا اینکه حج از قبل بر ذمه وی مستقر شده باشد، واجب است سال بعد

مجدداً حج را به جا آورد.

مسئله ۶۰۷: کسی که فقط وقوف اختیاری عرفات را درک کند اگر هنگام عبور از مشعر الحرام در وقت وقوف اختیاری به علت نا آگاهی از مسئله قصد وقوف نکند ولی ذکر خداوند متعال گفته باشد حجبش صحیح است.

مسئله ۶۰۸: پس از وقوف در مشعر الحرام جهت انجام دادن اعمال منا باید به سمت منا حرکت کند، و اعمال منا عبارتند از:

الف. رمی جمره عقبه

ب. قربانی

ج. حلق یا تقصیر

د. بیتوته در منا

هـ. رمی جمرات

۴. رمی جمره عقبه

مسئله ۶۰۹: چهارمین عمل از اعمال واجب حج که در روز عید قربان باید انجام شود رمی جمره عقبه است، یعنی پرتاب ریگ به آن.

۴. رمی جمره عقبه ۲۳۹

مسأله ۶۱۰: در رمی جمره امور زیر باید مراعات شود:

۱. با نیت و قصد قربت و اخلاص رمی کند.
۲. هفت عدد ریگ پرتاب کند، و پرتاب کمتر از این عدد یا پرتاب غیر ریگ کفایت نمی کند.
۳. ریگها را یکی پس از دیگری پرتاب کند، و اگر دو ریگ را یک دفعه پرتاب کند کفایت نمی کند.
۴. ریگها به جمره برسند، بنابراین ریگهایی که پرتاب شده ولی به جمره نرسند به حساب نمی آیند.
۵. ریگها به جمره با پرتاب برسند، بنابراین قرار دادن ریگ روی جمره کفایت نمی کند.
۶. پرتاب کردن ریگ و خوردن به جمره بر اثر حرکت ارادی دست حاجی باشد، بنابراین اگر دست شخص دیگری به دستش بخورد و سنگ پرتاب شود و به جمره بخورد کفایت نمی کند، بلکه اگر ریگ را پرتاب کند و در مسیر خود به چیزی بخورد و کمانه کند و به جمره بخورد کفایت می کند.
۷. پرتاب ریگها با دست باشد، بنابراین اگر ریگ را با وسیله ای مانند تیر کمان پرتاب کند بنا بر احتیاط واجب کفایت نمی کند.

۲۴۰ مناسک حج

۸. رمی جمره در فاصله بین طلوع آفتاب تا غروب آن باشد، ولی برای بانوان و کسانی که جایز است شب از مشعر به منا بروند رمی جمره عقبه در شب عید کفایت می‌کند.

شرایط ریگها

مسئله ۶۱۱: ریگهایی که به جمرات زده می‌شود باید شرایط زیر را داشته باشد:

۱. ریگها از منطقه حرم باشند و بهتر آن است که از مشعر الحرام باشند.
۲. بنا بر احتیاط واجب قبلاً از ریگها در رمی استفاده نشده باشد.

۳. مستحب است ریگها به اندازه سر انگشت باشد.

۴. شکستن سنگ و تبدیل آن به ریگ اشکال ندارد ولی مکروه است.

شکیات رمی

مسئله ۶۱۲: اگر حاجی شک کند ریگ به جمره خورده یا نه بنا را بر نخوردن بگذارد، مثلاً کسی که نمی‌داند شش تا از ریگهایی

۴. رمی جمره عقبه ۲۴۱

که پرتاب کرده به جمره خورد یا هفت تا باید یک عدد دیگر به جمره بزند.

مسئله ۶۱۳: اگر بعد از گذشتن از محل رمی - مثلاً بعد از قربانی، یا بعد از تراشیدن سر، یا بعد از غروب آفتاب - شک کند ریگها به جمرات اصابت کرده اند یا نه، به شک خود اعتنا نکند و بنا را بر صحت عمل بگذارد.

نیابت در رمی

مسئله ۶۱۴: کسی که رمی جمره برایش ممکن نیست یا مشقت و زحمت بسیار زیاد دارد باید نایب بگیرد تا در روز عید رمی را به نیابت از وی انجام دهد، و جایز نیست از روز عید تأخیر بیندازد.

مسئله ۶۱۵: با احتمال مشقت و سختی در رمی و حتی گمان به آن نمی توان نایب گرفت.

مسئله ۶۱۶: اگر حاجی برای رمی رفت ولی هرچه تلاش کرد به سبب ازدحام جمعیت نتوانست رمی کند، چنانچه امید نداشته باشد در وقت بتواند رمی کند جایز است نایب بگیرد.

رمی جمره جدید

مسأله ۶۱۷: اکنون که جمرات به صورت دیوار ساخته شده، رمی قسمتی که جمره سابق بوده کفایت می‌کند و رمی قسمتهای دیگر بنا بر احتیاط واجب کافی نیست.

رمی در طبقات فوقانی

مسأله ۶۱۸: ریگ زدن به قسمت افزوده شده بر جمره قدیم بنا بر احتیاط واجب کفایت نمی‌کند، و اگر نتواند در طبقه همکف بر قسمت قدیم رمی کند واجب است هم خودش در طبقات فوقانی رمی کند و هم نایب بگیرد تا از طرفش در طبقه همکف بر قسمت قدیم رمی کند.

رمی شبانه

مسأله ۶۱۹: بانوان و افراد ناتوان که مجازند قبل از اذان صبح از مشعر الحرام کوچ کنند می‌توانند در شب عید جمره عقبه را رمی کنند.

مسأله ۶۲۰: همراهان افرادی که از مشعر پیش از اذان صبح کوچ می‌کنند، اگر رمی در روز عید برایشان ممکن باشد و

۴. رمی جمره عقبه ۲۴۳

بتوانند فرد یا افراد تحت سرپرستی خود را رها کنند جایز نیست شبانه رمی کنند، بلکه باید در روز عید رمی جمره عقبه را انجام دهند.

مسأله ۶۲۱: کسی که مجاز است رمی جمره عقبه را شبانه انجام دهد، اگر نتوانست جمره را رمی کند باید فردا انجام دهد، و اگر در روز هم نتوانست باید نایب بگیرد تا در روز عید جمره عقبه را رمی کند، و نایب نمی تواند رمی را همان شب انجام دهد حتی اگر بداند خودش فردا نمی تواند انجام دهد.

ترک رمی جمره عقبه

مسأله ۶۲۲: اگر به علتی مانند فراموشی و یا ندانستن حکم شرعی و یا غیر آنها در روز عید رمی جمره عقبه نکرده باشد هرگاه که مانع رفع شد باید جبران کند چه در منا باشد و چه در مکه.

بله، اگر بعد از روز سیزدهم ماه مانع برطرف شد چنانچه سال آینده به حج میرود به احتیاط مستحب خودش رمی را دوباره به جا آورد.

۵. قربانی

مسئله ۶۲۳: پنجمین عمل از اعمال واجب حج قربانی است، یعنی کشتن گوسفند یا گاو یا شتر.

مسئله ۶۲۴: در کشتن حیوان (قربانی) امور زیر باید مراعات شود:

۱. با نیت و قصد قربت و اخلاص قربانی کند.
۲. قبل از روز عید نباشد مگر کسی که ترس دارد، و برای چنین شخصی ذبح در شب اشکال ندارد.
۳. بنا بر احتیاط واجب کشتن قربانی بعد از رمی جمره عقبه باشد.
۴. در صورت امکان در منا ذبح کند.
۵. بنا بر احتیاط مستحب روز عید باشد، هرچند قربانی کردن در روزهای یازدهم و دوازدهم صحیح است.
۶. قربانی باید شتر یا گاو یا گوسفند باشد، و قربانی کردن حیوانات دیگر حتی اگر ارزشمندتر از این حیوانات باشند کفایت نمی‌کند.

مسئله ۶۲۵: کشتن یک حیوان فقط برای یک نفر کفایت

۵. قربانی ۲۴۵

می‌کند، بنابراین اگر بتواند به تنهایی یک حیوان را بکشد مشارکت با دیگران در قربانی صحیح نیست، ولی اگر نتواند به تنهایی یک قربانی تهیه کند اما بتواند با مشارکت دیگری تهیه کند بنا بر احتیاط واجب هم قربانی شراکتی را انجام دهد و هم روزه را به ترتیبی که گفته خواهد شد بگیرد.

وظیفه کسی که قدرت بر قربانی ندارد

مسئله ۶۲۶: اگر حاجی نتواند قربانی یا قیمت آن را تهیه کند باید به جای آن ده روز روزه بگیرد، و سه روز آن در ماه ذی الحجه و هفت روز باقیمانده را پس از بازگشت به وطن به جا آورد.

مسئله ۶۲۷: بنا بر احتیاط واجب روزه‌هایی که باید در ماه ذی الحجه بگیرد در روزهای هفتم و هشتم و نهم این ماه باشد و قبل از آن نباشد.

مسئله ۶۲۸: اگر حاجی قیمت قربانی را دارد ولی نتواند در روزهای قربانی - روز دهم تا سیزدهم ذی الحجه - آن را تهیه کند باید ده روز به ترتیبی که در مسئله قبل گفته شد روزه بگیرد،

۲۴۶ مناسک حج

و به احتیاط مستحب در باقیمانده ذی الحجه حیوان را ذبح کند، و اگر خودش نتواند این کار را انجام دهد قیمت آن را نزد شخص مورد اطمینانی بگذارد تا با آن قربانی تهیه و ذبح کند.

مسئله ۶۲۹: اگر در روزهای قربانی حیوان سالم پیدا نکرد بنا بر احتیاط واجب هم حیوان معیوب را ذبح کند و هم ده روز روزه بگیرد.

مسئله ۶۳۰: سه روز اول باید پشت سر هم باشد ولی هفت روز بعد لازم نیست، هرچند احتیاط مستحب است آن هم پشت سر هم باشد.

مسئله ۶۳۱: سه روز اول باید پس از احرام عمره تمتع باشد و قبل از آن کفایت نمی‌کند.

مسئله ۶۳۲: اگر حاجی سه روز روزه را گرفت و پس از آن قبل از گذشتن روزهای قربانی توانست قربانی یا قیمت آن را تهیه کند، بنا بر احتیاط واجب باید قربانی کند.

مکان قربانی

مسئله ۶۳۳: کشتن قربانی باید در منا باشد ولی اگر به جهت

۵. قربانی..... ۲۴۷

از دحام جمعیت در منا ممکن نشد جایز است در وادی مُحَسَّر ذبح کند، هر چند احتیاط مستحب در این صورت تأخیر کشتن قربانی تا آخر روز سیزدهم است البته این در صورتی است که بتواند در روزهای آینده در منا ذبح کند.

مسئله ۶۳۴: اگر کشتن قربانی در منا و حتی در وادی مُحَسَّر ممکن نباشد یا بسیار دشوار باشد، می تواند در قربانگاه هایی که در وادی مُعِیَصَم ساخته شده ذبح کند.

مسئله ۶۳۵: کشتن قربانی در بیرون حرم کفایت نمی کند.

شرایط قربانی

مسئله ۶۳۶: قربانی باید شرایط زیر را داشته باشد:

۱. سالم باشد.
۲. سن آن کامل باشد، یعنی:
 - در شتر پنج سال کامل و وارد سال ششم شده باشد.
 - در گاو بنا بر احتیاط واجب دو سال کامل و وارد سال سوم شده باشد.
 - در گوسفند، اگر بز است بنا بر احتیاط واجب باید دو

سال کامل و وارد سال سوم شده باشد، و اگر میش یا قوچ است باید هفت ماه کامل و وارد ماه هشتم شده باشد.

۳. اخته نباشد.

۴. لاغر نباشد.

و احتیاط مستحب است این شرایط را نیز داشته باشد:

۱. مریض نباشد.

۲. بیضتین آن کوبیده یا مالیده نباشد.

۳. آنقدر پیر نباشد که مغز استخوانهایش آب شده باشد.

۴. گوشش شکاف و سوراخ هم نداشته باشد.

۵. حیوان در اصل خلقت بی شاخ و دم نباشد.

مسئله ۶۳۷: اگر پس از قربانی کردن معلوم شود سن آن کمتر

از حد لازم بوده کفایت نمی کند و باید حیوان دیگری بکشد.

مسئله ۶۳۸: اگر حیوانی را به اعتقاد اینکه سالم است خرید و

پس از پرداختن قیمت معلوم شد معیوب است، می تواند همان

را بکشد و کفایت می کند.

مسئله ۶۳۹: اگر حیوانی را به اعتقاد چاق بودن خرید، بعد

معلوم شد لاغر است می تواند همان را بکشد و کفایت می کند،

۵. قربانی..... ۲۴۹

و همچنین اگر بعد از کشتن قربانی معلوم شود لاغر است کفایت می‌کند، مگر آنکه حیوان ملک خودش بوده و از جایی نخریده باشد.

شکیات قربانی

مسئله ۶۴۰: اگر حاجی شک کند قربانی کرده است یا نه، چنانچه پیش از حلق یا تقصیر باشد باید قربانی کند، و اگر پس از آن باشد به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۶۴۱: اگر شک کند حیوانی که کشته است دارای شرایط لازم بوده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۶۴۲: اگر شک کند نایب از طرف وی حیوان را کشته یا نه، باید صبر کند تا به او خبر داده شود و از آن خبر اطمینان پیدا کند که حیوان را کشته است.

نیابت در کشتن حیوان

مسئله ۶۴۳: بر حاجی واجب نیست خودش حیوان را بکشد بلکه می‌تواند به شخص دیگری نیابت دهد تا از طرف او حیوان را بکشد.

۲۵۰..... مناسک حج

مسئله ۶۴۴: نایب باید نیتِ قربانی کند و به احتیاط مستحب حاجی هم نیت کند.

مسئله ۶۴۵: نایب باید مسلمان باشد و شیعه بودن وی لازم نیست.

مسئله ۶۴۶: کشتن حیوان بدون نیابت از دیگری کفایت نمی‌کند هر چند بداند راضی است یا بداند وقتی بفهمد حیوانی برای او قربانی شده خوشحال می‌شود.

مسئله ۶۴۷: کشتن حیوان به نیابت از دیگری پیش از آنکه برای خود قربانی کرده باشد و همچنین پیش از حلق یا تقصیر اشکال ندارد.

ذبح در شب

مسئله ۶۴۸: ذبح در شب - چه شب یازدهم یا شب دوازدهم - بنا بر احتیاط واجب کفایت نمی‌کند، مگر برای کسی که از حضور در منا در روز ترس داشته باشد.

مصرف قربانی

مسأله ۶۴۹: مصرف قربانی حج به این شرح است:

۱. یک سوم آن بنا بر احتیاط واجب باید به فقراى مسلمان صدقه داده شود.

۲. جایز است یک سوم دیگر آن را به هر مسلمانی که بخواهد هدیه دهد.

۳. یک سوم آخر را جایز است برای خود و خانواده اش بردارد.

۴. احتیاط مستحب است خودش از گوشت قربانی بخورد هر چند مقدار کمی باشد.

مسأله ۶۵۰: اگر رساندن سهم فقیران به آنها ممکن نباشد یا مشقت و زحمت زیادی داشته باشد واجب نیست.

مسأله ۶۵۱: لازم نیست سهم فقیر را به خودش بدهد بلکه می تواند به وکیل او بدهد، و وکیل مطابق اجازه ای که فقیر به او داده تصرف کند، مثلاً آن را هدیه می دهد یا می فروشد یا رها می کند.

۶. حلق یا تقصیر

مسأله ۶۵۲: ششمین عمل از اعمال واجب حج تراشیدن موی سر (حلق) یا کوتاه کردن آن (تقصیر) است.

مسأله ۶۵۳: تراشیدن سر با ماشین اصلاح ته زن اشکال ندارد، ولی احتیاط مستحب است با تیغ بتراشد.

مسأله ۶۵۴: حلق یا تقصیر باید با نیت و به قصد قربت و اخلاص انجام شود.

زمان حلق یا تقصیر

مسأله ۶۵۵: جایز نیست حلق یا تقصیر را پیش از روز عید انجام دهد حتی در شب عید، مگر برای کسی که ترس دارد.

مسأله ۶۵۶: احتیاط مستحب است که حلق و تقصیر از روز عید تأخیر نیفتد.

مسأله ۶۵۷: حلق یا تقصیر بنا بر احتیاط واجب باید بعد از رمی جمره عقبه و تهیه کردن قربانی در جایی که ذبح در آن مجزی است به جا آورده شود، و به احتیاط مستحب بعد از کشتن قربانی انجام دهد.

۶. حلق یا تقصیر..... ۲۵۳

مسئله ۶۵۸: اگر از روی فراموشی یا ندانستن حکم شرعی قبل از رمی یا فراهم کردن قربانی، حلق یا تقصیر کند کفایت می‌کند و نیازی به اعاده آن نیست.

مسئله ۶۵۹: حلق یا تقصیر در شب یازدهم نیز کفایت می‌کند هر چند بهتر است روز عید انجام دهد.

مسئله ۶۶۰: اگر حاجی در روز عید موفق به کشتن قربانی نشد بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند حلق یا تقصیر کند، بلکه بنا بر احتیاط واجب حلق یا تقصیر باید بعد از رمی و تهیه کردن قربانی باشد.

وظیفه بانوان

مسئله ۶۶۱: بر بانوان واجب است تقصیر کنند.

وظیفه مردان

مسئله ۶۶۲: مردان بین تراشیدن موی سر و کوتاه کردن آن مخیرند، ولی تراشیدن افضل است.

مسئله ۶۶۳: مردی که سال اول حج اوست بنا بر احتیاط واجب باید سر را بتراشد.

مسئله ۶۶۴: کسی که قصد تراشیدن سر دارد و بداند آرایشگر سر او را با تیغ زخمی می‌کند جایز نیست سر خود را با تیغ بتراشد، بلکه موظف است با ماشین سر تراشی بسیار ریز (ته زن) سر خود را بتراشد، و اگر سال اول حج او نیست می‌تواند ابتدا موی خود را کوتاه کند سپس با تیغ بتراشد، و در هر صورت اگر مخالفت کند گناهکار است ولی کفایت می‌کند.

مکان حلق و تقصیر

مسئله ۶۶۵: واجب است تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر در منا باشد، پس اگر عمداً یا از روی ندانستن حکم شرعی در منا انجام نداد تا اینکه از آنجا بیرون رفت واجب است برگردد و در منا حلق یا تقصیر کند، و بنا بر احتیاط واجب حکم کسی که فراموش کرده و از منا خارج شده همین است.

مسئله ۶۶۶: کسی که حلق یا تقصیر را در منا انجام نداده و از آنجا خارج شده است اگر نتواند برگردد یا بسیار سخت و مشکل باشد همانجا که هست سر را بتراشد یا موی خود را کوتاه کند، و در صورت امکان موی خود را به منا بفرستد.

۶. حلق یا تقصیر..... ۲۵۵

مسئله ۶۶۷: کسی که در غیر منا حلق یا تقصیر کرده - هرچند از روی عمد باشد - به همان اکتفا کند و لازم نیست به منا برگردد و مجدداً انجام دهد، ولی واجب است در صورت امکان موی خود را به منا بفرستد.

ترک حلق یا تقصیر

مسئله ۶۶۸: اگر حاجی از روی فراموشی یا ندانستن حکم شرعی موی سر خود را کوتاه نکند و تراشد و پس از تمام شدن اعمال حج یادش بیاید یا حکم شرعی را یاد بگیرد، واجب است آن را انجام دهد، ولی واجب نیست طواف حج و سعی را اعاده کند هرچند احتیاط مستحب است.

خروج از احرام حج

مسئله ۶۶۹: پس از آنکه حاجی سر خود را تراشید یا موی خود را کوتاه کرد تمام چیزهایی که با احرام بر او حرام شده بود حلال می شود به جز زن و بوی خوش، و بنا بر احتیاط واجب شکار هم همچنان حرام می ماند.

مسئله ۶۷۰: آنچه بر زن و مرد پس از حلق یا تقصیر حرام

۲۵۶ مناسک حج

می ماند آن دسته از لذت‌های جنسی است که با احرام بر او حرام شده بود، ولی عقد کردن یا در مجلس عقد حاضر شدن جایز می شود.

مسئله ۶۷۱: پس از آنکه حاجی طواف و نماز طواف و سعی را به جا آورد بوی خوش نیز بر او حلال می شود، و پس از طواف نساء و نماز آن، زن و مردی که به سبب احرام بر هم حرام شده بودند حلال می شوند.

۷ و ۸ و ۹. طواف، نماز، سعی

مسئله ۶۷۲: سه عمل واجب دیگر حج، طواف و نماز آن و سعی است.

مسئله ۶۷۳: کیفیت طواف حج و نماز آن و سعی و شرایط آنها همان است که در طواف عمره و نماز آن و سعی عمره گفته شد.

مسئله ۶۷۴: اگر حاجی طواف حج را عمداً به جا نیاورد در صورتی که نتواند جبران کند حج باطل می شود، و چنانچه ترک آن به سبب نا آگاهی از حکم شرعی باشد بنا بر احتیاط واجب یک شتر نیز باید کفاره بدهد.

۷ و ۸ و ۹. طواف، نماز، سعی..... ۲۵۷

مسئله ۶۷۵: اگر طواف حج را فراموش کند باید تا پیش از تمام شدن ماه ذی الحجه آن را قضا کند و به احتیاط مستحب سعی را نیز اعاده کند، و اگر خودش نتوانست باید نایب بگیرد.

زمان طواف و نماز و سعی

مسئله ۶۷۶: زمان طواف و نماز و سعی تا آخر ذی الحجه است، ولی مستحب است در روز عید قربان به جا آورده شود، و احتیاط مستحب است از روز یازدهم تأخیر نیفتد.

مسئله ۶۷۷: این اعمال باید بعد از تراشیدن سر یا کوتاه کردن مو (حلق یا تقصیر) به جا آورده شوند، و کسی که مسأله را می داند اگر قبل از آن به جا آورد باید دوباره پس از حلق یا تقصیر این اعمال را اعاده کند.

مسئله ۶۷۸: بنا بر احتیاط واجب این اعمال پیش از وقوف در عرفات و مشعر به جا آورده نشود، و اگر از روی ندانستن حکم شرعی پیش از وقوف به جا آورد به احتیاط مستحب آنها را اعاده کند.

مسئله ۶۷۹: افراد زیر می توانند این اعمال را پیش از وقوف در

عرفات به جا آورند:

۱. زنی که ترس از پیش آمدن عادت ماهیانه یا خونریزی پس

از زایمان را دارد.

۲. افراد پیر و مریض و ناتوان و همچنین افرادی که بازگشت

به مکه برایشان مشکل است.

۳. کسی که از چیزی - مثلاً دشمن - ترسد که با وجود آن

نتواند به مکه برگردد.

مسئله ۶۸۰: برای افرادی که در مسأله قبل گفته شد مقدم

داشتن اعمال بر وقوف جایز است اما باید بعد از احرام حج

باشد، و احتیاط مستحب است تا آخر ذی الحجه در صورت

امکان دوباره آن اعمال را به جا آورند.

مسئله ۶۸۱: برای افرادی که در مسأله ۶۷۹ گفته شد، جایز

است طواف نساء و نماز آن را قبل از وقوف در عرفات به جا

آورند.

مسئله ۶۸۲: کسی که طواف و نماز و سعی را بر وقوف در

عرفات مقدم می دارد بوی خوش بر او حلال نمی شود، و

همچنین با انجام دادن طواف نساء زن و مرد بر هم حلال

۱۰ و ۱۱. طواف نساء و نماز آن ۲۵۹

نمی‌شوند تا زمانی که مناسک منا - رمی جمره عقبه و قربانی و حلق یا تقصیر - را به جا آورند.

وظیفه معذور

مسئله ۶۸۳: کسی که شخصاً نمی‌تواند طواف حج و نماز آن و سعی را به جا آورد، حکم شخصی را دارد که این اعمال را در عمره تمتع نمی‌تواند انجام دهد که در مسئله ۴۴۱ و ۴۴۲ و ۴۹۷ گذشت.

مسئله ۶۸۴: زنی که عادت ماهیانه یا خونریزی پس از زایمان برایش پیش آید اگر نتواند صبر کند تا پاک شود و اعمال را خودش به جا آورد باید برای طواف و نماز آن نایب بگیرد، و پس از آنکه نایب این دو عمل را انجام داد خودش سعی را به جا آورد.

۱۰ و ۱۱. طواف نساء و نماز آن

مسئله ۶۸۵: دو عمل دیگر واجب حج طواف نساء و نماز آن است. این دو عمل اگرچه از واجبات حج است ولی از ارکان

۲۶۰ مناسک حج

حج محسوب نمی‌شوند، پس ترک آنها - اگرچه عمداً باشد - حج را باطل نمی‌کند.

مسئله ۶۸۶: طواف نساء اختصاص به مردان ندارد و بر زنان نیز واجب است، پس اگر مردی آن را ترک کند زن‌ها بر او حرام می‌مانند و اگر زنی آن را ترک کند مردها بر او حرام می‌مانند.

مسئله ۶۸۷: کسی که حج تمتع به جا می‌آورد، پس از به جا آوردن طواف نساء و نماز آن همسرش بر او حلال می‌شود، یعنی لذت‌های جنسی که به سبب احرام بر او حرام شده بود حلال می‌شود، و همچنین بعد از بجا آوردن طواف نساء و نماز آن ازدواج بر او حلال می‌شود.

مسئله ۶۸۸: طواف نساء بر پیرمردان و پیر زنانی که امیدی به ازدواج ندارند و همچنین بر کسانی که قصد ازدواج ندارند واجب است.

مسئله ۶۸۹: کسی که چندین مرتبه عمره مفرده یا حج به جا آورده ولی در هیچ کدام طواف نساء انجام نداده بنا بر احتیاط واجب یک طواف نساء کفایت نمی‌کند، بلکه به همان تعداد باید طواف نساء انجام دهد.

۱۰ و ۱۱. طواف نساء و نماز آن ۲۶۱

کیفیت طواف نساء

مسأله ۶۹۰: طواف نساء و نماز آن مانند طواف حج و نماز آن است و تنها در نیت تفاوت دارد.

زمان طواف نساء

مسأله ۶۹۱: طواف نساء و نماز آن باید بعد از سعی به جا آورده شود و چنانچه قبل از آن به جا آورد مسأله دو صورت دارد:

۱. اگر عمداً و با آگاهی از حکم شرعی باشد؛ باید دوباره طواف را پس از سعی به جا آورد.

۲. اگر از روی فراموشی یا ندانستن حکم شرعی باشد؛ طواف نساء صحیح است و کفایت می کند ولی به احتیاط مستحب دوباره پس از سعی به جا آورده شود.

وظیفه نایب

مسأله ۶۹۲: کسی که در عمره یا حج نایب شخص دیگری است باید طواف نساء را به نیت منوبّ عنه به جا آورد.

مسأله ۶۹۳: اگر نایب، طواف نساء را به جا نیاورد زن بر خودش حرام است نه بر منوبّ عنه.

وظیفه معذور

مسأله ۶۹۴: حکم کسی که توانایی به جا آوردن طواف نساء و نماز آن را ندارد حکم همان شخصی است که توانایی طواف عمره تمتع را ندارد که در مسأله ۴۴۱ و ۴۴۲ و ۴۹۷ گفته شد.

مسأله ۶۹۵: اگر برای زن عادت ماهیانه پیش آید و نتواند بماند تا طواف نساء و نماز آن را به جا آورد، مثلاً همسفرانش منتظر وی نمی مانند تا پاک شود و نتواند از آنها جدا شود جایز است طواف نساء را ترک کند و با همسفران برود ولی بنا بر احتیاط واجب برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد.

مسأله ۶۹۶: اگر برای زن در بین طواف نساء عادت ماهیانه پیش آید چنانچه پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد حکم مسأله قبل را دارد، ولی چنانچه بعد از تمام شدن شوط چهارم باشد جایز است بقیه طواف نساء را ترک کند و با همسفرانش برگردد ولی بنا بر احتیاط واجب برای باقیمانده طواف و نماز آن نایب بگیرد.

اعاده طواف نساء

مسأله ۶۹۷: اگر بعد از طواف نساء متوجه شد طواف حجّش باطل بوده بنا بر احتیاط واجب باید پس از اعاده طواف حجّ، طواف نساء را نیز دوباره انجام دهد.

مسأله ۶۹۸: کسی که طواف نساء را عمداً یا از روی فراموشی و ندانستن حکم شرعی ترک کند واجب است آن را به جا آورد، و تا زمانی که طواف نساء و نماز آن را به جا نیاورد زن بر او حلال نمی شود.

مسأله ۶۹۹: کسی که طواف نساء را به جا نیاورده باشد باید خودش آن را انجام دهد، و چنانچه نتواند یا مشکل باشد و زحمت زیاد داشته باشد جایز است نایب بگیرد، و هرگاه نایب طواف نساء و نماز را به جا آورد زن بر او حلال می شود.

مسأله ۷۰۰: فراموش کردن نماز طواف نساء مانند فراموشی نماز طواف عمره است که حکم آن در مسأله ۴۹۰ گذشت.

مراحل خروج از احرام حج

مسئله ۷۰۱: مراحل خروج از احرام حج بدین شرح است:

مرحله اول: پس از حلق یا تقصیر تمام چیزهایی که به سبب احرام حرام شده بود حلال می شود، بجز بوی خوش، زن و مرد بر یکدیگر و شکار که حکم آن در مسئله ۶۶۹ گذشت.

مرحله دوم: پس از انجام دادن طواف حج، نماز و سعی بوی خوش نیز حلال می شود، و حکم آن در مسئله ۶۷۱ گذشت.

مرحله سوم: پس از بجای آوردن طواف نساء و نماز آن لذتهای جنسی از همسر که به سبب احرام حرام شده بود حلال می شود، همانگونه که در مسئله ۶۸۷ گفته شد.

مرحله چهارم: بنا بر احتیاط واجب حرام بودن شکار تا روز سیزدهم باقی است.

یادآوری: محرمات حرم همیشگی است و با این اعمال حلال نمی شود، و تفصل آن در مسئله ۳۶۶ گذشت.

۱۲. بیتوته در منا

مسئله ۷۰۲: دوازدهمین عمل از اعمال واجب حج ماندن

۱۲. بیتوته در منا ۲۶۵

شبهای یازدهم و دوازدهم ذی الحجه در منا است.

مسئله ۷۰۳: بیتوته در منا باید با نیت و قصد قربت و اخلاص باشد.

مسئله ۷۰۴: اگر حاجی روز عید برای بجای آوردن طواف و نماز طواف و سعی به مکه آمد واجب است برای بیتوته به منا برگردد.

مسئله ۷۰۵: نیمه اول شب برای بیتوته از غروب آفتاب تا نیمه شب است، و نیمه دوم از نیمه شب تا اذان صبح می باشد.

مسئله ۷۰۶: اگر حاجی بعد از ظهر روز دوازدهم از منا بیرون نرود و در آنجا بماند تا شب سیزدهم فرا رسد باید آن شب را نیز تا اذان صبح در منا بماند.

مسئله ۷۰۷: اگر حاجی از منا بیرون رود و بعد از غروب شب سیزدهم برای کاری به منا برگردد واجب نیست آن شب را در منا بماند.

مسئله ۷۰۸: اگر حاجی از رمی روز دوازدهم عاجز باشد و شب دوازدهم بعد از بیتوته از منا بیرون رود واجب نیست برای کوچ از منا مجدداً به آنجا برگردد.

مسئله ۷۰۹: لازم نیست حاجی تمام شب را در منا بماند مگر موردی که در مسئله قبل گفته شد، پس اگر از اول شب تا نیمه آن در منا بماند جایز است پس از نیمه شب از آنجا بیرون رود.

مسئله ۷۱۰: اگر حاجی اول شب یا پیش از آن از منا بیرون رفت باید قبل از اذان صبح برگردد، بلکه بنا بر احتیاط مستحب قبل از نیمه شب برگردد.

مسئله ۷۱۱: کسی که نیمه اول شب را در منا بوده و پس از نیمه شب از آنجا بیرون رفت به احتیاط مستحب قبل از اذان صبح وارد مکه نشود.

کسانی که بیتوته بر آنها واجب نیست

مسئله ۷۱۲: ماندن شب در منا بر چند دسته از حاجیان واجب نیست:

۱. کسانی که ماندن در منا برای آنها زحمت و سختی زیاد دارد، یا با ماندن در آنجا بر خودشان یا ناموسشان یا اموالشان می‌ترسند.

۲. کسانی که از اول شب یا قبل از آن از منا بیرون رفته و از نیمه شب تا اذان صبح در مکه به عبادت مشغول باشند.

۱۲. بیتوته در منا ۲۶۷

۳. کسانی که از مکه بیرون آمده تا به منا بروند و از عقبه مدینین گذشته‌اند، در این صورت می‌توانند قبل از رسیدن به منا در بین راه بخوابند.

۴. کسانی که در مکه عهده دار آب رسانی به حجاج هستند.
مسئله ۷۱۳: اگر حاجی به جای بیتوته در مکه به عبادت مشغول شود لازم نیست در مسجدالحرام یا در مکه قدیم باشد، بلکه در محلات جدید نیز اشکال ندارد.

مسئله ۷۱۴: لازم نیست در وقت عبادت به طواف و نماز مشغول باشد بلکه هر کاری که عبادت محسوب می‌شود و به قصد قربت انجام دهد - مانند تلاوت قرآن و دعا و نگاه به کعبه و طواف دادن حجاج - کفایت می‌کند.

ترک بیتوته

مسئله ۷۱۵: اگر حاجی ماندن شب در منا را ترک کند باید برای هر شب یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۷۱۶: بر کسانی که در مسئله ۷۱۲ گفته شد به خاطر ترک بیتوته کفاره واجب نیست، بجز گروه اول که بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهند.

۲۶۸..... مناسک حج

مسئله ۷۱۷: اگر حاجی به خاطر فراموشی یا ندانستن حکم شرعی بیتوته در منا را ترک کند بنا بر احتیاط واجب باید كفاره بدهد.

۱۳. رمی جمرات سه گانه

مسئله ۷۱۸: سیزدهمین عمل از اعمال واجب حج رمی جمره اولی و وسطی و عقبه در روزهای یازدهم و دوازدهم ذی الحجه است، و اگر حاجی شب سیزدهم را در منا بماند بنا بر احتیاط واجب روز سیزدهم باید به هر سه جمره سنگ بزند.

کیفیت رمی

مسئله ۷۱۹: واجب است ابتدا جمره اولی را رمی کند و پس از آن جمره وسطی و بعد از آن جمره عقبه را رمی کند، و اگر بر خلاف این ترتیب عمل شود - هر چند به خاطر ندانستن حکم شرعی یا فراموشی - باید رمی را طوری اعاده کند که ترتیب حاصل شود.

مسئله ۷۲۰: آنچه از واجبات و مستحبات رمی جمره عقبه در

۱۳. رمی جمرات سه گانه..... ۲۶۹

مسأله ۶۱۰ و ۶۱۱ گفته شد شامل رمی جمرات سه گانه نیز می شود.

زمان رمی جمرات

مسأله ۷۲۱: رمی جمرات باید در روز باشد، ولی هر کس که از ماندن روز در منا به خاطر ترس یا بیماری یا چیزی دیگر معذور است می تواند شب انجام دهد، بلکه جایز است رمی همه روزها را در یک شب انجام دهد.

مسأله ۷۲۲: بانوان نمی توانند رمی روزهای یازدهم و دوازدهم را شب انجام دهند. بله، اگر زن از رمی در روز عاجز باشد باید نایب بگیرد تا رمی را در روز انجام دهد، ولی به احتیاط مستحب علاوه بر رمی نایب، خودش نیز در شب رمی کند.

وظیفه معذور (نیابت در رمی)

مسأله ۷۲۳: کسی که معذور است و خودش نمی تواند رمی کند مانند مریض، باید نایب بگیرد، و بهتر است اگر می تواند خودش نیز پای جمرات حاضر شود و نایب در حضور او رمی کند.

مسأله ۷۲۴: شخص معذور اگر امید برطرف شدن عذر را داشته باشد ولی برای رمی نایب گرفت و رمی را انجام داد و بعد از آن قبل از گذشتن وقت رمی عذرش برطرف شد بنا بر احتیاط واجب باید خودش رمی را انجام دهد.

مسأله ۷۲۵: کسی که از رمی معذور است و قدرت نایب گرفتن هم ندارد مانند بیهوش، ولیّ او یا شخص دیگری از طرف او رمی را انجام دهد.

مسأله ۷۲۶: نایب باید رمی را در روز انجام دهد و اگر حاجی خودش بتواند در شب جمره را رمی کند به احتیاط مستحب علاوه بر نایب، خودش نیز در شب رمی را انجام دهد.

مسأله ۷۲۷: لازم نیست نایب زن در رمی، زن باشد و نایب مرد نیز لازم نیست مرد باشد، بلکه مرد می تواند نایب زن باشد و زن می تواند نایب مرد باشد.

مسأله ۷۲۸: اگر حاجی نایب شخص دیگری برای رمی باشد می تواند یک بار هر سه جمره را به نیت خودش سنگ بزند و در دور دوم به نیت منوبّ عنه هر سه را رمی کند، و همچنین می تواند هر جمره را یک بار به نیت خودش و یک بار به نیت منوبّ عنه سنگ بزند.

۱۳. رمی جمرات سه گانه ۲۷۱

شکیات رمی

مسأله ۷۲۹: برخی از احکام شک در رمی در بحث رمی جمره عقبه مسأله ۶۱۲ و ۶۱۳ گذشت.

مسأله ۷۳۰: اگر حاجی در تعداد ریگهایی که به جمره خورده شک کند، مسأله دو صورت دارد:

۱. اگر شک او بعد از انصراف از رمی باشد مانند این که از

پای جمره کنار آمده یا مشغول رمی جمره بعد شده باشد؛ به شک خود اعتنا نکند.

۲. اگر شک او پیش از انصراف از رمی باشد؛ واجب است

آنچه را که احتمال کمبود می دهد جبران کند.

ترک رمی جمرات

مسأله ۷۳۱: اگر حاجی از روی فراموشی یا نا آگاهی از حکم

شرعی در روز یازدهم رمی جمرات را ترک کرد باید روز

دوازدهم قضای آن را انجام دهد، و همچنین اگر رمی روز

دوازدهم را ترک کند باید روز سیزدهم آن را قضا کند.

مسأله ۷۳۲: کسی که عمداً رمی جمرات را ترک کند بنا بر

احتیاط واجب باید روز بعد قضای آن را به جا آورد.

مسئله ۷۳۳: کسی که وظیفه اش قضای رمی است بنا بر احتیاط واجب باید بین قضا و ادا فاصله بیندازد و ابتدا قضا را به جا آورد و بعد رمی ادائی همان روز را انجام دهد، و به احتیاط مستحب قضا در ابتدای روز و ادا هنگام ظهر باشد.

مسئله ۷۳۴: کسی که رمی جمرات را از روی فراموشی یا ندانستن حکم شرعی ترک کند و در مکه متوجه شود واجب است برگردد و رمی را انجام دهد، ولی اگر از مکه بیرون رفته است واجب نیست برگردد اما به احتیاط مستحب سال آینده خودش یا نایبش قضای رمی را انجام دهد.

مسئله ۷۳۵: اگر حاجی از روی عمد و آگاهی از حکم شرعی رمی را در روزهای یازدهم و دوازدهم ترک کند و از مکه بیرون رود بنا بر احتیاط واجب باید در سال آینده، اگر به حج رفت خودش و اگر به حج نرفت نایبش قضای آنها را به جا آورد.

مسئله ۷۳۶: اگر حاجی رمی را ترک کند هرچند از روی عمد و آگاهی از حکم شرعی باشد حجش باطل نمی شود، ولی باید طبق وظایفی که در مسائل قبل گفته شد عمل کند.

۱۳. رمی جمرات سه گانه ۲۷۳

کوچ از منا

مسأله ۷۳۷: حاجی بعد از ظهر روز دوازدهم ذی الحجه می تواند از منا کوچ کند.

مسأله ۷۳۸: بیرون رفتن از منا در روز یازدهم اشکال ندارد ولی برای بیتوته باید به منا برگردد، و اگر رمی را انجام نداده باشد باید برگردد و قبل از غروب انجام دهد.

مسأله ۷۳۹: اگر روز دوازدهم حاجی از منا خارج نشد و تا مغرب در آنجا ماند در این صورت واجب است تا نیمه شب در منا بیتوته کند.

فصل ششم

احکام مصدود و محصور

و عمره مفرده

و مسائل متفرقه

احکام مصدود

مسأله ۷۴۰: مصدود کسی است که پس از مُحرم شدن، دشمن و مانند آن مانع از رسیدن او به مکه و سایر اماکن مقدس برای انجام مناسک حج یا عمره بشود.

مسأله ۷۴۱: وظیفه مصدود بدین شرح است:

۱. اگر از عمره مفرده مصدود شود و بخواهد از احرام خارج شود؛ باید گوسفند یا گاو یا شتری تهیه کند و آن را ذبح کند و بنا بر احتیاط واجب سر خود را بتراشد یا موی خود را کوتاه کند.

۲. اگر از عمره تمتع و حج تمتع مصدود شود؛ حکمش همان است که در فرض قبل گذشت.

۳. اگر از اعمال عمره تمتع مصدود شود ولی دشمن مانع از حج تمتع او نشود؛ باید افراد به جا آورد.

۴. اگر از رسیدن به وقوف در عرفات و مشعر یا وقوف در مشعر منع شده است؛ بنا بر احتیاط واجب طواف نماز و

سعی را به جا آورد و سر خود را بتراشد یا موی خود را کوتاه کند و حیوانی قربانی کند و از احرام بیرون رود.

۵. اگر از طواف و سعی منع شده باشد و نگذارند به مسجد الحرام و سعی برود؛ باید برای طواف و سعی نایب بگیرد و نماز طواف را خودش بعد از طواف نایب بخواند و کفایت می‌کند، و اگر نتواند نایب بگیرد و بخواهد از احرام بیرون رود بنا بر احتیاط واجب باید حیوانی را قربانی کند و سر خود را بتراشد یا موی خود را کوتاه کند.

احکام مَحْصُور

مسأله ۷۴۲: محصور کسی است که به سبب بیماری و مانند آن نتواند به مکه و سایر اماکن مقدس برای انجام دادن مناسک عمره و حج برود.

مسأله ۷۴۳: وظیفه محصور بدین شرح است:

۱. اگر محصور در عمره تمتع یا عمره مفرده باشد؛ اگر بخواهد از احرام بیرون رود باید قربانی یا قیمت آن را به مکه بفرستد و با آن شخص قرار بگذارد که در روز مشخصی

قربانی را در مکه بکشد و آنگاه سر خود را بتراشد یا موی خود را کوتاه کند و از احرام بیرون رود، و چنانچه نتواند قربانی یا قیمت آن را به مکه بفرستد جایز است در مکان خود حیوان را ذبح کند.

۲. اگر محصور در حج باشد؛ همان حکم محصور در عمره را دارد با این تفاوت که قربانی او باید در روز عید و در منا ذبح شود.

مسئله ۷۴۴: اگر محصور به وظیفه‌ای که گفته شد عمل کند تمام محرمات احرام بر او حلال می‌شود، بجز زن و مرد که بر هم حرام می‌مانند تا پس از بجای آوردن طواف نساء و نماز آن بر هم حلال شوند.

بهبودی محصور

مسئله ۷۴۵: اگر محصور در عمره مفرده قربانی را به مکه بفرستد و پس از آن - یا پیش از فرستادن قربانی - بیماری‌اش برطرف شود یا بهتر شود، چنانچه بتواند به سفر خود ادامه دهد و قبل از ذبح قربانی‌اش به مکه برسد واجب است به مکه برود و

عمره را به پایان برساند و چیز دیگری بر او واجب نیست.

مسئله ۷۴۶: اگر محصور از عمره تمتع باشد و زمانی بهبودی پیدا کند یا بیماری اش کاهش یابد که بتواند قبل از ظهر روز عرفه اعمال عمره تمتع را انجام دهد باید آن را به جا آورد، ولی اگر نتواند اعمال عمره را اتمام کند باید حج افراد به جا آورد.

مسئله ۷۴۷: اگر محصور در حج تمتع قربانی را بفرستد و بعد از آن بهبودی پیدا کند چنانچه گمان داشته باشد بتواند به حج برسد واجب است حرکت کند تا خود را برساند.

مسئله ۷۴۸: کسی که در حج یا عمره مصدود یا محصور شد و قربانی را فرستاد و از احرام بیرون آمد برای او به جای عمره یا حج کفایت نمی کند، بنابراین اگر قصد حجة الاسلام داشت و استطاعتش باقی ماند یا اینکه حج بر ذمه او مستقر شده بود باید آن را بعداً به جا آورد.

حج مستحب

مسئله ۷۴۹: به جا آوردن حج برای غیر مستطیع یا کسی که حج واجب خود را به جا آورده مستحب است، و به جا آوردن

عمره مفرده..... ۲۸۱

حج در هر سال برای کسی که توانایی داشته باشد مستحب است.

مسأله ۷۵۰: شایسته است برای کسی که از مکه برگشته است قصد بازگشت مجدد به حج را داشته باشد.

مسأله ۷۵۱: اگر انسان اطمینان داشته باشد که اگر برای رفتن حج قرض بگیرد بعداً می تواند قرض خود را پردازد مستحب است قرض بگیرد و به حج برود.

مسأله ۷۵۲: مستحب است انسان کسی که استطاعت رفتن به حج ندارد را به حج بفرستد.

مسأله ۷۵۳: اگر از سهم فقیران به فقری زکات بدهند جایز است آن را در حج مستحب صرف کند.

مسأله ۷۵۴: زنی که شوهر دارد برای رفتن به حج مستحب یا عمره مستحب باید از شوهرش اجازه بگیرد، و اگر بدون اجازه او برود باطل است.

عمره مفرده

مسأله ۷۵۵: اعمال عمره مفرده عبارت است از: احرام، طواف،

۲۸۲ مناسک حج

نماز طواف، سعی، حلق یا تقصیر، طواف نساء، نماز طواف نساء.

مسئله ۷۵۶: بر کسی که حج تمتع واجب است و استطاعت حج را ندارد ولی استطاعت عمره مفرده را دارد به جا آوردن عمره مفرده واجب نیست.

مسئله ۷۵۷: بر کسی که وظیفه اش حج تمتع بوده ولی به سببی وظیفه او تبدیل به حج افراد شده است به جا آوردن عمره مفرده پس از حج واجب نیست.

مسئله ۷۵۸: وارد شدن به شهر مکه بلکه به حرم مکه بدون احرام جایز نیست، بنابراین کسی که بخواهد در غیر ماه های حج وارد حرم شود باید برای عمره مفرده محرم شود مگر کسانی که استثناء شده اند، که عبارتند از:

۱. کسی که به علت کاری که دارد مرتباً به حرم وارد شده و از آن خارج می گردد مانند راننده.

۲. کسی که اعمال عمره مفرده او تمام شده اگر از مکه یا حرم خارج شود می تواند پیش از گذشتن ماه قمری که عمره خود را در آن انجام داده بدون احرام وارد مکه شود.

عمره مفرده..... ۲۸۳

۳. مریضی که احرام بستن و انجام عمره برای او مشقت زیاد دارد.

مسأله ۷۵۹: به جا آوردن عمره مفرده در هر ماه قمری مستحب است، و لازم نیست بین دو عمره سی روز فاصله باشد، بلکه می تواند در اواخر یک ماه یک عمره و در اوایل ماه بعد عمره دیگری به جا آورد.

مسأله ۷۶۰: به جا آوردن دو عمره مفرده در یک ماه در صورتی که هر دو عمره برای خودش باشد یا هر دو به نیابت از یک نفر باشد جایز نیست، ولی می تواند عمره دوم را به قصد رجاء به جا آورد، اما اگر یکی از آنها برای خودش و دومی به نیابت از شخص دیگری باشد یا هر دو به نیابت از دو نفر مستقل باشد اشکال ندارد.

مسأله ۷۶۱: در اینکه بین عمره تمتع و عمره مفرده فاصله ای شرط باشد اشکال است، لذا اگر در ماه ذی الحجه عمره تمتع را انجام داده باشد و بخواهد پس از اعمال حج، عمره مفرده انجام دهد بنا بر احتیاط واجب باید آن را تا ماه محرم تأخیر بیندازد، یا کسی که مثلاً در ماه شوال عمره مفرده انجام داده باشد و بخواهد

پس از آن عمره تمتع به جا آورد بنا بر احتیاط واجب در همان ماه انجام ندهد.

مسئله ۷۶۲: کسی که در ماه‌های حج، عمره مفرده به جا آورد و تا روز هشتم ذی الحجه در مکه بماند و تصمیم بر انجام دادن حج بگیرد عمره مفرده‌ای که به جا آورده عمره تمتع به حساب می‌آید و بعد از آن کافی است حج تمتع به جا آورد، و در این مسئله فرقی بین حج واجب و حج مستحب نیست.

مسئله ۷۶۳: اگر کسی بین عمره تمتع و حج، عمره مفرده انجام دهد عمره تمتعش باطل می‌شود و باید دوباره آن را به جا آورد، ولی اگر تا روز هشتم ذی الحجه در مکه بماند و بنخواهد حج به جا آورد همان عمره مفرده او عمره تمتع محسوب خواهد شد، بنابراین باید بعد از آن حج تمتع را به جا آورد.

مسئله ۷۶۴: کسی که حج واجب خود را به جا آورده یا وظیفه او حج تمتع است چنانچه به نیابت از شخص دیگری برای انجام عمره مفرده به مکه برود واجب نیست عمره مفرده‌ای هم به نیت خودش انجام دهد، هرچند در آن هنگام استطاعت برای عمره مفرده داشته باشد، ولی به احتیاط مستحب آن را به جا آورد.

عمره مفرده..... ۲۸۵

تفاوت عمره مفرده و عمره تمتع

مسأله ۷۶۵: عمره تمتع و عمره مفرده در اعمال مشترکند با این تفاوت:

۱. در عمره مفرده طواف نساء واجب است ولی در عمره تمتع واجب نیست.

۲. عمره تمتع حتماً باید در ماه‌های حج - شوال، ذی القعدة و ذی الحجه - به جا آورده شود ولی عمره مفرده را همیشه می‌توان انجام داد، و بهترین زمان آن ماه رجب است.

۳. برای مردان بیرون رفتن از احرام عمره تمتع فقط با تقصیر است ولی در عمره مفرده با حلق یا تقصیر است هرچند حلق افضل است، و اما زنان حتماً باید تقصیر کنند.

۴. عمره تمتع و حج تمتع باید در یک سال باشد ولی عمره مفرده چنین نیست، بنابراین کسی که حج افراد و عمره مفرده بر او واجب باشد می‌تواند حج را در یک سال و عمره مفرده را در سال دیگر انجام دهد.

مسأله ۷۶۶: برای عمره مفرده باید از یکی از میقاتهای پنج‌گانه محرم شوند، بلکه کسی که در مکه باشد و بخواهد عمره مفرده

۲۸۶ مناسک حج

انجام دهد می تواند از بیرون حرم مثل تنعیم یا حدیبیه یا جعرانه محرم شود و لازم نیست به آن میقاتها برود.

مسأله ۷۶۷: کسی که برای احرام عمره مفرده به بیرون حرم می رود، رفتن به تنعیم یا حدیبیه یا جعرانه، خصوصیتی ندارد، بلکه از هر جا که بیرون حرم باشد می تواند مُحرم شود.

مسائل متفرقه

خمس پول ثبت نامی

مسأله ۷۶۸: مبلغی که افراد به حساب سازمان حج و زیارت یا در بانک به حساب خاصی واریز می کنند و ثبت نام می کنند و سندی دریافت می کنند، اگر قبل از آنکه نوبت شخص یا ایام حج فرا رسد سال خمسی او برسد، چنانچه حج از قبل بر ذمه او مستقر شده باشد و راهی جز ثبت نام به این طریق نداشته باشد خمس ندارد، و در غیر این صورت خمس آن واجب است.

مسأله ۷۶۹: در فرض مسأله قبل چنانچه قرارداد اجاره صحیحی با سازمان حج و زیارت داشته باشد تا او را به حج

بفرستد، خمس قیمت فعلی فیش حج را باید پردازد، اما اگر چنین قراردادی در بین نباشد خمس مبلغ واریزی کفایت می‌کند.

مسأله ۷۷۰: چنانچه هزینه حج را شخص دیگر به او ببخشد و نداند خمس به آن مال تعلق گرفته یا نه، یا اینکه خمس آن را داده است یا نه، خمس بر گیرنده آن مال واجب نیست.^(۱)

ثبوت اول ماه

مسأله ۷۷۱: از آنجا که برخی از واجبات حج، مانند وقوف در عرفات و مشعر و رمی جمرات و بیتوته در منا، باید در روزها و شبهای مخصوص از ماه ذی الحجه به جا آورده شود، بنابراین بر مکلف واجب است که برای دیدن هلال ماه ذی الحجه و ثابت شدن اول ماه تحقیق کند تا بتواند مناسک حج را در وقت مخصوص آن انجام دهد.

۱. بلکه اگر بخشنده مال ملتزم به پرداخت خمس آن نباشد بر گیرنده که شیعه اثناعشری است پرداخت خمس لازم نیست هر چند بداند که آن مال متعلق خمس بوده است.

مسئله ۷۷۲: اگر اول ماه از طرف قاضی عربستان یا حاکمان آنجا اعلام شود، مسئله چند صورت خواهد داشت:

۱. اگر صحت آن معلوم باشد؛ باید از آنها متابعت کند، و اگر بر اساس آن عمل کند حج او صحیح است.

۲. اگر احتمال صحت و مطابقت با واقع داده شود؛ به احتیاط واجب باید مکلف اعمال را در اوقات مخصوص آن بر طبق موازین شرعی ثبوت هلال به جا آورد، و اکتفا به وقوف همراه با قاضی آنجا محل اشکال است.

۳. اگر یقین به اشتباه و عدم مطابقت با واقع داشته باشد؛ همان حکم صورت قبل را دارد.

﴿دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه﴾

از جمله دعاهای مشهور روز عرفه دعای حضرت سید الشهداء علیه السلام است، بشر و بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده‌اند که بعد از ظهر روز عرفه در صحرای عرفات خدمت آن حضرت بودیم، پس با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان با نهایت خضوع و خشوع از خیمه خود بیرون آمدند و در جانب چپ کوه ایستادند، و روی مبارک خویش را بسوی کعبه نمودند و دستها را برابر صورت برداشتند مانند مسکینی که طعام می‌طلبد، و این دعا را خواندند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا
كُصْنَعِهِ صُنْعٌ صَانِعٌ وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ
الْبَدَائِعِ وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الظَّلَائِعُ وَلَا
تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ جَازِيٌ كُلَّ صَانِعٍ وَرَائِشُ كُلِّ قَانِعٍ

وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ وَمُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَالكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ
السَّاطِعِ وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ وَلِلْكُرْبَاتِ دَافِعٌ وَلِلدَّرَجَاتِ
رَافِعٌ وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ وَلَيْسَ
كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ وَهُوَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغُبُ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ
مُقِرّاً بِأَنَّكَ رَبِّي وَإِلَيْكَ مَرَدِّي ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ
أَكُونَ شَيْئاً مَذْكوراً وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ اسْكَنْتَنِي
الْأَصْلَابَ آمِناً لِرَيْبِ الْمَنُونِ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسِّنِينَ،
فَلَمْ أَرْزُ ظَاعِناً مِنْ صُلْبٍ إِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادُمٍ مِنَ الْأَيَّامِ
الْمَاضِيَةِ وَالْفُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَلُطْفِكَ لِي
وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أُمَّةِ الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ
وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ، لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى
الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي وَفِيهِ أَنْشَأْتَنِي وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَوُّفَتَ بِي
بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَسَوَابِغِ نِعَمِكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيَّ

يُمْنِي وَأَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ، لَمْ
تُشْهِدْنِي خَلْقِي وَلَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئاً مِنْ أَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي
لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَاماً سَوِيّاً وَحَفَظْتَنِي فِي
الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيّاً وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْعِذَاءِ لَبَناً مَرِيّاً وَعَطَفْتَ
عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ وَكَفَلْتَنِي الْأُمّهَاتِ الرّوَاحِمِ وَكَلَأْتَنِي مِنْ
طَوَارِقِ الْجَانِّ وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالتُّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا
رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَكْتُ نَاطِقاً بِالْكَلامِ أَتَمَمْتَ
عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ وَرَبَّيْتَنِي زَائِداً فِي كُلِّ عَامٍ حَتَّى إِذَا
اِكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي وَاعْتَدَلَتْ مِرَّتِي أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُبَّكَ بِأَنْ
أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ وَأَيَّقَظْتَنِي
لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ وَنَبَّهْتَنِي
لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ وَفَهَّمْتَنِي
مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ وَبَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ وَمَنْنْتَ عَلَيَّ
فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ

الَّتَى لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى وَرَزَقْتَنِي مِنْ
 أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَصُنُوفِ الرِّيشِ بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ
 وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا ائْتَمَّتْ عَلَيَّ جَمِيعَ النَّعَمِ
 وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ التَّقَمِّ لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ
 دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ، فَإِنْ
 دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ
 شَكَرْتَنِي وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لَانْعُمِكَ عَلَيَّ
 وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبْدِئٍ مُعِيدٍ حَمِيدٍ
 مُجِيدٍ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَتْ آلَاؤُكَ، فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا
 إِلَهِي أَحْصِي عَدَدًا وَذَكَرًا أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقُومُ بِهَا سُكْرًا
 وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا
 الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ
 وَالضَّرَاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَاءِ، وَأَنَا أَشْهَدُ
 يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي وَعَقْدِ عَزَمَاتِي يَقِينِي وَخَالِصِ صَرِيحِ

تَوْحِيدِي وَبَاطِنِ مَكُونِ ضَمِيرِي وَعَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ
 بَصْرِي وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي وَخُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي
 وَخَذَارِيفِ مَارِنِ عِرْنِينِي وَمَسَارِبِ سِمَاحِ سَمْعِي وَمَا
 ضُمْتُ وَأُطْبَقْتُ عَلَيْهِ شَفَتَايَ وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي وَمَعْرِزِ
 حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي وَمَسَاغِ مَطْعَمِي
 وَمَشْرِئِي وَحِمَالَةِ أُمِّ رَأْسِي وَبَلْوَعِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي وَمَا
 اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي وَحِمَائِلُ حَبْلِ وَتِينِي وَنِيَاطِ
 حِجَابِ قَلْبِي وَأَفْلَازِ حَوَاشِي كَبِدِي وَمَا حَوْتُهُ شَرَاسِيفُ
 أَضْلَاجِي وَحِقَاقُ مَفَاصِلِي وَقَبْضُ عَوَامِلِي وَأَطْرَافُ أَنَامِلِي
 وَلَحْمِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشْرِي وَعَصَبِي وَقَصَبِي وَعَظَائِمِي
 وَمُخِّي وَعُرُوقِي وَجَمِيعُ جَوَارِحِي وَمَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامَ
 رِضَاعِي وَمَا أَقْلَتِ الْأَرْضُ مِنِّي وَنَوْمِي وَيَقْظَتِي وَسُكُونِي
 وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ
 مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عُمِّرْتُهَا أَنْ أُوَدِّي شُكْرَ

وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعِمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنِّكَ الْمُوجِبِ
 عَلَيَّ بِهِ شُكْرِكَ أَبَدًا جَدِيدًا وَثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا، أَجَلٌ، وَلَوْ
 حَرَصْتُ أَنَا وَالْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ نُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ
 سَالِفِهِ وَأَنِفِهِ مَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا، هَيْهَاتَ
 أَنَّى ذَلِكَ وَأَنْتَ الْمُخِيرُ فِي كِتَابِكَ التَّاطِقِ وَالتَّبَا الصَّادِقِ:
 ﴿وَأِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا﴾، صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ
 وَإِنِّبَاؤُكَ، وَبَلَغْتَ أَنْبِيَائُكَ وَرُسُلُكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ
 وَحْيِكَ وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ
 بِجُهْدِي وَجِدِّي وَمَبْلَغِ طَاعَتِي وَوُسْعِي وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مَورُوثًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
 شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ وَلَا وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ
 فَيُرْفِدُهُ فِيمَا صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا
 اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَقَطَّرَتَا، سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ
 الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه ۲۹۵

حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَسَلَّم.

پس حضرت شروع در دعا و طلب حاجت نمودند و با دیدگانی
اشکبار فرمودند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَأُسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ
وَلَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَخِرْ لِي فِي قَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي
قَدْرِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا
عَجَلْتَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي
وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالتُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي
وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي
وَانصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَأَرِنِي فِيهِ ثَأْرِي وَمَآرِي وَأَقِرَّ
بِذَلِكَ عَيْنِي، اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَاعْفِرْ لِي
خَطِيئَتِي وَاخْسَأْ شَيْطَانِي وَفُكَّ رَهَانِي وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي

الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا
خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي
فَجَعَلْتَنِي خَلْقاً سَوِيّاً رَحْمَةً بِي وَقَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً،
رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ
صُورَتِي رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي عَافَيْتَنِي رَبِّ بِمَا
كَلَأْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي رَبِّ بِمَا
أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَعْطَيْتَنِي وَسَقَيْتَنِي
رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَأَفْنَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَعَنْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي رَبِّ
بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ
الْكَافِي، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ
وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ وَنَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ
الْآخِرَةِ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ مَا
أَخَافُ فَأَكْفِنِي وَمَا أَحْذَرُ فَفِنِي وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَاحْرُسْنِي
وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَاخْلُفْنِي وَفِيمَا

رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي وَفِي نَفْسِي فَذَلَّلْنِي وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ
 فَعَظَّمْنِي وَمِنْ شَرِّ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْني وَبِذُنُوبِي فَلَا
 تَفْضَحْنِي وَبَسْرِيَّتِي فَلَا تُخْزِنِي وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي وَنِعَمَكَ
 فَلَا تَسْلُبْنِي وَإِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي، إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكِلْنِي
 إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطُعْنِي أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمْنِي أَمْ إِلَى
 الْمُسْتَضْعِفِينَ لِي وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكَ أَمْرِي، أَشْكُو إِلَيْكَ
 غُرْبَتِي وَبُعْدَ دَارِي وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتُهُ أَمْرِي، إِلَهِي فَلَا
 تُخْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أُبَالِي
 سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي، فَاسْأَلُكَ يَا رَبَّ بْنُورٍ
 وَجْهَكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ وَكُشِفَتْ بِهِ
 الظُّلُمَاتُ وَصَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ أَنْ لَا تُمِيتَنِي
 عَلَى غَضَبِكَ وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ، لَكَ الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى
 حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ
 وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحَلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ

وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَن عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِجَلْمِهِ
يَا مَنْ أَسْبَغَ التَّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ
يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي
يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي يَا إِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ
وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبَّ جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَرَبَّ
مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَإِلَهَ الْمُتَنَجِّينَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ
وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَمُنْزِلَ كَهْيَعص وَطِه وَيَس وَالْقُرْآنِ
الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا
وَتَضِيقُ بِي الْأَرْضَ بِرُحْبِهَا وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ
الْهَالِكِينَ وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي وَلَوْلَا سَتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ
الْمَفْضُوحِينَ وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالتَّصَرِّ عَلَى أَعْدَائِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ
إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ
وَالرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعِزُّهُ يَعْتَرُونَ يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نَيْرَ
الْمَدَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ يَعْلَمُ خَائِنَةَ

الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمَنَةُ
وَالْدُّهُورُ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ
مَا هُوَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ
عَلَى الْمَاءِ وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ يَا ذَا
الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا يَا مُقَيِّضَ الرِّكَبِ لِيُوسِفَ فِي
الْبَلَدِ الْفَقْرِ وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجَبِّ وَجَاعِلُهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا
يَا رَادَّهُ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ
كَظِيمٍ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلَاءِ عَنْ أَيُّوبَ وَمُمْسِكَ يَدَيِ
إِبْرَاهِيمَ عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنَاءِ عُمُرِهِ يَا مَنْ
اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى وَلَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا يَا
مَنْ أَخْرَجَ يُوسُفَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي
إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ يَا
مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ
عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحَرَةَ مِنْ بَعْدِ

طُولِ الْجُحُودِ وَقَدْ عَدَوَا فِي نِعْمَتِهِ يَا كُلُّونَ رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَ
 غَيْرَهُ وَقَدْ حَادُّوهُ وَنَادُّوهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا
 بَدِيءُ يَا بَدِيعُ لَا نِدَّ لَكَ يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ يَا حَيًّا حِينَ لَا
 حَيَّ يَا مُحْيِي الْمَوْتِ يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ
 يَا مَنْ قُلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَعَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ
 يَفْضَحْنِي وَرَأَى عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي يَا مَنْ حَفِظَنِي
 فِي صَغَرِي يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي يَا مَنْ أَيَّدَنِي عِنْدِي لَا
 تُخْصِي وَنِعْمُهُ لَا تُجَازِي يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ
 وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ
 قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِمْتِنَانِ يَا مَنْ دَعَاؤُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي
 وَعُزْرِيَانَا فَكَسَانِي وَجَائِعًا فَأَشْبَعَنِي وَعَظْشَانَا فَأَرْوَانِي وَذَلِيلًا
 فَأَعَزَّنِي وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي وَغَايِبًا فَزِدَّنِي
 وَمُقِلًّا فَأَغْنَانِي وَمُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي
 وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَأَبْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا

مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي وَنَقَّسَ كُرْبَتِي وَأَجَابَ دَعْوَتِي وَسَتَرَ عَوْرَتِي
 وَغَفَرَ ذُنُوبِي وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي وَإِنْ أَعَدَّ
 نِعَمَكَ وَمِنَّكَ وَكَرَائِمَ مَنَاحِكَ لَا أُحْصِيهَا، يَا مَوْلَايَ أَنْتَ
 الَّذِي مَنَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ أَنْتَ
 الَّذِي أَجْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ أَنْتَ
 الَّذِي رَزَقْتَ أَنْتَ الَّذِي وَقَفْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ أَنْتَ
 الَّذِي أَغْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ أَنْتَ
 الَّذِي كَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ أَنْتَ
 الَّذِي سَتَرْتَ أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ أَنْتَ الَّذِي
 مَكَّنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ أَنْتَ الَّذِي
 عَصَدْتَ أَنْتَ الَّذِي أَيْدَتَ أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ أَنْتَ الَّذِي
 شَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ
 وَتَعَالَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا، ثُمَّ أَنَا
 يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْهَا لِي، أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ أَنَا

الَّذِي أَخْطَأْتُ أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ أَنَا الَّذِي
 غَفَلْتُ أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ أَنَا الَّذِي
 تَعَمَّدْتُ أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ أَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ أَنَا الَّذِي
 نَكَّثْتُ أَنَا الَّذِي أَفْرَرْتُ أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ
 وَعِنْدِي وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْهَا لِي، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ
 عِبَادِهِ وَهُوَ الْعَيُّ عَنْ طَاعَتِهِمُ وَالْمَوْفَّقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا
 مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي أَمَرْتَنِي
 فَعَصَيْتُكَ وَنَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ فَأَصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةٍ
 لِي فَأَعْتَذِرُ وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ فَبَائِي شَيْءٍ أَسْتَقْبِلُكَ يَا
 مَوْلَايَ أَبِسمِيعِي أَمْ بِبَصَرِي أَمْ بِلِسَانِي أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي،
 أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ،
 فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآبَاءِ
 وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي
 وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي، وَلَوْ أَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَى مَا

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه ۳۰۳

اَظَلَعْتَ عَلَيْهِ مَنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي وَلَكَرَفْضُونِي وَقَطَعُونِي، فَهَا
أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ
حَقِيرٌ لَا ذُو بَرَايَةٍ فَأَعْتَذِرُ وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ وَلَا حُجَّةَ
فَاحْتَجُّ بِهَا وَلَا قَائِلٌ لَمْ اجْتَرِحْ وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءًا، وَمَا عَسَى
الْجُحُودُ وَلَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي كَيْفَ وَأَتَى ذَلِكَ
وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَعَلِمْتُ يَقِينًا
غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنَّكَ سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ وَأَنَّكَ الْحَكَمُ
الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي
فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ وَإِنْ تَعْفُ
عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الْمُوحِّدِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا

أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاعِبِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
مِنَ السَّائِلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الْمُسَبِّحِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكَبِّرِينَ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأُولِينَ، اللَّهُمَّ هَذَا
ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا وَإِخْلَاصِي لِدُكْرِكَ مُوَحِّدًا وَإِقْرَارِي
بِأَلَائِكَ مُعَدِّدًا، وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أَحْصِهَا لِكُثْرَتِهَا
وَسُبُوحِهَا وَتَظَاهِرِهَا وَتَقَادُومِهَا إِلَى حَدِيثٍ مَا لَمْ تَزَلْ
تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمْرِ مِنَ
الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ وَكَشَفِ الضَّرِّ وَتَسْيِيبِ الْيُسْرِ وَدَفْعِ
الْعُسْرِ وَتَفْرِيجِ الْكَرْبِ وَالْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةِ فِي
الدِّينِ، وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدَرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعُ الْعَالَمِينَ مِنَ
الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ، تَقَدَّسَتْ

وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ لَا تُخْصِي آلَاؤُكَ وَلَا
يُبْلِغُ ثَنَاؤُكَ وَلَا تُكَافِي نِعْمَاؤُكَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَتَمِّمْ عَلَيْنَا نِعَمَكَ وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ السُّوءَ وَتُغِيثُ
الْمَكْرُوبَ وَتُشْفِي السَّقِيمَ وَتُغْنِي الْفَقِيرَ وَتَجْبُرُ الْكَسِيرَ
وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَتُعِينُ الْكَبِيرَ وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ وَلَا
قَوْقَكَ قَدِيرٌ وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطْلِقَ الْمَكْبَلِ الْأَسِيرِ يَا
رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ لَا
شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْظَمِي فِي
هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ وَأَنْلَتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ
مِنْ نِعْمَةٍ تُولِيهَا وَأَلَاءٍ تُجَدِّدُهَا وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا وَكُرْبَةٍ
تَكْشِفُهَا وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا وَحَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا وَسَيِّئَةٍ تَتَعَمَّدُهَا
إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَيْرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ
أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَى وَأَوْسَعُ

مَنْ أَعْطَى وَأَسْمَعَ مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَرَحِيمَهُمَا لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ،
دَعَوْتُكَ فَأَجَبْتَنِي وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي وَرَغَبْتُ إِلَيْكَ
فَرَحِمْتَنِي وَوَثِقْتُ بِكَ فَنَجَيْتَنِي وَفَرَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي،
اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَعَلَى آلِهِ
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتِكَ وَهَنِّئْنَا
عَطَائِكَ وَاكْتُبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ وَلَا لَائِكَ ذَاكِرِينَ آمِينَ آمِينَ
رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرَ وَقَدَرَ فَقْهَرَ وَعُصِيَ
فَسْتَرَ وَاسْتُغْفَرَ فَغَفَرَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ
يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَوَسَّعَ الْمُسْتَغِيلِينَ رَأْفَةً
وَرَحْمَةً وَحِلْمًا، اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي
شَرَّفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ
خَلْقِكَ وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ
الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ،

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِدَلِكْ
 مِنْكَ يَا عَظِيمُ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الْمُنتَجِبِينَ الطَّيِّبِينَ
 الظَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَتَغَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَإِلَيْكَ عَجَّتِ
 الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ
 نَصِيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ وَنُوراً تَهْدِي بِهِ
 وَرَحْمَةً تَنْشُرُهَا وَبَرَكَهَةً تُنْزِلُهَا وَعَافِيَةً تُجَلِّلُهَا وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ
 مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ وَلَا
 تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا
 تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مُحْرُومِينَ وَلَا لِفَضْلِكَ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ
 عَطَائِكَ قَانِطِينَ وَلَا تُرَدِّدْنَا خَائِبِينَ وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ،
 يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ
 وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قَاصِدِينَ فَأَعِنَّا عَلَى مَنَاسِكَنَا وَاكْمِلْ
 لَنَا حَاجَتَنَا وَاعْفُ عَنَّا وَعَافِنَا فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِينَاهِ

بِذَلَّةِ الاعْتِرَافِ مَوْسُومَةً، اللَّهُمَّ فَأَعْظِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا
سَأَلْنَاكَ وَاكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ وَلَا رَبَّ
لَنَا غَيْرُكَ، نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ عَدْلٌ فِينَا
قَضَاؤُكَ أَقْضَى لَنَا الْخَيْرَ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ
أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْأَجْرِ وَكَرِيمَ الذَّخْرِ وَدَوَامَ الْيُسْرِ
وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ وَلَا
تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ
اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَشَكَرَكَ فَرَزَدَتْهُ
وَثَابَ إِلَيْكَ فَقَبِلَتْهُ وَتَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَعَفَرَتْهَا
لَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اللَّهُمَّ وَنَقِّنَا وَسَدِّدْنَا وَاقْبَلْ
تَضَرُّعَنَا يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، يَا مَنْ لَا
يَخْفَى عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ وَلَا لَحْظُ الْعُيُونِ وَلَا مَا اسْتَقَرَّ
فِي الْمَكُونِ وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ أَلَا كُلُّ
ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ وَوَسَّعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه ۳۰۹

عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوءًا كَبِيرًا تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ
السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ
بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْحَدِّ يَا ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ وَأَنْتَ الْجَوَادُ
الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ
وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي وَآمِنْ خَوْفِي وَاعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ،
اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْدَعْنِي وَادْرَأْ عَنِّي
شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ.

پس حضرت سر و دیده خود را به سوی آسمان بلند کرد و در
حالی که از دیده های مبارکش اشک می ریخت فرمود:

يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ
وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ
الْمَيَامِينَ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أُعْطِيتُهَا لَمْ
يُضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتَنِي،

أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبَّ يَا رَبَّ.

وقتی امام حسین علیه السلام به کلمه (یا رَبَّ) رسید آن را بسیار تکرار کرد و کسانی که دور آن حضرت بودند دعا برای خود را کنار گذاشته و به دعای آن حضرت گوش فرا دادند و (آمین) می گفتند، و با گریه ایشان با صدای بلند گریستند، تا آنکه آفتاب غروب کرد و مردم به همراه حضرت از عرفات حرکت کردند.

تا این بخش از دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه طبق روایت کفعمی در کتاب (البلد الامین) و همچنین روایت علامه مجلسی در کتاب (زاد المعاد) می باشد، ولی سید ابن طاووس در کتاب (اقبال الاعمال) بعد از (یا رَبَّ یا رَبَّ) این اضافات را نقل کرد:

إِلَهِی أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي،
إِلَهِی أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي،

إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَسُرْعَةَ طَوَائِ مَقَادِيرِكَ مَنَعَا
عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ وَالْيَأْسِ مِنْكَ
فِي بَلَاءٍ، إِلَهِي مَنِّي مَا يَلِيْقُ بِلُؤْمِي وَمِنْكَ مَا يَلِيْقُ بِكَرَمِكَ،
إِلَهِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي
أَفْتَمَنَعَنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وَجُودِ ضَعْفِي، إِلَهِي إِنْ ظَهَرَتْ
الْمَحَاسِنُ مِنِّي فَيَفْضِلِكَ وَلَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ وَإِنْ ظَهَرَتْ
الْمَسَاوِيءُ مِنِّي فَيَعْدِلِكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ، إِلَهِي كَيْفَ
تَكَلَّمْتَ لِي وَقَدْ تَكَفَّلْتَ لِي وَكَيْفَ أَضَامُ وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِي، أَمْ
كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ الْحَفِيُّ بِي، هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي
إِلَيْكَ وَكَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مُحَالٌ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ، أَمْ
كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَهُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ
أُتَرْجِمُ بِمَقَالِي وَهُوَ مِنْكَ بَرَزُ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ آمَالِي
وَهِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ لَا تُحَسِّنُ أَحْوَالِي وَبِكَ
قَامَتْ، إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي وَمَا أَرْحَمَكَ بِي

مَعَ قَبِيحٍ فِعْلِي، إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَأَبْعَدَنِي عَنْكَ وَمَا
أَرَأَاكَ بِي فَمَا الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ، إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ
الْآثَارِ وَتَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ أَنَّ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي
كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ، إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لُؤْمِي
أَنْطَقَنِي كَرَمُكَ وَكُلَّمَا آيَسَنِي أَوْصَافِي أَطْمَعَنِي مِنْكَ، إِلَهِي
مَنْ كَانَتْ مُحَاسِنُهُ مَسَاوِيَّ فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيَّهُ
مَسَاوِيَّ، وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي فَكَيْفَ لَا تَكُونُ
دَعَاوَاهُ دَعَاوِي، إِلَهِي حُكْمُكَ التَّافِذُ وَمَشِيئَتُكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ
يَتْرُكَا لِيذِي مَقَالٍ مَقَالاً وَلَا لِيذِي حَالٍ حَالاً، إِلَهِي كَمْ مِنْ
طَاعَةٍ بَنَيْتُهَا وَحَالَةٍ شَيَّدْتُهَا هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ
بَلْ أَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ، إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدُمْ
الطَّاعَةُ مِنِّي فِعْلاً جَزْماً فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةً وَعَزْماً، إِلَهِي
كَيْفَ أَعْزِمُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ وَكَيْفَ لَا أَعْزِمُ وَأَنْتَ الْآمِرُ،
إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْآثَارِ يُوجِبُ بُعْدَ الْمَزَارِ فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ

بِخِدْمَةِ تَوْصِلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي
وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ أَيْكُونُ لِعَیْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ
لَكَ حَتَّى يَكُونَهُ هُوَ الْمُظْهِرَ لَكَ، مَتَى غَبْتَ حَتَّى تَحْتَاجَ
إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ وَمَتَى بَعُدْتَ حَتَّى تَكُونَ الْآثَارُ هِيَ
الَّتِي تُوَصِّلُ إِلَيْكَ، عَمِيتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا
وَحَسِرْتُ صَفْقَةً عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيبًا، إِلَهِي
أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْآثَارِ فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْفَةِ الْأَنْوَارِ
وَهِدَايَةِ الْإِسْتِبْصَارِ حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ
إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونٌ السَّرِّ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا وَمَرْفُوعَ الْهِمَّةِ عَنِ
الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَهِي هَذَا دُلِّي
ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَهَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ مِنْكَ أَطْلُبُ
الْوُصُولَ إِلَيْكَ وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ
وَأَقْمِنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ، إِلَهِي عَلَّمَنِي مِنْ
عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ وَصَنِّي بِسِرِّكَ الْمَصُونِ، إِلَهِي حَقَّقْنِي

يَحَقِّقُ أَهْلُ الْقُرْبِ وَأَسْأَلُكَ يَا مَسْلَكَ أَهْلِ الْجَذْبِ، إِلَهِي
أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي وَبِاخْتِيَارِكَ عَنْ اخْتِيَارِي
وَأَوْقِفْنِي عَلَى مَرَائِزِ اضْطِرَارِي، إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ
نَفْسِي وَطَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي وَشِرْكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ
أَنْتَصِرُ فَأَنْصُرْنِي وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلَا تَكِلْنِي وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا
تُخَيِّبْنِي وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي وَبِحَنَابِكَ أَنْتَسِبُ
فَلَا تُبْعِدْنِي وَبِبَابِكَ أَقِفْ فَلَا تَطْرُدْنِي، إِلَهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ
أَنْ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي، إِلَهِي
أَنْتَ الْغَنِيُّ بِذَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ التَّفَعُّعُ مِنْكَ فَكَيْفَ لَا
تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي، إِلَهِي إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يُمَنِّينِي وَإِنَّ
الْهَوَى بِوَثَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي فَكُنْ أَنْتَ التَّصِيرَ لِي حَتَّى
تَنْصُرَنِي وَتُبَصِّرَنِي وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى اسْتَغْنِيَ بِكَ عَنْ
طَلْبِي، أَنْتَ الَّذِي أَشْرَفْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى
عَرَفُوكَ وَوَحَّدُوكَ وَأَنْتَ الَّذِي أَرَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ

أَحِبَّايَكَ حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ وَلَمْ يُلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ أَنْتَ
 الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشْتَهُمُ الْعَوَالِمُ وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمُ
 حَيْثُ اسْتَبَانَ لَهُمُ الْمَعَالِمُ، مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الَّذِي
 فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ، لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا وَلَقَدْ
 خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مُتَحَوِّلًا، كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا
 قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ وَكَيْفَ يُطْلَبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَّلْتَ
 عَادَةَ الْاِمْتِنَانِ، يَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّائَهُ حَلَاوَةَ الْمُؤَانَسَةِ فَقَامُوا
 بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ، وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَائَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ
 فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ، أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ
 وَأَنْتَ الْبَادِئُ بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ وَأَنْتَ الْجَوَادُ
 بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلَبِ الظَّالِمِينَ وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا
 مِنَ الْمُسْتَقْرِضِينَ، إِلَهِي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ
 وَاجْذِبْنِي بِمَنِّكَ حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ، إِلَهِي إِنَّ رَجَائِي لَا
 يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ

أَطَعْتُكَ فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمَ إِلَيْكَ وَقَدْ أَوْقَعَنِي عِلْمِي
بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ، إِلَهِي كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ أَمَلِي أَمْ كَيْفَ
أُهَانُ وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي، إِلَهِي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَفِي الدَّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي
أَمْ كَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّ وَإِلَيْكَ نَسَبْتَنِي، إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ
وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقَمْتَنِي أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي
بِجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ
فَمَا جَهَلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ
فَرَأَيْتُكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ
اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ فَصَارَ الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ مُحَقَّتَ الْآثَارِ
بِالْآثَارِ وَمَحَوَّتِ الْأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ، يَا مَنْ
اِحْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ يَا مَنْ
تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ مِنَ الْإِسْتِوَاءِ، كَيْفَ
تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ،
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ.

﴿ دعای امام سجاد علیه السلام در روز عرفه ﴾

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ رَبِّ الْأَرْبَابِ وَإِلَهُ كُلِّ مَالُوهِ
وَخَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ وَوَارِثِ كُلِّ شَيْءٍ ﴿ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ﴾
وَلَا يَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ وَهُوَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَحَدُ الْمُتَوَحِّدُ
الْفَرْدُ الْمُتَفَرِّدُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ الْمُتَكَرِّمُ
الْعَظِيمُ الْمُتَعَزِّمُ الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ الشَّدِيدُ الْمَحَالِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ وَالْعَالِي فِي دُنُوِّهِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ وَالْكَبَرِيَاءِ وَالْحَمْدِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الَّذِي أَنْشَأْتَ الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ سِنَخٍ وَصَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ وَابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلاَ اخْتِذَاءٍ، أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا وَكَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَيْسِيرًا وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا، أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعْنِكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكَ وَلَمْ يُوَارِزِكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ وَلَا نَظِيرٌ، أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَتْمًا مَا أَرَدْتَ وَقَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا قَضَيْتَ وَحَكَمْتَ، فَكَانَ نِصْفًا مَا حَكَمْتَ أَنْتَ الَّذِي لَا يَحْوِيكَ مَكَانٌ وَلَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ وَلَمْ يُعْيِكَ بُرْهَانٌ وَلَا بَيَانٌ، أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا وَجَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمَدًا وَقَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، أَنْتَ الَّذِي قَصَرْتَ الْأَوْهَامَ عَنْ ذَاتِيَّتِكَ وَعَجَزْتَ الْأَفْهَامَ عَنْ

كَيْفِيَّتِكَ وَلَمْ تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَيْنِيَّتِكَ، أَنْتَ الَّذِي لَا
تُحَدُّ فَتَكُونُ مُحَدُّوداً وَلَمْ تُمَثَّلْ فَتَكُونِ مَوْجُوداً وَلَمْ تَلِدْ
فَتَكُونِ مَوْلُوداً، أَنْتَ الَّذِي لَا ضِدَّ مَعَكَ فَيُعَانِدُكَ وَلَا عِدْلَ
لَكَ فَيُكَاثِرُكَ وَلَا يَدَّ لَكَ فَيُعَارِضُكَ، أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأَ
وَاخْتَرَعَ وَاسْتَحْدَثَ وَابْتَدَعَ وَأَحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ،
سُبْحَانَكَ مَا أَجَلَ شَأْنِكَ وَأَسْنَى فِي الْأَمَاقِنِ مَكَانَكَ
وَأَصْدَعَ بِالْحَقِّ فُرْقَانَكَ، سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفٍ مَا أَلْطَفَكَ
وَرَعُوفٍ مَا أَرَأَفَكَ وَحَكِيمٍ مَا أَعْرَفَكَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِكٍ
مَا أَمْنَعَكَ وَجَوَادٍ مَا أَوْسَعَكَ وَرَفِيعٍ مَا أَرْفَعَكَ ذُو الْبَهَاءِ
وَالْمَجْدِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ، سُبْحَانَكَ بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ
يَدَكَ وَعَرَفْتَ الْهَدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ فَمَنِ التَّمَسَّكَ لِيَدَيْنِ أَوْ
دُنْيَا وَجَدَكَ، سُبْحَانَكَ خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ
وَخَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ وَانْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لَكَ كُلُّ
خَلْقِكَ، سُبْحَانَكَ لَا تُحْسُ وَلَا تُجْسُ وَلَا تُمَسُّ وَلَا تُكَادُ

وَلَا تُمَاطُ وَلَا تُنَارِعُ وَلَا تُجَارَى وَلَا تُمَارَى وَلَا تُتَخَادَعُ وَلَا
تُمَاكِرُ، سُبْحَانَكَ سَبِيلُكَ جَدُّ وَأَمْرُكَ رَشْدٌ وَأَنْتَ حَيٌّ
صَمَدٌ، سُبْحَانَكَ قَوْلُكَ حُكْمٌ وَقَضَاؤُكَ حَتْمٌ وَإِرَادَتُكَ
عَزْمٌ، سُبْحَانَكَ لَا رَادَّ لِمَشِيتِكَ وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ،
سُبْحَانَكَ بَاهِرَ الْآيَاتِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ بَارِيَّ النَّسَمَاتِ،
لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَدُومُ بِدَوَامِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا
بِنِعْمَتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يُوَازِي صُنْعَكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ
حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ
وَشُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ، حَمْدًا لَا يَنْبَغِي إِلَّا لَكَ
وَلَا يُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ، حَمْدًا يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ وَيُسْتَدْعَى
بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ، حَمْدًا يَتَضَاعَفُ عَلَى كُرُورِ الْأَزْمِنَةِ وَيَتَزَايِدُ
أَضْعَافًا مُتَرَادِفَةً، حَمْدًا يَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفَظَةُ وَيَزِيدُ
عَلَى مَا أَحْصَتْهُ فِي كِتَابِكَ الْكَتَبَةُ، حَمْدًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ
الْمَجِيدَ وَيُعَادِلُ كُرْسِيِّكَ الرَّفِيعَ، حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ

وَيَسْتَعْرِقُ كُلَّ جَزَاءٍ جَزَاؤُهُ، حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَقُّ لِبَاطِنِهِ
وَبَاطِنُهُ وَفَقُّ لِحَصْدِ النَّيَّةِ فِيهِ، حَمْدًا لَمْ يَحْمَدَكَ خَلْقٌ مِثْلَهُ
وَلَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ، حَمْدًا يُعَانُ مِنَ اجْتِهَادِ فِي
تَعْدِيدِهِ وَيُؤَيِّدُ مَنْ أَغْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيَّتِهِ، حَمْدًا يَجْمَعُ مَا
خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ وَيَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدُ، حَمْدًا لَا
حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ وَلَا أَحْمَدَ مِمَّنْ يَحْمَدُكَ بِهِ، حَمْدًا
يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوُفُورِهِ وَتَصِلُهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ
طَوْلًا مِنْكَ، حَمْدًا يَجِبُ لِكَرَمِ وَجْهِكَ وَيُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ،
رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْمُنتَجَبِ الْمُصْطَفَى الْمُكْرَمِ
الْمُقَرَّبِ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمَّ بَرَكَاتِكَ وَتَرَحَّمْ
عَلَيْهِ أَمْتَعَ رَحْمَاتِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً زَاكِيَةً
لَا تَكُونُ صَلَاةً أَرْكَى مِنْهَا، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً لَا
تَكُونُ صَلَاةً أَنْمَى مِنْهَا، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً لَا
تَكُونُ صَلَاةً فَوْقَهَا، رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً

تَرْضِيهِ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ، وَصَلَّ عَلَيْهِ صَلَاةٌ تَرْضِيكَ وَتَزِيدُ
 عَلَى رِضَاكَ لَهُ، وَصَلَّ عَلَيْهِ صَلَاةٌ لَا تَرْضَى لَهُ إِلَّا بِهَا وَلَا
 تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا، رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ
 رِضْوَانَكَ وَيَتَّصِلُ اتِّصَالُهَا بِبَقَائِكَ وَلَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ
 كَلِمَاتُكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ
 مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ وَتَشْتَمِلُ عَلَى
 صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّكَ وَإِنْسِكَ وَأَهْلِ إِجَابَتِكَ وَتَجْتَمِعُ
 عَلَى صَلَاةٍ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَبَرَأَتْ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ، رَبِّ
 صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ
 وَمُستَأْنَفَةٍ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ صَلَاةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَلِمَنْ
 دُونَكَ وَتُنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ
 الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا وَتَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي
 تَضَاعِيفٍ لَا يَعُدُّهَا غَيْرُكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ
 الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ وَحَفَظَةَ

دینک و خلفاءک فی أرضک و حُجَجک علی عبادک و طَهَّرْتَهُمْ
 مِنَ الرَّجْسِ وَالذَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِکَ وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ
 إِلَیْکَ وَالْمَسْلَکَ إِلَى جَنَّتِکَ، رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً
 تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نَحْلِکَ وَکَرَامَتِکَ وَتُکْمِلُ لَهُمُ الْأَشْیَاءَ
 مِنْ عَطَايَاکَ وَتَوَافِلِکَ وَتُوقِّرُ عَلَیْهِمُ الْخَطَّ مِنْ عَوَائِدِکَ
 وَفَوَائِدِکَ، رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَعَلِیْهِمْ صَلَاةً لَا أَمَدَ فِي أَوَّلِهَا
 وَلَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا وَلَا نِهَایَةَ لِآخِرِهَا، رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِمْ زِنَةً
 عَرَشِکَ وَمَا دُونَهُ وَمِلءَ سَمَاوَاتِکَ وَمَا فَوْقَهُنَّ وَعَدَدَ
 أَرْضِکَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَیْنَهُنَّ صَلَاةً تُقَرِّبُهُمْ مِنْکَ رُفْقاً
 وَتَکُونُ لَکَ وَلَهُمْ رِضی وَمُتَّصِلَةً بِنَظَائِرِهِنَّ أَبَداً، اللَّهُمَّ
 إِنَّکَ أَيْدَتَ دینکَ فِي کُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَماً لِعِبَادِکَ
 وَمَنَاراً فِي بِلَادِکَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِکَ وَجَعَلْتَهُ
 الذَّرِیْعَةَ إِلَى رِضْوَانِکَ وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَحَدَرْتَ مَعْصِيَتَهُ
 وَأَمَرْتَ بِأَمْنِثَالِ أَوَامِرِهِ وَالْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ وَأَنْ لَا یَتَقَدَّمَ

مُتَقَدِّمٌ وَلَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِذِينَ
وَكَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَعُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ وَبَهَاءُ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ
فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ
وَاتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَأَعِنَهُ
بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ، وَاشْدُدْ أَرْزُهُ وَقَوِّ عَضُدَهُ وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ
وَاحِمِهِ بِحِفْظِكَ، وَانصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَامْدُدْهُ بِجُنْدِكَ
الْأَغْلَبِ، وَأَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَسُنَنَ
رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَخِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ
الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَاجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجُورِ عَنْ
طَرِيقَتِكَ، وَأَيْنِ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَأَزِلْ بِهِ النَّاكِبِينَ
عَنْ صِرَاطِكَ، وَامْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عَوَجًا، وَأَلِنْ جَانِبَهُ
لِأَوْلِيَائِكَ، وَابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ
وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطُّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ، وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ وَفِي
رِضَاهُ سَاعِينَ وَإِلَى نُصْرَتِهِ وَالْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ وَإِلَيْكَ

وَإِلَى رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ،
 اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمُ الْمُتَّبِعِينَ
 مِنْهُمْ مَنْهُمْ الْمُقْتَفِينَ آثَارَهُمُ الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمُ
 الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمُ الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمُ الْمُسْلِمِينَ
 لِأَمْرِهِمُ الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمُ الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمُ الْمَادِّينَ
 إِلَيْهِمْ أَغْنِيَهُمُ الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الزَّكَايَاتِ النَّامِيَاتِ
 الْغَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَاجْمَعْ عَلَى
 التَّقْوَى أَمْرَهُمْ وَأَصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ وَتُبْ عَلَيْهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ
 التَّوَّابُ الرَّحِيمُ وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ
 السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَةٌ
 يَوْمٌ شَرَّفَتْهُ وَكَرَّمَتْهُ وَعَظَّمَتْهُ نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ وَمَنَنْتَ
 فِيهِ بِعَفْوِكَ وَأَجَزَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى
 عِبَادِكَ، اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ
 لَهُ وَبَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ وَوَقَّفْتَهُ

لِحَقِّكَ وَعَصَمْتُهُ بِحَبْلِكَ وَأَدْخَلْتُهُ فِي حِزْبِكَ وَأَرْشَدْتُهُ
لِمُؤَالَاةِ أَوْلِيَائِكَ وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ، ثُمَّ أَمَرْتُهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ
وَرَجَرْتُهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ وَنَهَيْتُهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ فَخَالَفَ أَمْرَكَ
إِلَى نَهْيِكَ لَا مُعَانَدَةَ لَكَ وَلَا اسْتِكْبَاراً عَلَيْكَ بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ
إِلَى مَا زَيَّلْتُهُ وَإِلَى مَا حَدَرْتُهُ وَأَعَانَهُ عَلَى ذَلِكَ عَدُوُّكَ وَعَدُوُّهُ
فَأَفْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفاً بِوَعِيدِكَ رَاحِياً لِعَفْوِكَ وَاثِقاً بِتَجَاوُزِكَ،
وَكَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ أَلَّا يَفْعَلَ، وَهَذَا أَنَا ذَا
بَيْنَ يَدَيْكَ صَاحِراً ذَلِيلاً خَاضِعاً خَاشِعاً خَائِفاً مُعْتَرِفاً
بِعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتُهُ وَجَلِيلِ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتُهُ
مُسْتَجِيراً بِصَفْحِكَ لَا إِذْأَ بِرَحْمَتِكَ مُوقِناً أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي
مِنْكَ مُجِيراً وَلَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ، فَعُدْ عَلَيَّ بِمَا تَعُودُ بِهِ عَلَى
مَنِ اقْتَرَفَ مِنْ تَعَمُّدِكَ، وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ عَلَى مَنْ أَلْقَى
بِيَدِهِ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ، وَامْنُنْ عَلَيَّ بِمَا لَا يَتَعَاضَلُكَ أَنْ تَمَنَّ
بِهِ عَلَى مَنْ أَمْلَكَ مِنْ غُفْرَانِكَ، وَاجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ

نَصِيباً أَنَالَ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ، وَلَا تَرُدَّنِي صِفْراً مِمَّا
يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَإِنِّي وَإِنْ لَمْ أُقَدِّمَ مَا
قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ وَنَفْيَ الْأَضْدَادِ
وَالْأَنْدَادِ وَالْأَشْبَاهِ عَنْكَ، وَأَتَيْتُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ
أَنْ تُؤْتَى مِنْهَا، وَتَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا
بِالتَّقَرُّبِ بِهِ، ثُمَّ أَتَبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ وَالتَّذَلُّلِ
وَالِاسْتِكَانَةِ لَكَ وَحُسْنِ الظَّنِّ بِكَ وَالثَّقَّةِ بِمَا عِنْدَكَ،
وَشَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَخِيبُ عَلَيْهِ رَاجِيكَ، وَسَأَلْتُكَ
مَسْأَلَةَ الْخَقِيرِ الدَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ،
وَمَعَ ذَلِكَ خِيفَةً وَتَضَرُّعاً وَتَعَوُّدًا وَتَلَوُّدًا لَا مُسْتَطِيلًا بِتَكْبَرِ
الْمُتَكَبِّرِينَ وَلَا مُتَعَالِيًا بِدَالَةِ الْمُطِيعِينَ وَلَا مُسْتَطِيلًا
بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِينَ، وَأَنَا بَعْدُ أَقَلُّ الْأَقْلَيْنِ وَأَذَلُّ الْأَذَلِّينِ
وَمِثْلُ الدَّرَّةِ أَوْ دُونَهَا، فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسِيئِينَ وَلَا يَنْدُهُ
الْمُتْرِفِينَ وَيَا مَنْ يَمُنُّ بِإِقَالَةِ الْعَاثِرِينَ وَيَتَفَضَّلُ بِإِنْظَارِ

الْحَاطِئِينَ، أَنَا الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ، أَنَا الَّذِي
أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِئًا، أَنَا الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا، أَنَا الَّذِي
اسْتَخَفَى مِنْ عِبَادِكَ وَبَارَزَكَ، أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ
وَأَمِنَكَ، أَنَا الَّذِي لَمْ يَرْهَبْ سَطَوَتَكَ وَلَمْ يَخَفْ بَأْسَكَ، أَنَا
الْجَانِي عَلَى نَفْسِهِ، أَنَا الْمُرْتَهَنُ بِبَلِيَّتِهِ، أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءِ، أَنَا
الطَّوِيلُ الْعَنَاءِ، بِحَقِّ مَنْ انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَبِمَنْ
اصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ، بِحَقِّ مَنْ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَمَنْ
اجْتَبَيْتَ لِشَأْنِكَ، بِحَقِّ مَنْ وَصَلْتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِكَ وَمَنْ
جَعَلْتَ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ، بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مُوَالَاتَهُ
بِمُوَالَاتِكَ وَمَنْ نُطْتَ مُعَادَاتُهُ بِمُعَادَاتِكَ، تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي
هَذَا بِمَا تَتَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلًا وَعَادَ بِاسْتِغْفَارِكَ
تَائِبًا، وَتَوَلَّيْنِي بِمَا تَتَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَالزُّلْفَى لَدَيْكَ
وَالْمَكَانَةَ مِنْكَ، وَتَوَحَّدَنِي بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ وَفَى بِعَهْدِكَ
وَأَتَعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ وَأَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ، وَلَا

تَوَاضِعِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ وَتَعَدِّي طَوْرِي فِي حُدُودِكَ
وَمُجَاوَزَةِ أَحْكَامِكَ، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي بِإِمْلَائِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ
مَنْ مَنَعَنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَلَمْ يَشْرُكْكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي،
وَبَهْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْعَافِلِينَ وَسِنَةِ الْمُسْرِفِينَ وَنَعْسَةِ
الْمَخْذُولِينَ، وَخُذْ بِقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَانِتِينَ
وَاسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَوِّدِينَ،
وَأَعِزَّنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ وَيَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ حَظِّي مِنْكَ
وَيَصُدُّنِي عَمَّا أَحَاوِلُ لَدَيْكَ، وَسَهِّلْ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ
إِلَيْكَ وَالْمَسَابِقَةِ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ وَالْمُشَاحَّةَ فِيهَا عَلَى
مَا أَرَدْتَ، وَلَا تَمَحِفْنِي فِي مَنْ تَمَحَقُ مِنَ الْمُسْتَخَفِّينَ بِمَا
أَوْعَدْتَ، وَلَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ
لِمَقْتِكَ، وَلَا تُتَبِّرْنِي فِي مَنْ تُتَبِّرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْ سُبُلِكَ،
وَنَجِّنِي مِنْ عَمَرَاتِ الْفِتْنَةِ، وَخَلِّصْنِي مِنْ لَهَوَاتِ الْبَلْوَى،
وَأَجِرْنِي مِنْ أَخَذِ الْإِمْلَاءِ، وَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ عَدُوِّ يَضِلُّنِي

وَهَوَىٰ يُوبِقُنِي وَمَنْقَصَةٍ تَرْهَقُنِي، وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ
 مَنْ لَا تَرْضَىٰ عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ، وَلَا تُؤْيِسْنِي مِنَ الْأَمَلِ
 فِيكَ فَيَغْلِبَ عَلَيَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَمْتَحِنِّي بِمَا لَا
 طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبْهَظَنِي مِمَّا تُحْمَلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ، وَلَا
 تُرْسِلْنِي مِنْ يَدِكَ إِرْسَالَ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ وَلَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ
 وَلَا إِنَابَةَ لَهُ، وَلَا تَرْمِ بِي رَمِي مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ
 وَمَنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْخِزْيُ مِنْ عِنْدِكَ، بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ
 سَقَطَةِ الْمُرْدِّينَ وَوَهْلَةِ الْمُتَعَسِّفِينَ وَزَلَّةِ الْمَغْرُورِينَ وَوَرَطَةِ
 الْهَالِكِينَ، وَعَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ وَإِمَائِكَ،
 وَبَلِّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ غُنِيَتْ بِهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَرَضِيتَ عَنْهُ
 فَأَعَشْتَهُ حَمِيداً وَتَوَفَّيْتَهُ سَعِيداً، وَطَوَّقْنِي طَوْقَ الْإِقْلَاعِ عَمَّا
 يُحْبِطُ الْحَسَنَاتِ وَيَذْهَبُ بِالْبَرَكَاتِ، وَأَشْعِرْ قَلْبِي الْإِزْدَجَارَ
 عَنْ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ وَقَوَاضِحِ الْخُوبَاتِ، وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا لَا
 أُدْرِكُهُ إِلَّا بِكَ عَمَّا لَا يُرْضِيكَ عَنِّي غَيْرُهُ، وَأَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي

حُبُّ دُنْيَا دَنِيَّةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ وَتَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ
إِلَيْكَ وَتُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ، وَزَيِّنْ لِي التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِكَ
بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَهَبْ لِي عِصْمَةً تُدِينِي مِنْ خَشْيَتِكَ
وَتَقْطَعُنِي عَنْ رُكُوبِ مُحَارِمِكَ وَتَقْكُنِي مِنْ أَسْرِ الْعِظَائِمِ،
وَهَبْ لِي التَّطَهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْيَانِ، وَأَذْهِبْ عَنِّي دَرَنَ
الْخَطَايَا، وَسَرِّبْ لِي بِسْرِبَالِ عَافِيَتِكَ، وَرَدِّني رِدَاءَ مُعَافَاتِكَ،
وَجَلِّلْنِي سَوَابِغَ نِعْمَائِكَ، وَظَاهِرْ لَدَيَّ فَضْلَكَ وَطَوْلَكَ،
وَأَيِّدْنِي بِتَوْفِيقِكَ وَتَسْدِيدِكَ، وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحِ النَّيَّةِ
وَمَرْضِي الْقَوْلِ وَمُسْتَحْسَنِ الْعَمَلِ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى حَوْلِي
وَقُوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُنِي لِلْقَائِكَ،
وَلَا تَفْضَحْنِي بَيْنَ يَدَيَّ أَوْلِيَائِكَ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا
تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ بَلْ أَلْزِمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ
غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِأَلَائِكَ، وَأَوْزِعْنِي أَنْ أُثْنِيَ بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ
وَأَعْتَرِفَ بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيَّ، وَاجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ

الرَّاعِبِينَ وَحَمْدِي إِيَّاكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ، وَلَا تَحْذُلْنِي
عِنْدَ فَاقَتِي إِلَيْكَ، وَلَا تُهْلِكْنِي بِمَا أَسَدَيْتُهُ إِلَيْكَ، وَلَا
تَجْبِهْنِي بِمَا جَبَهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ فَإِنِّي لَكَ مُسَلِّمٌ، أَعْلَمُ
أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ وَأَنَّكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ وَأَعْوَدُ بِالْإِحْسَانِ وَأَهْلُ
الْقَمَوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَأَنَّكَ بِأَنْ تَعْفُو أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ
تُعَاقِبَ وَأَنَّكَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَى أَنْ تَشْهَرَ، فَأَحْيِنِي
حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ وَتَبْلُغُ مَا أَحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا آتِي
مَا تَكْرَهُ وَلَا أَرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، وَأَمْنِي مِيتَةً مَنْ
يَسْعَى نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَعَنْ يَمِينِهِ، وَذَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ،
وَأَعِزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ، وَصَغِّنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ، وَارْفَعْنِي بَيْنَ
عِبَادِكَ، وَأَغْنِنِي عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي، وَزِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَةً
وَفَقْرًا، وَأَعِزَّنِي مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَمِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ وَمِنْ
الدُّلِّ وَالْعَنَاءِ، تَعَمَّدْنِي فِي مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَعَمَّدُ
بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْلَا حِلْمُهُ وَالْآخِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ لَوْلَا

دعای امام سجاد علیه السلام در روز عرفه ۳۳۳

أَنَاثُهُ، وَإِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءاً فَتَنِّجْنِي مِنْهَا لَوْأَدَّأَ بِكَ،
وَإِذْ لَمْ تُقِمِّنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمِّنِي مِثْلَهُ فِي
آخِرَتِكَ، وَاشْفَعْ لِي أَوْائِلَ مِنْكَ بِأَوَاخِرِهَا وَقَدِيمَ فَوَائِدِكَ
بِحَوَادِثِهَا، وَلَا تَمُدُّ لِي مَدّاً يَفْسُو مَعَهُ قَلْبِي، وَلَا تَفْرَعْنِي
قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بَهَايُ، وَلَا تَسْمِنِي خَسِيسَةً يَصْغُرُ لَهَا
قُدْرِي وَلَا نَقِيسَةً يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِي، وَلَا تَرْعِنِي رَوْعَةً
أُبْلِسُ بِهَا وَلَا خِيفَةً أُوجِسُ دُونَهَا، اجْعَلْ هَيْبَتِي فِي
وَعِيدِكَ وَحَذَرِي مِنْ إِعْذَارِكَ وَإِنْدَارِكَ وَرَهْبَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ
آيَاتِكَ، وَاعْمُرْ لَيْلِي بِإِقْظَاظِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَتَفَرُّدِي
بِالْتَّهَجُّدِ لَكَ وَتَجَرُّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ وَإِنْزَالِ حَوَائِجِي بِكَ
وَمُنَازَلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَالِكَ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ وَإِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ
أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ، وَلَا تَذَرْنِي فِي طُغْيَانِي عَامِهَا وَلَا فِي
عَمَرَتِي سَاهِيًّا حَتَّى حِينٍ، وَلَا تَجْعَلْنِي عِظَةً لِمَنْ اتَّعَطَّ وَلَا
نَكَالًا لِمَنْ اِعْتَبَرَ وَلَا فِتْنَةً لِمَنْ نَظَرَ، وَلَا تَمْكُرْ بِي فِي مَنْ

تَمْكُرْ بِهِ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي، وَلَا تُعَيِّرْ لِي إِسْمًا، وَلَا
تُبَدِّلْ لِي جِسْمًا، وَلَا تَتَّخِذْنِي هُزُورًا لِخَلْقِكَ وَلَا سُخْرِيًّا لَكَ
وَلَا تَبْعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ وَلَا مُمْتَهَنًا إِلَّا بِالْإِنْتِقَامِ لَكَ،
وَأَوْجِدْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَحِلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَرَوْحَكَ وَرِيحَانِكَ
وَجَنَّةَ نَعِيمِكَ، وَأَذِفْنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَةِ مِنْ
سَعَتِكَ وَالْإِجْتِهَادِ فِيمَا يُزِلُّ لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ، وَأَتَّحِفْنِي
بِثُخْفَةٍ مِنْ تُخَفَاتِكَ، وَاجْعَلْ تِجَارَتِي رَاجِحَةً وَكَرَّتِي غَيْرَ
خَاسِرَةٍ، وَأَخْفِنِي مَقَامَكَ، وَشَوِّفْنِي لِقَاءَكَ، وَثُبِّ عَلَيَّ تَوْبَةً
نُصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا تَذَرْ مَعَهَا
عَلَانِيَةً وَلَا سَرِيرَةً، وَانْزِعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ،
وَأَعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ، وَكُنْ لِي كَمَا تَكُونُ
لِلصَّالِحِينَ، وَحَلِّ لِي حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ، وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ
فِي الْغَابِرِينَ وَذِكْرًا نَامِيًا فِي الْآخِرِينَ، وَوَافِ بِي عَرَصَةَ
الْأَوَّلِينَ، وَتَمِّمْ سُبُوحَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَظَاهِرَ كَرَامَاتِهَا لَدَيَّ،

وَأَمْلَأْ مِنْ فَوَائِدِكَ يَدَيَّ، وَسُقْ كَرَائِمَ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ، وَجَاوِرْ
 بِي الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَائِكَ،
 وَجَلَّلَنِي شَرَائِفَ نَحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحِبَّائِكَ،
 وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا آوِي إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا وَمَثَابَةً أَتَبَوَّعُهَا
 وَأَقَرُّ عَيْنًا، وَلَا تُقَايِسْنِي بِعَظِيمَاتِ الْجُرَّائِرِ، وَلَا تُهْلِكْنِي
 يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ، وَأَزِلْ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ، وَاجْعَلْ لِي فِي
 الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ، وَأَجْزِلْ لِي قِسَمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ
 نَوَالِكَ، وَوَفِّرْ عَلَيَّ حُطُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ، وَاجْعَلْ
 قَلْبِي وَاثِقًا بِمَا عِنْدَكَ وَهَمِّي مُسْتَفْرغًا لِمَا هُوَ لَكَ،
 وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْتَعْمِلُ بِهِ خَالِصَتَكَ، وَأَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ
 ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَكَ، وَاجْمَعْ لِي الْغِنَى وَالْعَفَافَ وَالِدَّعَةَ
 وَالْمُعَافَاةَ وَالصَّحَّةَ وَالسَّعَةَ وَالطُّمَأْنِينَةَ وَالْعَافِيَةَ، وَلَا تُخْبِطْ
 حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَلَا خَلَوَاتِي بِمَا يَعْرِضُ
 لِي مِنْ نَزَعَاتٍ فَنَنْتِكَ، وَصُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ

مِنَ الْعَالَمِينَ، وَذُبْنِي عَنِ التَّمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ، وَلَا
تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيراً وَلَا لَهُمْ عَلَى مَحْوِ كِتَابِكَ يَدًا
وَنَصِيراً، وَحُطِّنِي مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ حِيَاطَةً تَقِينِي بِهَا،
وافتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرِزْقِكَ الْوَاسِعِ
إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاعِيَيْنِ، وَأَتُّمِّمُ لِي إِعْطَامَكَ إِنَّكَ خَيْرُ
الْمُنْعِمِينَ، وَاجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ابْتِغَاءً
وَجْهِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَبَدَ الْآبِدِينَ.

أَنَا الطَّوِيلُ الْعَنَاءِ، بِحَقِّ مَنْ انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَبِمَنْ
اصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ بِحَقِّ مَنْ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَمَنْ
اجْتَبَيْتَ لِسَانِكَ بِحَقِّ مَنْ وَصَلْتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِكَ وَمَنْ
جَعَلْتَ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مُوَالَاتَهُ
بِمُوَالَاتِكَ وَمَنْ نُظِتَ مُعَادَاتُهُ بِمُعَادَاتِكَ تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي
هَذَا بِمَا تَتَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلاً وَعَادَ بِاسْتِغْفَارِكَ

تَائِبًا، وَتَوَلَّيْنِي بِمَا تَتَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَالزُّلْفَى لَدَيْكَ
وَالْمَكَانَةَ مِنْكَ، وَتَوَحَّدَنِي بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ وَفَى بِعَهْدِكَ
وَأَتَّعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ وَأَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ، وَلَا
تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ وَتَعَدِّي طَوْرِي فِي حُدُودِكَ
وَمُجَاوَزَةِ أَحْكَامِكَ، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي بِإِمْلَائِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ
مَنْ مَنَعَنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَلَمْ يَشْرُكَكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي
وَتَبَهَّنِي مِنْ رَقْدَةِ الْغَافِلِينَ وَسَنَةِ الْمُسْرِفِينَ وَنَعْسَةِ
الْمَخْذُولِينَ، وَخُذْ بِقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْفَانِتِينَ
وَاسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِنِينَ،
وَأَعِزَّنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ وَيَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ حَظِّي مِنْكَ
وَيَصُدُّنِي عَمَّا أَحَاوِلُ لَدَيْكَ، وَسَهِّلْ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ
إِلَيْكَ وَالْمَسَابَقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ وَالْمُسَاحَاةَ فِيهَا عَلَى
مَا أَرَدْتَ، وَلَا تَمَحَقْنِي فِي مَنْ تَمَحَقُ مِنَ الْمُسْتَخَفِّينَ بِمَا
أَوَعَدْتَ، وَلَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ

لِمَقْتِكَ، وَلَا تُتَبِّرْنِي فِي مَنْ تُتَبِّرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْ سُبُلِكَ،
وَنَجِّنِي مِنَ عَمَرَاتِ الْفِتْنَةِ، وَخَلِّصْنِي مِنْ لَهَوَاتِ الْبُلُوَى،
وَأَجِرْنِي مِنَ أَخْذِ الْإِمْلَاءِ، وَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ عَدُوِّ يُضِلُّنِي
وَهَوَى يُوبِقُنِي وَمَنْقَصَةٍ تَرْهَقُنِي، وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ
مَنْ لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ، وَلَا تُؤْيِسْنِي مِنَ الْأَمَلِ
فِيكَ فَيَغْلِبَ عَلَيَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَمْتَحِنِّي بِمَا لَا
طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبْهَظَنِي مِمَّا تُحْمَلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مُحَبَّتِكَ، وَلَا
تُرْسِلْنِي مِنْ يَدِكَ إِرْسَالَ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ وَلَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ
وَلَا إِنَابَةَ لَهُ، وَلَا تَرْمِ بِي رَمِي مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ
وَمَنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْخِزْيُ مِنْ عِنْدِكَ، بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ
سَقَطَةِ الْمُتَرَدِّينَ وَوَهْلَةِ الْمُتَعَسِّفِينَ وَزَلَّةِ الْمَغْرُورِينَ وَوَرَطَةِ
الْهَالِكِينَ، وَعَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ وَإِمَائِكَ،
وَبَلِّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ غُنِيَتْ بِهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَرَضِيتَ عَنْهُ
فَأَعَشْتَهُ حَمِيداً وَتَوَفَّيْتَهُ سَعِيداً، وَطَوَّقْنِي طَوْقَ الْإِقْلَاعِ عَمَّا

يُحْبِطُ الْحَسَنَاتِ وَيَذْهَبُ بِالْبَرَكَاتِ، وَأَشْعِرُ قَلْبِي الْإِزْدَجَارَ
عَنْ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ وَفَوَاضِحِ الْخُوبَاتِ، وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا لَا
أُذْرِكُهُ إِلَّا بِكَ عَمَّا لَا يُرْضِيكَ عَنِّي غَيْرُهُ، وَأُنْزِعْ مِنْ قَلْبِي
حُبَّ دُنْيَا دَنِيَّةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ وَتَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ
إِلَيْكَ وَتُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ، وَزَيِّنْ لِي التَّفَرُّدَ بِمَنَاجَاتِكَ
بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَهَبْ لِي عِصْمَةً تُدْنِيَنِي مِنْ حَشِيَّتِكَ
وَتَقْطَعُنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ وَتَقْكُنِي مِنْ أَسْرِ الْعِظَائِمِ،
وَهَبْ لِي التَّطَهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْيَانِ، وَأَذْهَبْ عَنِّي دَرَنَ
الْخَطَايَا، وَسَرِبِلِي بِسَرِّبَالِ غَافِيَّتِكَ، وَرَدِّدْنِي رِدَاءَ مُعَافَاتِكَ،
وَجَلِّلْنِي سَوَابِغَ نِعْمَائِكَ، وَظَاهِرْ لَدَيَّ فَضْلَكَ وَطَوْلَكَ،
وَأَيِّدْنِي بِتَوْفِيقِكَ وَتَسْدِيدِكَ، وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحِ النَّيَّةِ
وَمَرْضِي الْقَوْلِ وَمُسْتَحْسَنِ الْعَمَلِ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى حَوْلِي
وَقُوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعَثُنِي لِلِقَائِكَ،
وَلَا تَفْضَحْنِي بَيْنَ يَدَيَّ أَوْلِيَائِكَ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا

تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ بَلْ أَلْزَمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ
 غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِأَلَائِكَ، وَأَوْزِعْنِي أَنْ أُثْنِيَ بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ
 وَأَعْتَرَفَ بِمَا أَسْدَيْتَهُ إِلَيَّ، وَاجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ
 الرَّاعِبِينَ، وَحَمْدِي إِيَّاكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ، وَلَا تَحْذُلْنِي
 عِنْدَ فَاقَتِي إِلَيْكَ، وَلَا تُهْلِكْنِي بِمَا أَسْدَيْتَهُ إِلَيْكَ، وَلَا
 تَجْهَنِّي بِمَا جَبَهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ فَإِنِّي لَكَ مُسَلِّمٌ أَعْلَمُ
 أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ وَأَنَّكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ وَأَعْوَدُ بِالْإِحْسَانِ وَأَهْلُ
 التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَأَنَّكَ بِأَنْ تَعْفُو أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ
 تُعَاقِبَ وَأَنَّكَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبَ مِنْكَ إِلَى أَنْ تَشْهَرَ، فَأَحْيِنِي
 حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ وَتَبْلُغُ مَا أَحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا آتِي
 مَا تَكْرَهُ وَلَا أُرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، وَأَمِئْتِي مَيِّتَةً مَنْ
 يَسْعَى نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَعَنْ يَمِينِهِ، وَذَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ،
 وَأَعِزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ، وَضَعْنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ، وَارْفَعْنِي بَيْنَ
 عِبَادِكَ، وَأَغْنِنِي عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي، وَزِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَةً

وَفَقْرًا، وَأَعِزَّنِي مِنْ شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَمِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ وَمِنْ
 الذُّلِّ وَالْعَنَاءِ، تَعَمَّدَنِي فِي مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَعَمَّدُ
 بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْلَا حِلْمُهُ وَالْآخِذُ عَلَى الْجُرِيرَةِ لَوْلَا
 أَنَانَتُهُ، وَإِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَتَنَجِّنِي مِنْهَا لَوْذَاً بِكَ،
 وَإِذْ لَمْ تُقِمْنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي
 آخِرَتِكَ، وَاشْفَعْ لِي أَوْائِلَ مِنْكَ بِأَوَاخِرِهَا وَقَدِيمَ فَوَائِدِكَ
 بِحَوَادِثِهَا، وَلَا تَمُدُّ لِي مَدًّا يَقْسُو مَعَهُ قَلْبِي، وَلَا تَقْرَعْنِي
 قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بَهَائِي، وَلَا تَسْمِنِي حَسِيسَةً يَضْعُرُ لَهَا
 قَدْرِي، وَلَا تَقِيصَةً يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِي، وَلَا تَرْعُنِي
 رَوْعَةً أُبْلِسُ بِهَا وَلَا خِيفَةً أُوجِسُ دُونَهَا، اجْعَلْ هَيْبَتِي فِي
 وَعِيدِكَ وَحَذْرِي مِنْ إِعْذَارِكَ وَإِنْذَارِكَ وَرَهْبَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ
 آيَاتِكَ، وَاعْمُرْ لَيْلِي بِإِقْظَاظِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَتَفَرُّدِي
 بِالْتَّهَجُّدِ لَكَ وَتَجَرُّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ وَإِنْزَالِ حَوَائِجِي بِكَ
 وَمُنَازَلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ وَإِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ

أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ، وَلَا تَذَرْنِي فِي طُعْيَانِي غَامِهَا وَلَا فِي
 عَمَرَتِي سَاهِيًا حَتَّى حِينٍ، وَلَا تَجْعَلْنِي عِظَةً لِمَنْ اتَّعَظَ وَلَا
 نَكَالًا لِمَنْ اِعْتَبَرَ وَلَا فِتْنَةً لِمَنْ نَظَرَ، وَلَا تَمْكُرْ بِي فِي مَنْ
 تَمْكُرُ بِهِ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي، وَلَا تُغَيِّرْ لِي إِسْمًا، وَلَا
 تُبَدِّلْ لِي جِسْمًا، وَلَا تَتَّخِذْنِي هُزُوءًا لِحَلْقِكَ وَلَا سُخْرِيًّا لَكَ
 وَلَا تَبْعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ وَلَا مُمْتَهَنًا إِلَّا بِالِإِنْتِقَامِ لَكَ،
 وَأَوْجِدْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَحِلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَرَوْحَكَ وَرِجَانِكَ
 وَجَنَّةَ نَعِيمِكَ، وَأَذِفْنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَةِ مِنْ
 سَعَتِكَ وَالْإِجْتِهَادِ فِيمَا يُزِلُّ لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ، وَأُخَفِّنِي
 بِتُخَفِّةٍ مِنْ تُخَفَّاتِكَ، وَاجْعَلْ تِجَارَتِي رَاحَةً وَكَرَّتِي غَيْرَ
 خَاسِرَةٍ، وَأَخَفِّنِي مَقَامَكَ، وَشَوْفِي لِقَاءَكَ، وَثُبْ عَلَيَّ تَوْبَةً
 نَصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا تَذَرْ مَعَهَا
 عَلَانِيَةً وَلَا سَرِيرَةً، وَانْزِعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ،
 وَأَعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ، وَكُنْ لِي كَمَا تَكُونُ

لِلصَّالِحِينَ، وَحَلِّني حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ، وَاجْعَلْ لي لِسَانَ صِدْقٍ
 فِي الْغَابِرِينَ وَذِكْرًا نَامِيًا فِي الْآخِرِينَ، وَوَافِ بِي عَرَصَةَ
 الْأَوَّلِينَ، وَتَمِّمْ سُبُوغَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَظَاهِرَ كَرَامَاتِهَا لَدَيَّ،
 وَأَمْلَأْ مِنْ فَوَائِدِكَ يَدَيَّ، وَسُقْ كَرَائِمَ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ، وَجَاوِرْ
 بِي الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي رَزَيْتَهَا لِأَصْفِيَائِكَ،
 وَجَلِّلْنِي شَرَائِفَ نَحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحِبَّائِكَ،
 وَاجْعَلْ لي عِنْدَكَ مَقِيلًا آوِي إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا وَمَثَابَةً أَتَبَوَّعُهَا
 وَأَقْرُ عَيْنًا، وَلَا تُفَايِسْنِي بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِرِ، وَلَا تُهْلِكْنِي
 يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ، وَأَزِلْ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ، وَاجْعَلْ لي فِي
 الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ، وَأَجْزِلْ لي قِسَمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ
 نَوَالِكَ، وَوَفِّرْ عَلَيَّ حُظُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ، وَاجْعَلْ
 قَلْبِي وَاثِقًا بِمَا عِنْدَكَ وَهَمِّي مُسْتَفْرَعًا لِمَا هُوَ لَكَ،
 وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْتَعْمِلُ بِهِ خَالِصَتَكَ، وَأَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ
 دُحُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَكَ، وَاجْمَعْ لِي الْغِنَى وَالْعَفَافَ وَالِدَّعَةَ

وَالْمُعَافَاةَ وَالصَّحَّةَ وَالسَّعَةَ وَالطُّمَأْنِينَةَ وَالْعَافِيَةَ، وَلَا تُحْبِطْ
حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَلَا خَلَوَاتِي بِمَا يَعْرِضُ
لِي مِنْ نَزَعَاتٍ فِتْنَتِكَ، وَصُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ
مِنَ الْعَالَمِينَ، وَذُبْنِي عَنِ التَّمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ، وَلَا
تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيراً وَلَا لَهُمْ عَلَى مُحْوِ كِتَابِكَ يَدًا
وَنَصِيراً، وَحُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ حِيَاطَةً تَقِينِي بِهَا،
وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرِزْقِكَ الْوَاسِعِ
إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاعِبِينَ، وَأَتِمِّمْ لِي إِنْعَامَكَ إِنَّكَ خَيْرُ
الْمُنْعِمِينَ، وَاجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ابْتِغَاءً
وَجْهَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ
الظَّاهِرِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَبَدَ الْآبِدِينَ.